بسم الله الرحمن الرحیم

شیخ مفید و شیخ شهید و شیخ طوسی و سید بن طاوس

علیهم الرحمة گفته اند که چون خواهی در غیر مدینه

حضرت رسول صلی الله علیه و آله را زیارت کنی غسل

بکن و شبیه بقبر در پیش بساز و اسم مبارک آنحضرت را

بر

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دور

بران بنویس و بایست و دل خود را متوجه آنحضرت کن

و بگو اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ

گواهی میدهم باینکه نیست معبودی بجز او که شریکی از برای او نیست

وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَیِّدُ الاَنبِیاءِ

و گواهی میدهم که محمد بنده اوست و فرستاده اوست و او آقای پیغمبرانست

وَاَنَّهُ سَیِّدُ الاَوَّلینَ وَالاٰخِرینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیهِ

و اوست آقای اولین و آخرین خداوندا درود بفرست برا او

وَعَلیٰ اَهلِ بَیتِهِ الاَئِمَّةِ الطَّیِّبینَ پس بعد از آن بگو

و بر اهل خانه او فرزندان او که پاکیزگانند

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَلیلَ

درود بر تو باد ای رسول خدا درود بر تو باد ای دوست

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا

خدا درود بر تو باد ای پیغمبر خدا درود بر تو باد ای

صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا رَحمَةَ اللهِ اَلسَّلامُ

برگزیده خدا درود بر تو باد ای رحمت خدا درود

عَلَیکَ یا خِیَرَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حَبیبَ اللهِ

بر تو باد ای برگزیده خدا درود بر تو باد ای دوست خدا

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

السلام علیک یا نجیب الله السلام علیک یا

درود برتو باد ای نجیب خدا درود برتو باد

خاتم النبیین السلام علیک یا سید المرسلین

ای آخر پیغمبران درود برتو باد ای آقای پیغمبران

السلام علیک یا قائما بالقسط السلام علیک یا فاتح

درود برتو باد ای ایستاده بعدالت درود برتو باد ای گشاینده

الخیر السلام علیک یا معدن الوحی و التنزیل

خوبی درود برتو باد ای کان وحی و قرآن

السلام علیک یا مبلغا عن الله السلام علیک

درود برتو باد ای رساننده از جانب خدا درود برتو باد

السلام علیک ایها السراج المنیر السلم علیک

ای چراغ تابان درود برتو باد

یا مبشر السلام علیک یا نذیر السلام علیک

ای مژده دهنده درود برتو ای ترساننده درود برتو باد

یا منذر السلام علیک یا نور الله الذی یستضاء

ای ترساننده درود برتو باد ای نور خدا ایکه روشنائی جسته شده

به السلام علیک و علی اهل بیتک الطیبین الطاهرین

بآن درود برتو باد و بر خانوادۀ تو ای پاکان و پاکیزگان

الهادی

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

الهادین المهدیین السلام علیک و علی جدک عبد

راهنمای راه یافتگان درود بر تو و بر جد تو عبد

المطلب و علی ابیک عبد الله و علی امک آمنة بنت

المطلب و بر پدر تو عبد الله و بر مادر تو آمنه دختر

وهب السلام علیک و علی عمک حمزة سید الشهداء

وهب درود بر تو باد و بر عموی تو حمزه آقای شهداء

السلام علی عمک و کفیلک ابی طالب السلام علی

درود بر عم تو و کفیل تو ابو طالب درود بر

ابن عمک جعفر الطیار فی جنان الخلد السلام

پسر عم تو جعفر پرنده در بهشت خلد درود

علیک یا محمد السلام علیک یا احمد السلام علیک

بر تو باد ای محمد درود بر تو باد ای احمد درود بر تو باد

یا حجة الله علی الاولین و الآخرین و السابق فی

ای حجت خدا بر اولین و آخرین و سبقت گیرنده در

طاعة رب العالمین و المهیمن علی رسله و الخاتم

فرمان برداری خدای جهانیان و مسلط بر پیغمبرانش و خاتم

لانبیائه و الشاهد علی خلقه و الشفیع الیه و المکین

پیغمبران و گواه بر خلق او و واسطه نبوی او و صاحب رتبه

لَدَیهِ وَالمُطاعَ فی مَلَکُوتِهِ الاَحمَدَ مِنَ الاَوصافِ

نزد او و اطاعت شده در ملکوت او پسندیده از اوصاف

اَلمُحَمَّدَ لِسائِرِ الاَشرافِ الکَریمَ عِندَ الرَّبِّ وَالمُکَلَّمَ مِن

ستوده از سایر اشراف آن کریم در نزد پروردگار و گفتگو شده از

وَراءِ الحُجُبِ الفائِزَ بِالسِّباقِ وَالفائِتَ عَنِ اللَّحاقِ

پشت پردها از رسیده بمرتبه سبقت و گذشته از رسیدن

تَسلیمَ عارِفٍ بِحَقِّکَ مُعتَرِفٍ بِالتَّقصیرِ فی قِیامِهِ

درود شناسا بحق تو و قرار دار بتقصیر در ایستادگی

بِواجِبِکَ غَیرَ مُنکِرٍ مَا انتَهی اِلَیهِ مِن فَضلِکَ مُوقِنٍ

بواجب تو نه منکر آنچه منتهی شد باو از فضل تو یقین دارنده

بِالمَزیداتِ مِن رَبِّکَ مُؤمِنٍ بِالکِتابِ المُنزَلِ عَلَیکَ

بزیادتها از خدای تو گرونده بکتاب فرستاده برتو

مُحَلِّلٍ حَلالَکَ مُحَرِّمٍ حَرامَکَ اَشهَدُ یا رَسُولَ اللهِ مَعَ

حلال کننده حلال تو و حرام کننده حرام تو گواهی دهم ای فرستاده خدا با

کُلِّ شاهِدٍ وَاَتَحَمَّلُها عَن کُلِّ جاحِدٍ اَنَّکَ قَد بَلَّغتَ

هر گواهی و متحمل شوم آنرا از هر منکری که رسانیدی

رِسالاتِ رَبِّکَ وَنَصَحتَ لِاُمَّتِکَ وَجاهَدتَ فی سَبیلِ

پیغام پروردگارت و پند دادی امت را و جهاد کردی در راه

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله

ربك وصدعت بأمره واحتملت الأذى في جنبه

خدایت وزحمت کشیدی بامر او وبرداشتی اذیت را در پهلوی او

ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة

وخواندی براه او بحکمت وپند بنیکی

الجميلة وأديت الحق الذي كان عليك وأنك

پاکیزه واداکردی حقی را که بود بر تو وانکه تو

قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين وعبدت

بودی مهربان بمؤمنان ودرشتی کردی بر کافران وپرستیدی خدا را

الله مخلصا حتى أتاك اليقين فبلغ الله بك أشرف محل

با اخلاص تا که دریافت ترا یقین پس برساند خدا ترا بالاتر جای

المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات

گرامی داشتگان وبالاتر منزلهای مقربان وبالاتر درجات

المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق

فرستادگان تا نرسد بتو رسنده وپیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده

ولا يسبقك سابق ولا يطمع في إدراكك طامع

وسبقت نگیرد ترا سبقت گیرنده وامید ندارد در یافتن تو طمع کننده

الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا

ستایش خدا را که رهانید ما را بتو از هلاک شدن وهدایت کرد ما را

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله

بك من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله

بتو از گمراهی ودروشنائی داد ما را بتو از گمراهی پاداش دهد ترا خدا

یا رسول الله من مبعوث افضل ما جزی نبیا عن امته

ای پیغمبر خدا از برانکه [illegible] زیاده از انچه جزا داد پیغمبر را از امت تو

ورسولا عمن ارسل الیه بابی انت وامی یا رسول

وفرستاده را از انکه فرستاده شد بتو فدایت پدرم ومادرم ای رسول

الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا

خدا زیارت کردم ترا شناسا بحق تو اقرار دارنده بفضل تو بینا

بضلالة من خالفك وخالف اهل بیتك عارفا

بگمراهی انکه مخالفت کرد ترا ومخالفت کرد خوانده وادی ترا شناسا

بالهدی الذی انت علیه بابی انت وامی ونفسی و

بهدایتی که تو برانی بفدایت پدرم ومادرم وخودم

اهلی ومالی وولدی انا اصلی علیك كما صلی الله

وعیالم ومالم واولادم من رحمت طلبم برایت چنانچه رحمت فرستاد خدا

علیك وصلی علیك ملئكته وانبیاؤه ورسله

برتو رحمت خواست برتو فرشتگان او وپیغمبران او وفرستاده او

صلوة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا

رحمتی پی در پی زیاد متصل که برید گی نیست از برایش

زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

أبداً ولا أجل صلّى الله عليك وعلى أهل بيتك

ابداً و نه مدتی رحمت خدا بر تو و بر اهل تو

الطيّبين الطاهرين پس دستها را بکشا و بگوی

که پاکیزگانند

اللّهمّ اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك

خدایا بگردان مجموع رحمتهای خود را افزاینده برکتهای خود را

وفواضل خيراتك وشرائف تحيّاتك وتسليماتك

و زیادی خوبیهای خود را و شریفهای درود خود را و ثناهای خود را

وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك

و بزرگواری ترا و رحمتهای خود را و فرشتگان ترا

المقرّبين وأنبيائك المرسلين وأئمّتك المنتجبين

که مقربانند و پیغمبران تو که فرستادگانند و برگزیدگانت

وعبادك الصالحين وأهل السموات والأرضين

و بندگان نیکویت و اهل آسمان و زمینها

ومن سبّح لك يا ربّ العالمين من الأوّلين والآخرين

وانکه تسبیح کرد برایت ای پروردگار از اولان و آخران

على محمّد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيّك

بر محمد بنده‌ات و رسولت و گواه تو و پیغمبر تو

وَنَذِيرِكَ وَأَمِينِكَ وَمَكِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ

ترساننده تو و استوار تو و پایدار تو و صاحب اصل تو

وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَصِفْوَتِكَ وَخَاصَّتِكَ

و دوست تو و خلیل تو و صافی کرده تو و خاصه تو

وَخَالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و با اخلاص تو و رحمت و بهتر برگزیدگانت از خلقت

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ

پیغمبر رحمت و گنجینه آمرزش و سرکرده خوبی و برکت

وَمُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ وَدَاعِيهِمْ إِلَى

و رهاننده بندگانت از هلاکت بفرمان تو و خواننده ایشان

دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِيثَاقًا وَآخِرِهِمْ

بدین تو که پایدار است بفرمان تو اول پیغمبران در پیمان و آخر ایشان

مَبْعَثًا الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ

بر انگیختن آنکه فرو بردیش در دریای فضیلت و مرتبه نیکو

وَالدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ وَأَوْدَعْتَهُ

و پایه بلند و مرتبه انبوه و امانت نهادیش

الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ إِلَى الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

در پشتهای پاکیزه و نقل کردیش بر رحمهای پاکیزه

لطفا

لُطفاً مِنكَ لَهُ وَتَحَنُّناً مِنكَ عَلَيهِ اِذ وَكَّلتَ لِصَونِهِ

از لطفت با او وبخششت بما او چون گماشتی برای صونش

وَحِراستِهِ وَحِفظِهِ وَحِياطَتِهِ مِن قُدرَتِكَ عَيناً

وپاسبانیش وحفظ او ورعایت او از قدرت تو چشمی

عاصِمَةً حَجَبتَ بِها عَنهُ مَدانِسَ العَهرِ وَمَعائِبَ السِّفاحِ

نگهدارد که بازداشت از او چرکهای او وناپسندهای زنارا

حَتّی رَفَعتَ بِهِ نَواظِرَ العِبادِ وَاَحيَيتَ بِهِ مَيتَ البِلادِ

تا بلند کردی باو دیدهای بندگانرا وزنده کردی باو مرده شهرهارا

بِاَن كَشَفتَ عَن نُورِ وِلادَتِهِ ظُلَمَ الاَستارِ وَاَلبَستَ

بانکه زایل کردی از نور او ولادتش تاریکیها پردهارا وپوشیدی

حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ الاَنوارِ اَللّهُمَّ فَكَما خَصَصتَهُ بِشَرَفِ

حرم خودرا حلهای نورها خدا چنانکه مخصوص کردیش بشرف

هٰذِهِ المَرتَبَةِ الكَرِيمَةِ وَذُخرِ هٰذِهِ المَنقَبَةِ العَظِيمَةِ

این مقام بزرگ وذخیرهٔ این منقبت بزرگ

صَلِّ عَلَيهِ كَما وَفی بِعَهدِكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَقاتَلَ

رحمت بر او هم چنان وفا کرد بعهد تو ورسانید پیغام ترا وجهاد کرد

اَهلَ الجُحُودِ عَلی تَوحِيدِكَ وَقَطَعَ رَحِمَ الكُفرِ فِي اِعزازِ

اهل انکار را بر یگانگی تو وبریدن قرابت کفررا در قایم کردن

دینِكَ وَلَبِسَ ثَوبَ البَلوٰی فی مُجاهَدَةِ اَعدآئِكَ

دین تو وپوشید جامه بلا را در مجاهدهٔ دشمن

وَاَوجَبتَ لَهُ بِكُلِّ اَذیً مَسَّهُ اَو كَیدٍ اَحَسَّ بِهِ مِنَ

ولازم کردی برایش هر اذیتی که رسیدش یا کیدی را که دریافت از

الفِئَةِ الَّتی حاوَلَت قَتلَهُ فَضیلَةً تَفُوقُ الفَضائِلَ

طایفهٔ که قصد کردند کشتن او را زیادتی که سرآمد زیادتیها است

وَتَمَلَّكَ بِها الجَزیلَ مِن نَوالِكَ وَقَد اَحَسَّ الحَسرَةَ وَ

ومالک شد بآن زیاد از عطای ترا ودر یافت حسرت را و

اَخفَی الزَّفرَةَ وَتَجَرَّعَ الغُصَّةَ وَلَم یَتَخَطَّ ما مَثَّلَ لَهُ وَ

ومخفی کرد آواز را وفرو خورد غصه را وتجاوز نکرد انچه را صورت داد برای

حیَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیهِ وَعَلیٰ اَهلِ بَیتِهِ صَلوٰةً

وحی تو خدایا رحمت فرست براو وبر اهل بیت او رحمتی

تَرضیها لَهُم وَبَلِّغهُم مِنّا تَحِیَّةً كَثیرَةً وَسَلاماً وَآتِنا

که بپسندیدی برایشان وبرسان ایشان را از ما درودی بسیار وسلام بیشمار وبده ما را

مِن لَدُنكَ مِن مُوالاتِهِم فَضلاً وَاِحساناً وَرَحمَةً

از نزد خود از دوستی ایشان زیادتی ونیکی ومهربانی

وَغُفراناً اِنَّكَ ذُو الفَضلِ العَظیمِ پس چهار رکعت

وآمرزش را بدرستی که تو صاحب زیادتی بزرگی

نماز و دعاء بعد از زیارت

نماز زیارت بکن بدو سلام ما هر سوره که خواهی و بعد از

فراغ تسبیح فاطمه زهرا بخوان و بگو اللهم انک قلت

خدایا بدرستی که تو گفتی

لنبیک محمد صلی الله علیه و آله و لو انهم اذ ظلموا

مر پیغمبرت را محمد که رحمت فرستد خدا بر او و آل او و اگر آنکه ایشان ستم کردند

انفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر لهم

خود را آمدند ترا پس استغفار کردند خدا را و استغفار کردند بر ایشان

الرسول لوجدوا الله توابا رحیما و لم احضر زمان

پیغمبر هر آینه یافتند خدا را توبه پذیر مهربان و نبودم در زمان

رسولک علیه و آله السلام اللهم و قد زرته

رسولت بر او و آلش درود خدایا و زیارت کردم او را

راغبا تائبا من سیئ عملی و مستغفرا لک من ذنوبی

میل کننده توبه کار از بدی کردارم و استغفار کننده مر ترا از گناهانم

و مقرا لک بها و انت اعلم بها منی و متوجها الیک

و اقرار کننده برایت و تو داناتری بآن از من و روی آورنده بتو

بنبیک نبی الرحمة صلواتک علیه و آله فاجعلنی

به پیغمبرت پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او باد بگردان مرا

دعاء بعد از زیارت

اللهم بمحمد واهل بيته عندك وجيها في الدنيا

خدایا بمحمد وال او واهل او نزد تو با آبرو در دنیا

والآخرة ومن المقربين يا محمد يا رسول الله بابي انت

واخرت وازنزدیکان ای محمد ایفرستاده خدا فدایت پدر

انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله اني اتوجه

ومادرم ای پیغمبر خدا ای آقای خلق خدا که من روی کنم

بك الى الله ربك وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني

بتو وخدا وپروردگار تو وپروردگار من تا بیامرزد مرا وبپذیرد از من

عملي وتقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك

عملرا وروا کند حاجت مرا باش مرا شفیع نزد پروردگارت

وربي فنعم المسئول مولى ربي ونعم الشفيع انت

خوب سؤال کرده شد وخوب واسطه تو

يا محمد عليك وعلى اهل بيتك السلام اللهم

ای محمد برتو وبر اهل تو درود خدایا

اوجب لي عنك المغفرة والرحمة والرزق الواسع

لازم گردان برای من از تو آمرزش ورحمت وروزی فراخ

الطيب النافع كما اوجبت لمن اتى نبيك صلواتك

پاکرا ونافع را همچنان لازم کردی برای آنکه پیغمبرترا رحمتهای تو

دعاء بعد از زیارت

عَلَیْهِ وَآلِهِ وَهُوَ حَیٌّ فَاَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَغْفَرَ

بر او وآل او — و او زنده بود و اعتراف کرد — بگناه خود و استغفار کرد

لَهُ رَسُولُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِکَ

پیغمبر تو — که بر او وآل او — درود — امرزیدی برایش برحمت تو

یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ اَللّهُمَّ وَقَدْ اَمَّلْتُکَ وَرَجَوْتُکَ

ای مهربانترین مهربانان — خدایا ارزوی کردم — وامید داشتم ترا

وَقُمْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ وَرَغِبْتُ اِلَیْکَ عَمَّنْ سِواکَ وَقَدْ

وایستادم در برابر تو — ومیل کردم بتو — از غیر تو — و

اَمَّلْتُ جَزِیلَ ثَوابِکَ وَاِنِّی مُقِرٌّ غَیْرُ مُنْکِرٍ وَتائِبٌ

ارزوی دارم بسیاری ثواب ترا — ومن اقرار دارم — غیر منکر — وتوبه کارم

اِلَیْکَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ وَعائِذٌ بِکَ فِی هذَا الْمَقامِ مِمّا قَدَّمْتُ

بتو — از انچه کسب کردم — وپناه جویم بتو در این جا — از انچه پیش دادم

مِنَ الْاَعْمالِ الَّتِی تَقَدَّمْتَ اِلَیَّ فِیها وَنَهَیْتَنِی عَنْها

از کردها که — فرستادی بمن — دران و باز کردی ام ازان

وَاَوْعَدْتَ عَلَیْهَا الْعِقابَ وَاَعُوذُ بِکَرَمِ وَجْهِکَ

ووعده کردی بران عقاب را — وپناه برم ذات تو

اَنْ تُقِیمَنِی مَقامَ الْخِزْیِ وَالذُّلِّ یَوْمَ تُهْتَکُ فِیهِ

که خواری در مقام — زبان — وخواری — روزی پاره شد — دران

الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وترعد

پردها ومهیا شود درآن پنهانها ورسوائیها وفرزاید

فيه الفرائض يوم الحسرة والندامة يوم الآزفة

درآن فریضها روز حسرت وپشیمانی روز نزدیك

يوم الآفكة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء

روز دروغ بنا نشته روز زیان روز جدائی روز پاداش

يوما كان مقداره خمسين الف سنة يوم النفخة

روزی که هست مقدار آن پنجاه هزار سال روز دمیدن

يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر

روز روز بعث

يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر

روز عرض روز یکه می ایستند مردم برای پروردگار عالمیان روز یکه میگریزد

المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق

مرد از برادر ومادر وپدر وزن وفرزندش روز یکه بشکافند

الارض واكناف السماء يوم تاتي كل نفس تجادل

زمین واسمان روزی که هر نفسی که نزاع کند

عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا

باخود روزی که بر گردند بسوی خدا خبر کند ایشان را بانچه کردند

دعا بعد از زیارت

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ

روزیکه باز ندارد آقا از بنده چیزیرا و یاری کرده نشوند

اِلَّا مَنْ رَحِمَ اللّٰهُ اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ يَوْمَ يُرَدُّونَ

مگر آنکه رحم کند خدا که او غالب مهربانست روزیکه باز گردند

اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ يَوْمَ يُرَدُّونَ اِلَى اللّٰهِ

بسوی دانای نهان و آشکار روزیکه باز گردند بخدا

مَوْلٰيهُمُ الْحَقِّ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا

آقای ایشان حق روزیکه برون آیند از قبور بشتاب

كَاَنَّهُمْ اِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ كَاَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ

که ایشان بسوی بتان میشتابند و گویا که ایشان ملخهای پراکنده

مُهْطِعِينَ اِلَى الدَّاعِ اِلَى اللّٰهِ يَوْمَ الْوَاقِعَةِ يَوْمَ تَرْجُفُ

گردن کشان بسوی خواننده بخدا روز قیامت روزیکه لرزیده شود

الْاَرْضُ رَجًّا يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَتَكُونُ

زمین لرزیدنی روزیکه میباشد آسمان چون مس گداخته و میباشد

الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ وَلَا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا يَوْمَ الشَّاهِدِ

کوهها چون پشم زده و نخواهند خویشی از خویشی روز حاضر کننده

وَالْمَشْهُودِ يَوْمَ تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا اَللّٰهُمَّ

و حاضر شده روزیکه میباشند فرشتگان فوج فوج خدایا

دعاء بعد از زیارت

ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا

رحم کن ایستادن مرا در این روز بایستادنم در این روز و

تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي واجعل

رسوا مکن مرا در این منزل بجنایت کردنم بر خود و بگردان

يا رب في ذلك اليوم مع أوليائك منطلقي وفي

ای خدا در این روز با دوستانت گذر کردن مرا و در

زمرة محمد وأهل بيته عليهم السلام محشري واجعل

جمله محمد و خانوادهٔ او بر ایشان باد درود محشر مرا و بگردان

حوضه موردي وفي الغر الكرام مصدري وأعطني

حوض او را محل ورود من و در روز سفیدان کرام بازگشت مرا و عطا کن نامهٔ مرا

كتابي بيميني حتى أفوز بحسناتي وتبيض به وجهي و

بدست راستم تا برهم بنیکی خود و رو سفید کن بآن مرا

تيسر به حسابي وترجح به ميزاني وأمضي مع الفائزين

آسان محاسبه مرا و سنگین کن بآن میزان مرا و بگذرم با فائزین

من عبادك الصالحين إلى رضوانك وجنانك

از بندگان نیکویت تا بستان تو و بهشت تو

إله العالمين اللهم إني أعوذ بك من أن تفضحني

ای خدای جهانیان خدا من پناه آرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا

في ذلك

دعاء بعد از زیارت

فی ذلک الیوم بین یدی الخلائق بجریرتی او ان

در این روز در نزد خلائق بگناه خلائق یا انکه

القی الخزی والندامة بخطیئتی او ان تظهر فیه

در یابم زیان و پشیمانی را بگناهم و انکه ظاهر کنی در ان

سیئاتی علی حسناتی او ان تنوه بین الخلائق باسمی

گناه من بر خوبیهای من یا انکه شهرت دهی میان خلائق نام مرا

یا کریم یا کریم العفو العفو الستر الستر اللهم

ای کریم بخش پنهان کن خدایا

واعوذ بک من ان یکون فی ذلک الیوم فی مواقف

و پناه بتو از انکه باشد در این روز در جای

الاشرار موقفی او فی مقام الاشقیاء مقامی و

بدان جای من یا در جای بد بختان جای من

اذا میزت بین خلقک فسقت کلا باعمالهم زمرا

و چون جدا کردی میان مردمان راندی هر یک را بکردارشان همه را

الی منازلهم فسقنی برحمتک فی عبادک الصالحین

بمنزلهاشان ابر بران مرا برحمتک در بندگان نیکویت

و فی زمرة اولیائک المتقین الی جناتک یا رب العالمین

و در گروه دوستانت پرهیزکارانند بسوی بهشتهایت ای خدای عالمیان

وداع زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

پس وداع کن آنحضرترا السلام علیك یا رسول الله

درود بر تو باد ای فرستاده خدا

السلام علیك ایها البشیر النذیر السلام علیك

درود بر تو باد ای مژده دهنده ترساننده درود بر تو باد

ایها السراج المنیر السلام علیك ایها السفیر

ای چراغ تابان درود بر تو باد ای ترجمان

بین الله و بین خلقك اشهد یا رسول الله انك

میان خدا و میان خلق گواهی دهم ای پیغمبر خدا که بودی تو

کنت نورا فی الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة

روشن در پشتهای بلند و رحمهای پاك

لم تنجسك الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسك من

نیالودت جاهلیت بالودگیهایش و نپوشانیدت از

مدلهمات ثیابها و اشهد یا رسول الله انی

از تاریکیهای جامهای خود و گواهی دهم ای رسول خدا که من

مؤمن بکم و بالائمة من اهل بیتك موقن بجمیع

گرویدم بتو و بامامان تو از اهل تو یقین دارم بتو

ما اتیت به راض مؤمن و اشهد ان الائمة من اهل

انچه اوردی بان خوشنود و گرونده و گواهی میدهم که امامان از اهل

بیتك

وداع زیارت

نبيك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة

تو كلمه پرهيزكار ونشانهاى راستى ودستهاى

الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لاتجعله

محكمند وحجت براهل دنيا خدايا مكردان انرا

اخر العهد من زيارة نبيك عليه واله السلام

اخر روزكار اززيارت پيغمبر تو كه براو وال او باد درود

وان توفيتني فاني اشهد في مماتي على ما اشهد

واكر ميرانيدى مرا پس كواهى دهم در مردن برانچه كواهى دهم

عليه في حيوتي انك انت الله لا اله الا انت

بران در زندكى خود بدرستى كه تويى خداى كه نيست معبودى جز تو

وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك

يكانه نيست شريكى برايت ومحمد بنده تو وفرستاده تو

وان الائمة من اهل بيته اولياؤك وانصارك

وامامان از اهل خانه او ودوستان وياران تو اند

وحججك على خلقك وخلفاؤك في عبادك واعلامك

وحجتند برخلق تو وخليفكان تو در بندكانت ونشانهاى تو

في بلادك وخزان علمك وحفظة سرك وتراجمة

در شهرهاى تو وخزانه داران دانش تو وحافظان سر تو وترجمهاى

وحییك اللهم صل علی محمد و آل محمد و بلغ روح

وحی خداوندا رحمت فرست بر محمد آل محمد و برسان روح

نبیك محمد و آله فی ساعتی هذه و فی کل ساعة

پیغمبر ما محمد و آل او را در ساعت خاص و در هر ساعت

تحیة و سلاما و السلام علیك یا رسول الله و رحمة

درود و ثنا را و درود بر تو باد ای فرستاده خدا و رحمت

الله و برکاته و لا جعله الله آخر تسلیمی علیك

خدا و برکتهای او و نگرداند او را خدا درود من بر تو

زیارت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام

السلام علیك یا بنت رسول الله السلام علیك

سلام بر تو ای دختر رسول خدا درود بر تو

یا بنت نبی الله السلام علیك یا بنت حبیب الله السلام

ای دختر خبر دهنده خدا درود بر تو ای دختر حبیب خدا درود

علیك یا بنت خلیل الله السلام علیك یا بنت صفی

بر تو ای دختر دوست خدا درود بر تو ای دختر برگزیده

الله السلام علیك یا بنت امین الله السلام علیك

خدا درود بر تو ای دختر امین خدا درود بر تو

یا بنت

یا بنت خیر خلق الله السلام علیک یا بنت افضل

ای دختر بهترین خلق خدا درود بر تو ای دختر بهتر

انبیاء الله السلام علیک یا بنت خیر البریة السلام

پیغمبر خدا درود بر تو ای دختر بهتر خلق درود

علیک یا سیدة نساء العالمین من الاولین والاخرین

بر تو ای بهتر زنهای عالمیان از اول و آخر

السلام علیک یا زوجة ولی الله وخیرة خلقه بعد

درود بر تو ای زن ولی خدا و برگزیده آفریده او پس از

رسول الله السلام علیک یا ام الحسن والحسین سیدی

رسول خدا درود بر تو ای مادر حسن و حسین دو مهتر

شباب اهل الجنة السلام علیک یا ام المؤمنین

جوانان اهل بهشت درود بر تو ای مادر گروندگان

السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة السلام

درود بر تو ای راستگو شهید درود

علیک ایتها الرضیة المرضیة السلام علیک ایتها

بر تو ای پسندیده پسندیده شده درود بر تو ای

الصادقة الرشیدة السلام علیک ایتها الفاضلة

راستگو رشیده درود بر تو ای زیاده

الزَّكِيَّةُ السَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ

پاکیزه درود برتو ای حور زاد آدمی

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ اَلسَّلامُ

درود برتو ای پرهیزکار درود

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

برتو ای حکایت کننده دانا درود برتو

اَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا

ای معصومه ستمدیده درود برتو ای

الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ

پاک کننده پاکیزه درود برتو ای غلبه شده غارت

الْمَغْصُوبَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ

شده درود برتو ای پیشانی سفید درخشنده

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ

درود برتو ای فاطمه دختر محمد فرستاده خدا رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يَا مَوْلاتِي وَابْنَتَ مَوْلايَ

و برکت او درود خدا برتو ای خداوند من دختر آقای

وَعَلَى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ اَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَيِّنَةٍ

و بر روح تو و بدن تو گواهی میدهم که تو رفتار کردی بر گواهی

من

مِن رَبِّكِ وَاَنَّ مَن سَرَّكِ فَقَد سَرَّ رَسُولَ اللّٰهِ وَمَن

از خدای تو هرکه شاد کرد ترا شاد کرد پیغمبر خدا را و آنکه

جَفَاكِ فَقَد جَفَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَ

جفا کند ترا جفا کرده رسول خدا را درود خدا بر تو و آل او

مَن آذَاكِ فَقَد آذَى اللّٰهَ وَآذَى رَسُولَ اللّٰهِ وَمَن وَصَلَكِ

و هرکه اذیت کند ترا اذیت خدا و رسول خدا را و هرکه وصله کند تو را

فَقَد وَصَلَ رَسُولَ اللّٰهِ وَمَن قَطَعَكِ فَقَد قَطَعَ رَسُولَ

مواصلت کرده رسول خدا را و هرکه ببرد ترا بدرستی که بریده رسول

اللّٰهِ لِاَنَّكِ بِضعَةٌ مِنهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَينَ جَنبَيهِ كَمَا

خدا را چرا که تو پاره از اوئی و روح او در میان دو پهلوی اوئی

عَلَيهِ اَفضَلُ الصَّلٰوةِ وَاَكمَلُ السَّلَامِ اُشهِدُ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ

بر او باد افضل صلوات و اکمل درود گواه گیرم خدا و ملائکه

اَنِّي وَلِيٌّ لِمَن وَالَاكِ وَعَدُوٌّ لِمَن عَادَاكِ وَحَربٌ لِمَن

دوستم هرکه دوست تو است و دشمنم هرکه دشمن تو است و جنگم مر آنکه

حَارَبَكِ اَنَا يَا مَولَاتِي بِكِ وَبِاَبِيكِ وَبَعلِكِ وَبِالاَئِمَّةِ

جنگ تو ای بانوی من بتو و پدر و شوهر تو و با امامان

مِن وُلدِكِ مُوقِنٌ وَبِوِلَايَتِهِم مُؤمِنٌ وَبِطَاعَتِهِم مُلتَزِمٌ

از فرزندان تو یقین دارم بولایت ایشان و پیروی ایشان لازم است

اَشهَدُ اَنَّ الدِّینَ دِینُهُمْ وَالْحُکْمُ حُکْمُهُمْ وَهُمْ

گواهی دهم که دین دین ایشان وحکم حکم ایشان وایشان

قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَعَوا اِلی سَبِیلِ اللهِ بِا

رسانیده اند از خدا وخواندند براه خدا

اَلْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ لَا تَاْخُذُهُمْ فِی اللهِ لَوْمَةُ

وحکمت وپند نیکو نگیرد ایشان در راه خدا سرزنش

لَائِمٍ وَصَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْكِ وَعَلَی اَبِیكِ وَبَعْلِكِ وَ

سرزنش درود خدا برتو وبرپدرتو وشوهرتو و

ذُرِّیَّتِكِ الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

وذریه تو امامان پاك خدایا درود برمحمد

وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَصَلِّ عَلَی الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِّیقَةِ

واهل او ودرود بر بتول پاکیزه راستگو

الْمَعْصُومَةِ التَّقِیَّةِ النَّقِیَّةِ الرَّضِیَّةِ الزَّکِیَّةِ الرَّشِیدَةِ

معصومه پرهیزگار پاك مولد پاکیزه راه یافته

الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ الْمَغْصُوبَةِ حَقُّهَا الْمَمْنُوعَةِ اِرْثُهَا

ستمدیده مغلوب شده ازحق باز داشته ازمیراث خود

الْمَکْسُورِ ضِلْعُهَا الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا

شکسته شده پهلوی او شکسته شوهرش کشته شده فرزند او

فاطمه

ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصميم

فرزندش فاطمه دختر پیغمبر تو و پاره گوشت او و خلاصه

قلبه وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة خصصت

دل او و پاره جگر او و انتخاب کرده از او و هدیه که مخصوص کرده

بها وصيه وحبيبه المصطفى وقرينه المرتضى و

باو وصی او و دوست برگزیده و همنشین برگزیده و

سيدة النساء ومبشرة الاولياء حليفة الورع

و سیده زنان و مژده ده دوستان جانشین پرهیزگار

والزهد وتفاحة الفردوس والخلد التي شرفت

و زهد و سیب بوستان بهشت جاوید انکه بزرگواری

مولدها بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة

مولد او را بر زنان بهشت و برآوردی از آن نورهای ائمه

وارخيت دونها حجاب النبوة اللهم صل عليها صلوة

و افکندی درمیان آن پرده پیغمبری خدایا رحمت فرست بر او

تزيد في محلها عندك وشرفها لديك ومنزلتها

که بیفزاید در قدر ان نزد تو و بزرگیش در نزد تو و جای او

من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما واتنا

از خوشنودی تو و برسان از ما باو تحیة و درود و بده ما را

مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا وَاِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَ

از نزد خود در دوستی او افزونی واحسان ورحمت و

غُفْرَانًا اِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ وَسَيِّدِ بْنِ طَاوُسْ

آمرزش را که تو ئی خداوند گذشت کریم

عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ گفته است که بعد از زیارت دو رکعت

نماز زیارت تسبیح از حضرت زهرا این دعا را بخواند که از

دعای بزرگوار است اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّنَا محمد

خداوندا من رو کنم بتو به پیغمبر ما محمد

وَبِاَهْلِ بَیْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِمْ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ

و بخانوادهٔ او رحمتهای تو برایشان باد و سؤال کنم ترا بحق تو

الْعَظِیمِ عَلَیْهِمْ الَّذِی لَا یَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْئَلُكَ

که بزرگست برایشان که نمیدانند کنه او را بجز تو و سؤال کنم ترا

بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِیمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَی

بحق آن که حق او در نزد تو بزرگست و بنامهای تو که نیکوست

اَلَّتِی اَمَرْتَنِی اَنْ اَدْعُوكَ بِهَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ

که فرمودی مرا که بخوانمت بآن و سؤال کنم باسم بزرگت

الذی

الذی امرت به ابرهیم ان یدعوک به الطیر فاجابته

که فرمودی بان ابرهیم را که بخواند بان مرغ را اجابت کرد

و باسمک العظیم الذی قلت للنار کونی بردا و سلاما

و بنام بزرگ که گفتی مر آتش را باش سرد و سلامت

علی ابرهیم فکانت و باحب الاسماء الیک و اشرفها

بر ابرهیم و به بهترین نامهایت نزد تو و شریفترین

و اعظمها لدیک و اسرعها اجابة و انجحها طلبة

و بزرگتران نزد تو و سریع ترین در اجابت و روا کنندهتران در خواهش

و بما انت اهله و مستحقه و استوجبه و اتوسل

و بانچه تو اهل ان و مستحق ان و مستوجب ان و توسل جویم

الیک و ارغب الیک و اتضرع و الح علیک و

بتو و میل کنم بتو و زاری و الحاح کنم بر تو و

اسئلک بکتبک التی انزلتها علی انبیائک و

سوال کنم بکتبهای تو که فرستادی بر انبیای خود و

رسلک صلوٰتک علیهم من التورٰة و الانجیل و

پیغمبرانت درود بر ایشان از توریة و انجیل و

الزبور و القرآن العظیم فان فیها اسمک الاعظم

زبور و قران بزرگ در انهاست نام بزرگت

وَبِمَا فِيهِ مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمَى اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وآنچه در آن از اسمهای بزرگت درود بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ

محمد وانکه زایل کنی از آل محمد وشیعیانش ودوستانش

وَعَنِّي وَتَفْتَحَ اَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي وَتَرْفَعَهُ فِي

وازمن بگشائی درهای آسمان را بجهة دعای من وبالا بری او را در

عِلِّيِّينَ وَتَاْذَنَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذِهِ السَّاعَةِ

علیین واذن دهی در این روز ودر این ساعت

بِفَرَجِي وَاِعْطَاءِ اَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

بفرج من وعطای امالم وخواهش در دنیا وآخرت

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ

ای آنکه نمیداند احدی چگونه است او وقدرت او را بجز او ای آنکه

سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَكَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ

بست هوا را باسمان وافراشته زمین را بر آب وبرگزید

لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ الَّذِي

برای خودش نیکوتر نامها را ای نام برده خود را بنامیکه

يُقْضَى بِهِ حَاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ ذٰلِكَ الْاِسْمِ

روا شود بان حاجت بانکه میخواندش سوال کنم ترا بحق این نام

الذی

الذی فلا شفیع اقوی لی منه ان تصلی علی محمد و آل

انکه نیست شفیعی نیست توانا تر برای من از ان که رحمت کنی بر محمد و آل

محمد و تقضی لی حوائجی و تسمع و بمحمد و علی و فاطمة و

محمد روا کنی برای من حاجتم را و بشنوی بمحمد و علی و فاطمه

الحسن و الحسین و علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر

و حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر

بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی

پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی

و الحسن بن علی و الحجة المنتظر لاذنک صلواتک و

و حسن پسر علی و الحجة انتظار کشیده برای فرمان تو درود تو و

سلامک و رحمتک و برکاتک علیهم صوتی لیشفعوا لی

و درود تو و رحمت تو و برکتهای تو برایشان صدای مرا تا شفاعت مرا

الیک و تشفعهم فی و لا تردنی خائبا بحق لا اله الا انت

نزد تو و شفیع کن ایشان را در من و برمگردانی نا امید بحق آنکه نیست خدایی مگر تو

زیارت ائمه بقیع علیهم الصلوة و السلام است

السلام علیکم ائمة الهدی السلام علیکم یا اهل

التقوى السلام عليكم الحجة على اهل الدنيا السلام

عليكم اهل القوام في البرية بالقسط السلام عليكم

اهل الصفوة السلام عليكم آل رسول الله السلام عليكم

اهل النجوى اشهد انكم قد بلغتم ونصحتم وصبرتم

في ذات الله وكذبتم واسيء اليكم فغفرتم واشهد انكم

الائمة الراشدون المهتدون المهديون وان

مفروضة وان قولكم الصدق وانكم دعوتم فلم

تجابوا وامرتم فلم تطاعوا وانكم دعائم الدين واركان

الارض لم تزالوا بعين الله ينسخكم من اصلاب كل

مطهر

مطهرة وينقلكم من ارواح المطهرات لم تدنسكم

الجاهلية الجهلاء ولم تشرك فيكم فتن الاهواء

طبتم وطاب منبتكم من بكم علينا ديان الدين

فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها

اسمه وجعل صلوتنا عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا

اذ اختاركم الله لنا وطيب خلقنا بما من علينا

من ولايتكم وكنا عنده مسمين بعلمكم معترفين

بتصديقنا اياكم وهذا مقام من اسرف واخطا

واستكان واقر بما جنى ورجا بمقامه الخلاص

وَاَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكىٰ مِنَ الرَّدىٰ

مِنَ الرَّدىٰ فَكُونُوا لِي شُفَعاءَ فَقَدْ وَفَدْنا اِلَيْكُمْ اِذْ

رَغِبَ عَنْكُمْ اَهْلُ الدُّنْيا وَاتَّخَذُوا آياتِ اللّٰهِ هُزُواً

وَاسْتَكْبَرُوا عَنْها يا مَنْ هُوَ قائِمٌ لا يَسْهُو وَدائِمٌ لا

يَلْهُو وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ ما وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي

بِما اَقَمْتَنِي عَلَيْهِ اِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُكَ وَجَهِلُوا

مَعْرِفَتَهُ وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمالُوا اِلىٰ سِواهُ فَكانَتِ

الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ اَقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَنِي

بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ اِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقامِي هٰذا مَذْكُوراً

مكتوبا

مكتوباً فلا تحرمني ما رجوت فلا تخيبني ما دعوت

بحرمة محمد وآله الطاهرين وصلى الله على محمد واله

الطاهرين   زیارت ششم حضرت رضا علیه السلام

السلام علیک یا رسول الله

السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا

درود برتو ای برگزیده خدا درود برتو ای

امين الله السلام على من اصطفاه الله واختصه

امین خدا درود برکسیکه که برگزید او را خدا و مخصوص کرد او را

واختاره من بريته السلام عليك يا خليل الله

و اختیار کرد او را از آفرینش او درود برتو ای دوست خدا

ما دجى الليل وغسق واضاء النهار واشرق

وقتی که تاریک شد شب و تار شد و روشن شد روز و تابنده

السلام عليك ما صمت صامت ونطق ناطق و

درود برتو هر وقت که ساکت شد سکوت کننده و سخن گوینده و

ذر شارق ورحمة الله وبركاته السلام على مولانا

و طلوع کرد آفتاب و رحمت خدا و برکتهای او درود بر آقای ما

امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صاحب السوابق و

پادشاه گروندگان علی پسر ابو طالب خداوند که پیشی گرفته و

المناقب و النجدة و مبید الکتائب الشدید الباس العظیم

صاحب مناقب بزرگی و بر طرف کننده لشکرها و سخت کننده جنگ بزرگ

المراس الباس المکین الاساس ساقی المؤمنین بالکاس

محکم و ثابت اصل دین آب دهنده گروندگان بجامی

من حوض الرسول المکین الامین السلام علی صاحب النهی

از حوض فرستاده کمال امانت دار درود بر خداوند خرد و هوش

و الفضل و الطوائل و المکرمات و النوائل السلام

و احسان و برتری بر دشمنان و کرامات بیشمار درود

علی فارس المؤمنین و لیث الموحدین و قاتل المشرکین و وصی

بر سوار دلیر گروندگان و شیر کسی که یگانه دانند و کشنده مشرکین و جانشین

رسول رب العالمین و رحمة الله و برکاته السلام علی

فرستاده پروردگار عالمین و رحمت خدا و برکت خدا درود بر

من ایده الله بجبرئیل و اعانه بمیکائیل و ازلفه فی

کسی که توفیق داد خدا بجبرئیل و یاری داد بمیکائیل و نزدیک کرد بجود در

الدارین و حباه بکل ما تقر به العین و صلی الله علیه

دارین بهر چه اقرار کرده باو چشم و درود خدا براو

وع

وَعَلیٰ آلِهِ الطّاهِرینَ وَعَلیٰ اَوْلادِهِ الْمُنْتَجَبینَ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ

و بر آل او که پاکند و بر فرزندان او که برگزیده اند و بر پیشوایان

الرّاشِدینَ الَّذینَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ

که راه نمایند آنانکه فرمایند به نیکی و باز دارند از زشتی و

فَرَضُوا عَلَیْنَا الصَّلَواتِ وَاَمَرُوا بِاِیتاءِ الزَّکوٰةِ وَعَرَّفُونا

واجب کردند بر ما نماز را و امر کردند بدادن زکوة و شناسند

صِیامَ شَهْرِ رَمَضانَ وَقِراءَةَ الْقُرْآنِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

روزه ماه رمضان و خواندن قرآن درود بر تو

یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَیَعْسُوبَ الدّینِ وَقائِدَ الْغُرِّ

ای بزرگ گروندگان و بزرگ دین و پیشوای پیشانی

الْمُحَجَّلینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

سفیدان درود بر تو ای باب خدا درود بر تو

یا عَیْنَ اللهِ النّاظِرَةَ وَیَدَهُ الْباسِطَةَ وَاُذُنَهُ الْواعِیَةَ

ای چشم خدا بیننده و دست او گسترنده و گوش او شنونده

وَحِکْمَتَهُ الْبالِغَةَ وَنِعْمَتَهُ السّابِغَةَ اَلسَّلامُ عَلیٰ قَسیمِ

و حکم الهی رساننده و نعمت خدا که فراوان است درود بر قسمت کننده

الْجَنَّةِ وَالنّارِ اَلسَّلامُ عَلیٰ نِعْمَةِ اللهِ عَلَی الْاَبْرارِ وَنِقْمَتِهِ

بهشت و دوزخ درود بر نعمت خدا بر خوبان و عقوبت او

عَلَى الْفُجّارِ اَلسَّلامُ عَلى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْاَخْيارِ اَلسَّلامُ

بر نابکاران درود بر آقای متقیان نیکوکار درود

عَلى اَخِي رَسُولِ اللهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ وَالْمَخْلُوقِ

بر برادر فرستاده خدا و پسر عم او و شوهر دختر او و آفریده شده

مِنْ طِينَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَى الْاَصْلِ الْقَدِيمِ وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ

از گل او درود بر اصل او که پیش است و شاخ کرامت

اَلسَّلامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ عَلِيٍّ اَلسَّلامُ

درود بر میوه چیده درود بر حسن و علی درود

شَجَرَةِ طُوبى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهى اَلسَّلامُ عَلى آدَمَ صِفْوَةِ

درخت طوبی و سدره منتهی درود بر آدم برگزیده

اللهِ وَنُوحٍ نَبِيِّ اللهِ وَاِبْرهِيمَ خَلِيلِ اللهِ وَمُوسى كَلِيمِ اللهِ

خدا و نوح پیغمبر خدا و ابرهیم دوست خدا و موسی هم سخن خدا

وَعِيسى رُوحِ اللهِ وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ

و عیسی روح خدا و محمد دوست خدا و کسیکه میان ایشان از

النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِينَ وَ

پیغمبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان و

حَسُنَ اُولئِكَ رَفِيقاً اَلسَّلامُ عَلى نُورِ الْاَنْوارِ وَسَلِيلِ

و خوب رفیقان باهم درود بر نور روشنیها و فرزند

الاطهار

الاطهار وعناصر الاخيار السلام على والد الائمة

پاکان و اصل خوبان درود بر پدر پیشوایان

الابرار السلام على حبل الله المتين وجنبه المكين

نیکان درود بر ریسمان که محکم است و پهلوی او که قرب دارد

ورحمة الله وبركاته السلام على امين الله في ارضه و

و رحمت خدا و برکتهای او درود بر امین خدا در زمین او و

خليفته والحاكم بامره والقيم بدينه والناطق بحكمته

جانشین او و حکم کننده بامر او و استوار بدین او و گوینده بحکم او

والعامل بكتابه اخ الرسول وزوج البتول وسيف الله

و عمل کننده بکتاب او برادر فرستاده و شوهر بتول و شمشیر خدا

المسلول السلام على صاحب الدلالات والايات

کشیده شده درود بر صاحب رهنمائیها و نشانهای

الباهرات والمعجزات القاهرات والمنجي من الهلكات

ظاهر و معجزهای غالب و نجات ده از هلاکتها

الذي ذكره الله في محكم الايات فقال الله تعالى وانه

که یاد کرده او را در آیات محکم پس گفت خدای تعالی که او

في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم السلام على اسم الله

در لوح محفوظ نزد ما علی درست کردار است درود بر نام خدا

الرضی و وجهه المضیٓ وجنبه العلیّ ورحمة الله

پسندیده وروی خدا که روشن است وپهلوی او که بلند است ورحمت خدا

وبرکاته السلام علی حجج الله واوصیائه وخاصة

وبرکت او درود برحجتهای خدا وجانشینهای خدا ومخصوص کرده

الله واصفیائه وخالصته وامنائه ورحمة الله

خدا وبرگزیده خدا ورها کردانیده خدا وامنای او ودرود خدا

وبرکاته قصدتک یا مولای یا امین الله وحجته

وبرکتهای او طلب کردم ای آقای من ای امین خدا وحجت خدا

زائرا عارفا بحقک موالیا لاولیائک معادیا

زیارت کننده وشناسای حق تو دوستم مر دوستان ترا ودشمنم

لاعدائک متقربا الی الله بزیارتک فاشفع لی

مر دشمنان ترا نزدیکی میجویم بخدا بزیارت تو شفاعت کن مرا

عند الله ربی وربک فی خلاص رقبتی من النار

نزد خدا خدای من وخدای تو در رها کردن من از آتش

وقضاء حوائج الدنیا والاخرة پس خود را بقبر بچسبان

وبرآوردن حاجت دنیا واخرت را

و بگو سلام الله وسلام ملائکته المقربین والمسلمین

درود خدا ودرود ملئکه نزدیکان وتواضع کنندگان

لك

لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ

ترا بدلهای خود ای بزرگ گروندگان وسخن گویان بفضل تو

وَالشَّاهِدِينَ عَلَى اَنَّكَ صَادِقٌ اَمِينٌ صِدِّيقٌ عَلَيْكَ

وگواهانند برانکه تو راستگو وامین وراستی بر تو

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ

ورحمت خدا وبرکت او گواهی دهم که تو پاک وپاک کننده وپاک شده از

طُهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ اَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ

پاک وپاک کننده وپاک کرده شده گواهی دهم ترا تو ای دوست خدا ودوست رسولش

بِالْبَلَاغِ وَالْاَدَاءِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ جَنْبُ اللهِ وَبَابُهُ وَ

برسانیدن احکام واداکردن وگواهی دهم که توئی پهلوی خدا ودرب او و

اَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ وَاَنَّكَ

تو دوست خدائی وروی او که آمده ازان وبدرستی که توئی

سَبِيلُ اللهِ وَاَنَّكَ عَبْدُ اللهِ وَاَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ

راه خدا وتوئی بنده خدا وبرادر پیغمبرش درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا اِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ

براو وآلش وآمدم ترا نزدیکی جویم بخدای بزرگ بزیارت تو

رَاغِبًا اِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ اَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي

میل کنم بتو شفاعت تو طلب کنم شفاعت ترا رهاکردن من

مِنَ النّارِ مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النّارِ هارِباً مِنْ ذُنُوبٍ الَّتی

از آتش پناه برنده ام بتو از آتش سوزنده از گناهان خودم

احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْری فَزِعاً اِلَیْکَ رَجاءَ رَحْمَةِ رَبّی

که بار شده بر پشت من تضرع کنم بتو امید آورده رحمت پروردگارم

و اگر از دور زیارت کند بجای أَتَیْتُکَ بگوید قَصَدْتُکَ

طلب نمایم ترا

بِقَلْبی زائِراً اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِکَ وَ وَجَّهْتُ

بقلب خود زیرا که عاجزم از حضور نزد تو رو می کنم بتو

اِلَیْکَ سَلامی وَ وَجَّهْتُ ضَرِیحَکَ أَتَیْتُکَ مُتَقَرِّباً

بتو درود من توجه نمایم بضریح تو نزد تو و نزدیک

وَ اَسْتَشْفِعُ بِکَ یا مَوْلایَ وَ اَتَقَرَّبُ بِکَ اِلَی اللهِ لِیَقْضِیَ

و شفیع شو ای آقای و نزدیکی جویم بتو برآورده شود

بِکَ حَوائِجی فَاشْفَعْ لی یا اَمینَ اللهِ وَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ

بتو حاجت من و شفیع شو از برای من ای امین خدا وای بزرگ گروندگان

اِلَی اللهِ فَاِنّی عَبْدُ اللهِ وَ مَوْلاکَ وَ زائِرُکَ لَکَ عِنْدَ

بخدا بدرستی منم بنده خدا و غلام تو و زیارت کنم ترا و مرترا است نزد

اللهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَ الْجاهُ الْعَظیمُ وَ الشَّأْنُ الْکَبیرُ

خدا مقام ستوده و جلال بزرگ و مرتبه بزرگ

ونعم

وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وشفاعت قبول شده خدایا درود فرست بر محمد وال محمد

وَصَلِّ عَلٰى اَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضٰى وَاَمينِكَ

ودرود فرست بر بزرگ گروندگان بنده تو برگزیده وامین تو

الْاَوْفٰى وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقٰى وَيَدِكَ الْعُلْيا وَجَنْبِكَ

وفا کرده بدامن محکم ودست تو که بلند است وپهلوی تو

الْاَعْلٰى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنٰى وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرٰى وَصِدّيقِكَ

که برتر است وسخن تو که نیکوست وبرهان تو برخلق وراستگوی تو

الْاَكْبَرِ وَسَيِّدِ الْاَوْصِياءِ وَرُكْنِ الْاَوْلِياءِ وَعِمادِ

بزرگتر است وآقای اوصیاء واصل وپایه دوستان ومعتمد

الْاَصْفِياءِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَيَعْسُوبِ الدّينِ وَقُدْوَةِ

برگزیدگان پادشاه گروندگان وبزرگ دین وپیشرو

الصّالِحينَ وَاِمامِ الْمُخْلِصينَ وَالْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ

نیکوکاران وبزرگ عبادت کنندگان ونگاه داشته شده از ناخوشیها

الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ الْمُطَهَّرِ مِنَ الْعَيْبِ الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ اَخي نَبِيِّكَ وَ

پاک ومنزه از لغزشها پاک شده از عیب وپاک ودور شده از ریب برادر پیغمبر تو و

وَصِيِّ رَسُولِكَ الْبائِتِ عَلٰى فِراشِهِ وَالْمُواسي لَهُ بِنَفْسِهِ

وصی رسول تو کسی که خوابید برخوابگاه تو برای جان خود

وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيْفًا لِنُبُوَّتِهِ

و برطرف نماینده شدت از روی او که کردانیدی ترا شمشیر از برای پیغمبری او

وَآيَةً لِرِسَالَتِهِ وَشَاهِدًا عَلَى أُمَّتِهِ وَدِلَالَةً عَلَى حُجَّتِهِ

و علامت برای رسالت او و شهادت دهنده بر امتش و راه نمای طریقه او

وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ وَوِقَايَةً لِمُهْجَتِهِ وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ وَيَدًا

و بردارند علم او و نگاهبان برای جان او و راهنمای قوم او و دست

لِبَأْسِهِ وَتَاجًا لِرَأْسِهِ وَبَابًا لِسِرِّهِ وَمِفْتَاحًا لِظَفَرِهِ حَتَّى

از برای خشم و افسر برای سر او و در راز نهان و کلید نصرت او تا

هَزَمَ جُيُوشَ الشِّرْكِ بِإِذْنِكَ وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ

شکست لشکرهای کفر را بفرمان تو و هلاک کرد لشکرهای کفر را بفرمان تو

وَبَذَلَ نَفْسَهُ فِي مَرْضَاتِ رَسُولِكَ وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ

و نثار کرد جان خود را در خوشنودی رسولت و کرد او را از احبس بر فرمان او

فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلَوٰةً دَائِمَةً بَاقِيَةً ثُمَّ قُلْ اَلسَّلَامُ

درود فرست خدایا بر او درودی همیشه دائم درود

عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَالشِّهَابَ الثَّاقِبَ وَالنُّورَ الْعَاقِبَ

بر تو ای دوست خدا و ستاره درخشند و نوری که بعد از پیغمبر برآمده

يَا سَلِيلَ الْأَطَائِبِ يَا سِرَّ اللهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ ذُنُوبًا

ای فرزند پاکان ای راز خدا که میان من و میان خدا گناهانست

قد

وَقَدْ ثَقُلَتْ ظَهْرِي وَلَا يَأْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاهُ فَبِحَقِّ

بتحقیق که سنگین نمود پشت مرا مادام نماید بران مگر رضای تو بحق کسی

مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ

که امین کرده ترا بر راز خود وخواسته ترا افرینش تو ونزدیك کرد

طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ وَمُوَالاتَكَ بِمُوَالاتِهِ كُنْ لِي اِلَى اللّٰهِ

اطاعت ترا باطاعت او ودوستی ترا بدوستی او باش از برای من بخدا

شَفِيعًا وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا فَاِنِّي عَبْدُ اللّٰهِ

شفیع واز آتش دوزخ زنهار وبروزگار پشت بدرستی که منم بنده خدا

وَوَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وشش رکعت نماز زیارت

ودوست تو وزائر تو درود خدا بر تو

بکن وهر دعا که خواهی بکن وبگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو ای بزرگ گروندگان

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

بر تو از من درود خدا همیشه مادام که باقیست وباقی ماند شب وروز

پس اشاره کن ومتوجه شو بجانب قبر امام حسین وبگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ

درود بر تو ای پدر عبدالله درود بر تو ای پسر رسول

أتيتكما زائرا ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها

آمدم شمارا زائر ومتوسل بخدا خداى من وشما ومتوجه

الى الله بكما ومستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه

بخدا وبشما وشفاعت كننده بسوى خدا درحاجت من

فاشفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه

شفاعت كنيد مرا بدرستيكه شما نزد خدا مقامى پسنديده وجاه

الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب

بزرك ومنزل بزرك وسيله كه من توجه

عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضاءها ونجاحها

بسوى شما كه روا كنم حاجتم را وجميع حوائج را

من الله بشفاعتكما لي الى الله في ذلك ولا اخيب ولا

از خدا بشفاعت بسوى خدا درين ومايوس

يكون منقلبي عنكما منقلبا خاسرا خائبا بل يكون

ونباشم از شما نا اميد بلكه باشم

منقلبي منقلبا راجحا مفلحا مستجابا لي بقضاء

اميد دار از شما مستجاب كنيد

جميع الحوائج فاشفعا لي انقلب على ما شاء الله ولا

جميع حاجتم را شفيع باشيد برهرچه خدا خواهد

حول

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ مُفَوِّضًا اَمْرِی اِلَی اللهِ مُلْجِئًا

وقوه نیست مکر بخدا واکذارکردم بخدا ملتجی

ظَهْرِی اِلَی اللهِ مُتَوَکِّلًا عَلَی اللهِ وَاَقُولُ حَسْبِیَ اللهُ وَکَفٰی

بخدا توکل برخدا ومیکویم من بس است خدا

سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَیْسَ وَرَاءَ اللهِ وَوَرَاءَکُمْ یَا سَادَتِی

وشنید خدا انچه خوانم اورا ونیست جز خدا وجز شما اقایان من

مُنْتَهٰی مَا شَاءَ اللهُ رَبِّی کَانَ وَمَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ یَا سَیِّدِی

هرچه خواهد خدا انچه باشد ونباشد ای اقای من

وَمَوْلَایَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَمَوْلَایَ وَاَنْتَ یَا اَبَا عَبْدِ

وبزرك کروندکان ودوستی ونوید دعبد

اللهِ سَلَامِی عَلَیْکُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ

الله درود من برشما ماذامی که باشد شب وروز

وَاَصِلُ اِلَیْکُمَا غَیْرُ مَحْجُوبٍ عَنْکُمَا سَلَامِی اِنْشَاءَ اللهُ وَ

واکذاردم بشما غیربرده درود من هرچه خواهد خدا

اَسْئَلُهُ بِحَقِّکُمَا اَنْ یَشَاءَ ذٰلِکَ وَیَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

ومسئلت نمایم بحق شما اکر بخواهد خدا ومیکند که او ستوده است

اَنْقَلِبُ یَا سَیِّدِیَّ عَنْکُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلّٰهِ شَاکِرًا رَاجِیًا

توجه میکنم ای اقای من بشما درحالی که توبه کننده ام خدارا شکر کن دخوشنود

مُسْتَيْقِناً لِلْاِجابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلا قانِطٍ عائِداً راجِعاً

يقين دارم اجابت او را ومايوس نيستم مراجعت كننده

اِلىٰ زِيارَتِكُما غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما بَلْ راجِعٌ اِنْ شاءَ اللّٰهُ

بسوى شما رغبت باشم ازشما بيميل بلكه ميايم اگرخدا بخواهد

اِلَيْكُما يا سادَتي رَغِبْتُ اِلَيْكُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فيكُما وَ

نزد شما اى آقاى من ميل دارم بشما پيش از آنكه روگردان شوند از شما و

اَهْلُ الدُّنْيا فَلا يُخَيِّبُنِي اللّٰهُ فيما رَجَوْتُ وَما اَمَّلْتُ

اهل دنيا وانگذارد مرا خدا در اميد دارم ودست تهى نشوم

فِي زِيارَتِكُما اِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ پس رو بقبله كن و بگو

در زيارت شما بدرستيكه نزديك است اجابت

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ وَيا كاشِفَ

اى خدا اى خدا اى اجابت كننده دعاى ناچاران اى زايل كننده

كَرْبِ الْمَكْرُوبينَ وَيا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ وَيا صَريخَ

اندوه اندوهناكان اى فريادخواه فريادكنندگان اى فريادرس

الْمُسْتَصْرِخينَ وَيا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ

فريادخواهان واى آنكه نزديكتر است بمن از رگ گردن

وَيا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ

اى آنكه حايل شود ميان مرد ودل او اى آنكه بخشنده مهربانى

يا من

یا من علی العرش استوی یا من یعلم خائنة الاعین

ای انکه بر پادشاهی استوا ای — ای انکه میداند گردش چشم را

وما تخفی الصدور یا من لا یخفی علیه خافیة

وانچه پنهانست در سینها — ای انکه مخفی نیست براو پنهانی

یا من لا تشتبه علیه الاصوات یا من لا تغلطه الحاجات

ای انکه مشتبه نیست براو صوتها — ای انکه نشود بدل باو بحاجتها

یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا من یدرک کل فوت

ای انکه بتنگ نیارد الحاح مبالغه کنندگان — ای انکه دریابنده هر گریزی

یا جامع کل شمل یا باری النفوس بعد الموت یا من

ای گرد اورنده هر پراکنده — ای موجود کننده از مردن — ای انکه

هو کل یوم هو فی شان یا قاضی الحاجات یا منفس

او در هر روزی در کاری — ای روا کننده حاجتها — ای زایل کننده

الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی

اندوهها — ای دهنده خواهشها — ای روا کن مطلبها — ای کفایت کن

المهمات یا من یکفی کل شیء ولا یکفی منه شیء فی

مهمات — ای انکه کفایت میکند هر چیزی — و کفایت نکند از او چیزی در

السموات والارض اسالک بحق محمد وعلی امیر

اسمانها و زمین — درخواست کنم از تو بحق محمد و علی باراک

الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ

گروندگان وبحق فاطمه دختر پیغمبر تو وبحق حسن

وَالْحُسَيْنِ فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هٰذَا

وحسین که من بایشان رو کنم بتو درجای خود

وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ أَسْئَلُكَ

وبایشان متوسل شوم وبایشان شفاعت جویم بتو وبحق ایشان درخواست کنم

أُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَ

وقسم یاد کنم بر تو وبان مرتبه که برای ایشان است نزد تو و

القَدْرِ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ

وبتوانائی که افزونی دادی ایشان بر عالمیان وبنامهای تو که گردانیدی اورا

عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ وَبِهِ أَبَنْتَهُمْ

نزد ایشان وباو مخصوص گردانیدی غیر جهانیان وبان جدا کردی ایشان

وَأَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ حَتّٰى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ

وجدا کردی فضیلت ایشان را از فضل ایشان تا انکه بالا گرفت فضل ایشان

الْعَالَمِينَ جَمِيعًا وَأَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

جهانیان وسوال کنم که رحمت فرستی بر محمد وال محمد

وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَأَنْ تَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ

وانکه زایل کنی غم وهم واندوه مرا وصورت دهی مهم

من امري وتقضي ديني وتجبرني من الفقر والفاقة و

انكارهاي من واداكني قرض مرا وتمام كني مرا از فقر وبجبري و

تغنيني عن المسئلة الى المخلوقين وتكفيني هم من اخاف وعسر من اخاف

بي‌نياز كني مرا از درخواست كردن بسوي آفريدگار وباز داري مرا از اندوه

عسره وحزونته من اخاف حزونته وشر من اخاف

وسختي ودرشتي آنكه ميترسم از درشتي او وبدي آن كه ميترسم از

شره ومكر من اخاف مكره وبغي من اخاف وجور

شر او ومكر او كه ميترسم از مكر او وظلم او از آنكه ميترسم

من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد

از جور او وحكم راني او كه ميترسم از حكم راني او واز كيدش

من اخاف كيده واصرف عني كيده ومكره

كه ميترسم از كيد او وباز دار از من كيد او را وكيد

ومقدرة من اخاف مقدرته علي وترد عني كيد

واقتدار او را كه ميترسم از اقتدار او بر من ورد كن از من كيد

الكيدة ومكر المكرة اللهم من ارادني بسوء

كيدها ومكر مكرها خدايا هر كه اراده كند مرا به بدي

فارده ومن كادني فكده واصرف عني كيده و

اراده كن او را وهر كه كيد كند مرا كيد كن او را وبرگردان از من كيد او را و

بأسه وأمانيه وامنعه عني كيف شئت وأنى شئت

بدی او ودرد وغمهای او وباز دار او را از من هر نوع که خواهی وهر جا که خواهی

اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره وبلاء لا تستره

خدایا باز دارش از من وبفقر وبلائی که نپوشانی او را

وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه وبذل لا تعزه

وباحتیاج که نبندی او را وبناخوشی که عافیت ندهی وخواری که عزت ندهی

ومسكنة لا تجبرها اللهم اجعل الذل نصب عينيه

وبفقر بکیر که نبندازی او را خدایا بگردان بذلت برابر دیدهای او

وأدخل الفقر في منزله والسقم في بدنه حتى تشغله

وداخل کردان را فقر را در منزل او وناخوشی در بدن او تا که مشغول کنی او را

عني بشغل شاغل لا فراغ له وأنسه ذكري كما أنسيته

از من بشغلی مشغول کننده که اسودگی نباشد وفراموش یاد مرا چنانچه فراموش کردیش

ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله

ذکر خود را وبگیر از جانب من کوش او را وچشمش وزبان او را ودست وپای او را

وقلبه وجميع جوارحه وأدخل عليه في جميع ذلك

ودل او را وجمیع اعضای او وداخل کن بر او درهمه اینها

السقم ولا تشفه حتى تجعل له ذلك شغلا شاغلا عني

ناخوشی وشفا مده بر او تا بکردانی این را برایش شغلی مشغول کننده از من

وعن

وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك يا مفرج

واز یاد من وکفایت کن مرا کفایت کننده که کفایت نکند جز تو کشایش ده

من لا مفرج له سواك ومغيث من لا مغيث له سواك وجار

نیست کشایش دهی جز تو وفریادرسی نیست جز تو وهمسایه

من لا جار له سواك وملجأ من لا ملجأ له غيرك أنت ثقتي

نیست جز تو وپناهی نیست غیر تو توئی اعتماد من

وحاجتي ورجائي ومفزعي ومهربي وملجائي ومنجاي

وامید من وجای زاری من وگریزگاه من ونجات ده من

فبك أستفتح وبك أستنجح وبمحمد وآل محمد أتوجه إليك

وبتو حاجت خواهم وبتو کشایم وبمحمد وآل محمد رو آرم

وأتوسل وأتشفع يا الله يا الله لك الحمد ولك

ومتوسل شوم شفاعت خواهم ایخدا ایخدا ترا حمد ومر ترا

المنة وإليك المشتكى وأنت المستعان فأسألك بحق

منت وبتو شکایت وتوئی یاری جسته سوال کنم ترا بحق

محمد وآل محمد أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تكشف

محمد وآل محمد انکه درود فرستی بر محمد وآل محمد وزایل کنی

عني همي وغمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك

از من هم واندوه وکرب مرا در این جایم چنانچه زایل کردی از پیغمبرت

همّه وغمّه وكربه وكفيته هول عدوّه فاكشف عنّي كما

هم واندوه وكربش را وبازداشتى او را از هول دشمن زايل كن از من همچنان

وفرّج كما فرّجت عنه فاكفني كما كفيته واصرف عنّي

وفرج ده مرا چنانچه فرج دادى از او ونگاه دار مرا همچنانكه نگاه داشتى او را وبگردان از من

هول ما اخاف هوله ومؤونته وهمّ من اخاف همّه

هول آنچه ميترسم از هول او وتعب او وهم مرا كه ميترسم اندوه او را

بلا مؤونة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء حاجتي

بى تعب بر من از اين وبگردان مرا باداى حاجت من

وكفاية ما اهمّني همّه من امر دنياي وآخرتي يا ارحم

وحفظ از هرچه غمناك كند مرا از امر دنيا وآخرت من يا رحيم

الرّاحمين پس ملتفت شو بجانب قبر امير المؤمنين عليه السلام وبگو

يا رحمن

السّلام عليك يا امير المؤمنين والسّلام على ابي عبد

درود بر تو اى بزرگ گروندگان درود بر پدر عبد الله

الله الحسين ما بقيت وبقي اللّيل والنّهار ولا جعله الله

الله حسين ماداميكه باقيست شب وروز ونگرداند خدا

آخر العهد منّي لزيارتكما ولا فرّق الله بيني وبينكما

از عمر زيارت شما ودورى نيندازد خدا ميان من وشما

زیارت سید الشهداء فی یوم عاشورا

السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیک

درود برتو یا ابا عبدالله درود برتو

یابن رسول الله السلام علیک یابن امیر المؤمنین

ای پسر رسول خدا درود برتو ای پسر امیر المومنین

وابن سید الوصیین السلام علیک یابن فاطمة

و پسر آقای وصیها درود برتو ای پسر فاطمه

الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیک

زهرا بهترین زنان عالمیان درود برتو

یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام

ای خون خدا و پسر خون او و خون ریخته شده درود

علیک وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیکم

برتو و بر روحهائیکه که جای دارند در جوار تو برشما باد

منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل

از من همه درود خدا همیشه تا مادامیکه هست شب

والنهار یا اباعبدالله لقد عظمت الرزیة

و روز یا ابا عبدالله که بزرگ است این واقعه

وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ

دانبوهت این مصیبت بتو وبرما وبرهمه اهل اسلام

وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمٰوَاتِ عَلَى

وبزرگست وزیاد مصیبت تو دراسمانها بر

جَمِيعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ

همه اهل اسمانها لعنت کند خدا گروهیرا که بنا کردند بنای

الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

ستم وجور برشما اهل خوانه ولعنت خدا گروهیرا

دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَاَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي

که دفع کردند شمارا از منزلت شما ودور کردند شمارا از مرتبت شما انکه

رَتَّبَكُمُ اللّٰهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللّٰهُ

بران داشت خدا در آن ولعنت خدا گروهیرا که کشتند شمارا ولعنت خدا

الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ

ازندگان برای ایشان بقبول کردن از کشتن شما بیزارم بسوی خدا

وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَتْبَاعِهِمْ وَاَشْيَاعِهِمْ وَاَوْلِيَائِهِمْ

وبشما ازانها واز پیروان ایشان وشیعیان ایشان ودوستانشان

يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ

یا ابا عبد الله که من سالم مرا کسرا که سالم است با شما وجنگ مرا نرا

حَارَبَكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللّٰهُ اٰلَ زِيَادٍ وَاٰلَ مَرْوَانَ

که جنگ کنند با شما تا روز قیامت ولعنت کند خدا آل زیاد وآل مروان

وَلَعَنَ اللّٰهُ بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللّٰهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ

ولعنت خدا بنی امیه همگی ولعنت کند خدا پسر مرجانه را ولعنت کند

اللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللّٰهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ

خدا عمر پسر سعد را ولعنت کند خدا شمر را ولعنت کند خدا گروهی را که زین کرد

وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّاَتْ لِقِتَالِكَ بِاَبِي اَنْتَ

ولگام کرد وسوراخ کرد ومهیا کردید برای جنگ تو بپدر ومادرم

وَاُمِّي يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَاَسْئَلُ اللّٰهَ

فدایت یا ابا عبدالله که بزرگ شد مصیبت بتو پس سؤال کنم خدا را

اَلَّذِي اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَاَكْرَمَنِي بِكَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ

که گرامی داشت منزلت ترا وگرامی داشت مرا که روزی کند مرا طلب

ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

خون تو با امام یاری شده از اهل بیت پیغمبر تو محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا

درود خدا براو وآل او خدایا بگردان مرا نزد خود با آبرو

بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا اَبَا

بحق حسین علیه السلام در دنیا وآخرت یا ابا

عَبدِاللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلیٰ رَسُولِهِ وَاِلیٰ

عبدالله که من نزدیکی جویم بخدا وبرسولش وبسوی

اَمیرِالمُؤمِنینَ وَاِلیٰ فاطِمَةَ وَاِلَی الحَسَنِ وَاِلَیکَ

امیرالمومنین وبسوی فاطمه وبسوی حسن وبتو

بِمُوالاتِکَ وَبِالبَرائَةِ مِمَّن قاتَلَکَ وَنَصَبَ لَکَ الحَربَ

بدوستی تو وببیزاری ازانکه جنگ کرد ونصب کرد برای تو حرب

وَبِالبَرائَةِ مِمَّن اَسَّسَ اَساسَ الظُّلمِ وَالجَورِ عَلَیکُم وَاَبرَءُ

وببیزاری ازانکه بنا نهاد بنای ظلم وستم برشما وبیزاری جویم

اِلَی اللهِ وَاِلیٰ رَسُولِهِ مِمَّن اَسَّسَ اَساسَ ذٰلِکَ وَبَنیٰ عَلَیهِ

بخدا ورسولش ازانکه بنا نهاد بنای این وفرود اد بران

بُنیانَهُ وَجَریٰ فی ظُلمِهِ وَجَورِهِ عَلَیکُم وَعَلیٰ اَشیاعِکُم

بنا ودوان کرد ستم وظلم برشما وبرتوابع شما

بَرِئتُ اِلَی اللهِ وَاِلَیکُم مِنهُم وَاَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ ثُمَّ اِلَیکُم

بیزاری بخدا وبشما ازایشان ونزدیکی جویم بخدا وبشما

بِمُوالاتِکُم وَمُوالاتِ وَلِیِّکُم وَبِالبَرائَةِ مِن اَعدائِکُم

بدوستی شما ودوستی دوست شما وبیزاری جویم از دشمنان شما

وَالنّاصِبینَ لَکُمُ الحَربَ وَبِالبَرائَةِ مِن اَشیاعِهِم

وبپا کنندگان برائشما جنگ را وبیزاری جویم از تابعان ایشان

وا تباعهم

وَاَتْباعِهِمْ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ

وپیروان ایشان بدرستی که من سالمم مرانکه سالمست شمارا وجنگم مرانکه جنگست شمارا

عاداکم

وَوَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ فَاَسْئَلُ اللّهَ الَّذی اَکْرَمَنی

ودوستم مرکسیرا که دوستست شمارا ودشمنم کسیرا که دشمن شما سؤال میکنم خدارا که گرامی کرد مرا

بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِیائِکُمْ وَرَزَقَنِی الْبَرائَةَ مِنْ اَعْدائِکُمْ

بمعرفت شما ومعرفت دوستان شما وروزی کرد مرا بیزاری دشمنان شما

اَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ وَاَنْ یُثَبِّتَ لی

که بگرداند مرا باشما در دنیا واخرت وثابت بگرداند مرا

عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ

نزد شما قدم راستی در دنیا واخرت وسؤال کنم

اَنْ یُبَلِّغَنِیَ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذی لَکُمْ عِنْدَ اللّهِ وَاَنْ

که برساند مرا بجای ستوده برای شما نزد خدا که

طَلَبَ ثاری مَعَ اِمامٍ مَهْدِیٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْکُمْ وَ

طلب کردن خون را با امام راه یافته ظاهر وگویا از شما و

اَسْئَلُ اللّهَ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَکُمْ عِنْدَهُ اَنْ

سؤال کنم خدا بحق شما وبمنزلتی که شمارا است نزد خدا که

یُعْطِیَنی بِمُصابی بِکُمْ اَفْضَلَ ما یُعْطی مُصاباً بِمُصیبَتِهِ

عطا کند مرا باندوه شما بهتر انچه عطا کند مصیبت داری را

مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ

مصیبتی چه قدر بزرگ است و بزرگ اندوه او در اسلام

وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

و در همه اهل آسمانها و زمین خدایا بگردان مرا

فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ

در جای من از کسیکه میرسد او را از تو درود و رحمت

وَمَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و آمرزش خدایا بگردان زندگانی مرا چون زندگی محمد و آل محمد

وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ

و مردن مرا چون مردن محمد و آل محمد خدا که این روز است مبارک کردند

بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ

بآن بنی امیه و پسر خورنده جگرها آن ملعون پسر ملعون

عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ

بر زبان پیغمبرت محمد درود خدا براو و آلش در همه جا

مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَوَاتُكَ

و مکانی که ماند در آن پیغمبرت که رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ بْنَ

براو و آل او خدایا لعنت کن اباسفیان و معاویه پسر

ابی سفیان و یزید ابن معویة علیهم منک اللعنة

ابی سفیان و یزید پسر معاویه بر ایشان از جانب تو لعنت

ابد الابدین و هذا یوم فرحت ال زیاد و ال

همه روزگار و این روزیست که خوشنود شدند ال زیاد و ال

مروان بقتلهم الحسین صلوٰتک علیه و اله

مروان بجهت کشتن ایشان حسین را رحمت تو بر او و ال او

اللهم ضاعف علیهم اللعن منک و العذاب

خدا بیفزا بر ایشان لعن خود را و عذاب را

اللهم انی اتقرب الیک فی هذا الیوم و فی موقفی

خدایا که من نزدیکی جویم بتو در این روز و در این منزل

هذا و ایام حیوتی بالبرائة منهم و اللعنة علیهم

و در روزی زندگیم به بیزاری از ایشان و لعن کردن بر ایشان

و بالموالات لنبیک و ال نبیک علیهم السلام

و بدوستی برای پیغمبرت و ال پیغمبرت بر ایشان درود

پس صد مرتبه بگوید اللهم العن اول ظالم ظلم حق

خدایا لعنت کن اول ظالمی که ستم کرد حق

محمد و ال محمد و اخر تابع له علی ذلک اللهم العن

محمد و ال محمد و اخر کسی که متابعت کرد او را بر این خدایا لعنت کن

العصابة التي جاهدت الحسين علیه السلام وشایعت

گروهی را که جهاد کرد حسین که بر او باد درود ومتابعت کرد

وبایعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جمیعا

وبیعت نمود ومتابعت کرد بر قتل او خدایا لعنت کن همه را

وصد مرتبه همه بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله

درود بر تو یا اباعبدالله

وعلی الارواح التی حلت بفنائک علیک منی جمیعا

وبر جانها که فرود آمد در جوار تو بر تو باد از من درود

سلام الله ابدا ما بقیت وبقی اللیل والنهار

درود خدا همیشه تا هستم من وهست شب وروز

ولا جعله الله آخر العهد منی لزیارتک السلام

ومگرداند آن را خدا آخر روزگار من زیارت تو درود

علی الحسین وعلی علی ابن الحسین وعلی اولاد الحسین

بر حسین وبر علی پسر حسین وبر فرزندان حسین

وعلی اصحاب الحسین وبعد از سلام میگوئی اللهم

وبر اصحاب حسین خدایا

خص انت اول ظالم باللعن منی وابدء به اولا ثم

مخصوص گردان تو ستمکار اول را بلعنت از من وابتدا کن بآن اول را پس

الثانی

الثانی ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن یزید بن

دوم پس سیم پس چهارم را خدایا لعنت کن یزید پسر

معویة خامسا والعن عبید الله بن زیاد وابن مرجانة

معاویه پنجم ولعنت کن عبید الله پسر زیاد را وپسر مرجانه را

وعمر بن سعد وشمرا وآل ابی سفیان وآل زیاد

وعمر سعد را وشمر وآل ابی سفیان را وآل زیاد

وآل مروان الی یوم القیمة پس سجده میروی ومیگوئی

وآل مروان را تا روز قیامت

اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك علی مصابهم الحمد

خدا تراست ستایش ستایش کنندگان ترا برای مصیبت ایشان حمد

لله علی عظیم رزیتی اللهم ارزقنی شفاعة الحسین

خدا بر بزرگ رنجیدن خدایا روزی کن شفاعت حسین را

علیه السلام یوم الورود وثبت لی قدم صدق

بر او باد درود در روز قیامت وثابت بدار مرا ایستادگی راستی

عندك مع الحسین واصحاب الحسین الذین بذلوا

در نزد تو با حسین ویاران حسین آنانکه بذل کردند

مهجهم دون الحسین علیه السلام وایضا

جانهای خود را در راه حسین علیه السلام

دعای علقمه که بعد از زیارت و نماز زیارت بخواند

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا

خدایا خدایا خدایا ای اجابت کن دعای ناچاران

كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا

ای زایل کننده اندوه‌ناکان ای فریادرس ناله کنندگان

صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ

وای دادرس فریادرسان ای آنکه حایل شود نزدیکتر است با و از

حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ

رگ گردن وای آنکه حایل شود میان مرد و قلب او ای آنکه

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى وَبِالْاُفُقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ

نگاه بلند است و در افق ظاهر ای آنکه اوست

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ

بخشنده مهربان بر پادشاهی مستولی ای آنکه میداند حرکت

الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ

چشمهارا و آنچه پنهان است در سینه‌ها وای آنکه مخفی نیست بر او

خَافِيَةٌ وَيَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ وَيَا مَنْ

پنهانی ای آنکه مشتبه نشود بر او صداها ای آنکه

لا تغلطه الحاجات ويا من لا يبرمه الحاح الملحين

بد لنشود باو حاجتها　وای آنکه نمی رنجاند او را مبالغه بسیار

يا مدرك كل فوت ويا جامع كل شمل ويا بارئ

ای دریابنده هر گریزانی　وای گرد آورنده هر پراکنده　وای موجود کننده

النفوس بعد الموت يا من هو كل يوم في شان يا قاضي

جانها پس از مردن　ای آنکه هر روزی　در کاریست　ای روا کننده

الحاجات يا منفس الكربات يا معطي السؤلات يا

حاجات　ای زایل کننده اندوهها　ای عطا کننده خواهشها

ولي الحسنات يا كافي المهمات يا من يكفي من كل

ای دوست نیکیها　ای روا کننده مهمات　ای آنکه کفایت از هر

شيء ولا يكفي منه شيء في السموات والارض اسألك

چیزی　و کفایت نکند از او چیزی　در آسمانها　و زمین سؤال میکنم

بحق محمد وعلي وبحق فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن

بحق محمد　و علی　و بحق فاطمه　دختر پیغمبرت　و بحق حسن

والحسين فاني بهم اتوجه اليك في مقامي هذا

و حسین　که من بایشان رو میکنم　بتو　در جای خود　اینجا

وبهم اتوسل وبهم اتشفع اليك وبحقهم اسألك

و بایشان متوسل شوم　بایشان شفاعت جویم بتو　و بحق ایشان سؤال میکنم

واقسم واعزم عليك وبالشان الذي لهم عندك

وقسم یاد کنم واهنگ کنم بر تو وبان مرتبه که برای ایشان است نزد تو

وبالقدر الذي لهم عندك وبالذي فضلتهم على

وبتوانائی ایشان نزد تو وبانکه افزون دادی ایشانرا بر

العالمين وباسمك الذي عندهم وبه خصصتهم

جهانیان وبنامهای تو نزد ایشان وباو مخصوص کردانیدی

دون العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من

غیر جهانیان وبان جدا کردی ایشان وجدا کردی فضیلت ایشانرا از

فضل العالمين جمعا واسئلك ان تصلي على محمد و

فضیلت عالمیان ومسئلت مینمایم که رحمت فرستی بر محمد و

ال محمد وان تكشف غمي وهمي وكربي وان تكفيني

آل محمد وانکه زایل کنی غم واندوه من وکرب من وصورت دهی

المهم من امري وتقضيني ديني وتجيرني من الفقر و

مهم من از کارهای من وادا کنی دین مرا ونگاه کنی مرا از فقر و

الفاقة وتغنيني عن المسئلة الى المخلوقين وتكفيني هم

پریشانی وبی نیاز کردانی مرا از خلق وباز داری از غم

من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة من

آنکه میترسم از غم او ودشخواری آنکه میترسم از دشخواری او وحزن او میترسم

اخاف

أَخَافُ حُزُونَتَهُ وَشَرِّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرِ مَنْ أَخَافُ

میترسم از درشتی او وبدی انکه میترسم از شر او ومکر انکه میترسم

مَكْرَهُ وَبَغْيِ مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ وَجَوْرِ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ وَ

مکر او وظلم انکه میترسم از ظلم او وجور انکه میترسم از جور او و

سُلْطَانِ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ وَكَيْدِ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ وَاصْرِفْ

حکم آنکه میترسم از حکومت او وکید انکه میترسم کید او وبگردان

عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَمَقْدُرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدُرَتَهُ

از من کید ومکر او واقتدار انکه میترسم از اقتدار او

عَلَيَّ وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ اللَّهُمَّ

بر خودم وباز داری از من کید ومکر مکاران را خدایا

مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارْدُدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَاصْرِفْ

هرکه اراده کند مرا ببدی باز داده کن او را وانکه کید کند مرا کید کن او را وبرگردان

عَنِّي كَيْدَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَّهُ وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ

از من کید او را وبدی او ودروغ او وباز دار او را از من هر نوع

شِئْتَ وَأَنَّى شِئْتَ اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ

خواهی وهرجا که خواهی خدایا باز دارش از من بفقری که غنا ندهی

وَبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ

وببلاء بپوشانی او را وباحتیاجی که نبندی او را وبناخوشی که عافیت ندهی

وَبِذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ

وبخواری که عزت ندهی ودرویشی که بنیدازی اورا خدایا بگردان

الذُّلَّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ وَاَدْخِلِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالسُّقْمَ

خواری را دربرابر دیدهای او وداخل کردان فقر را درمنزل وناخوشی

فِي بَدَنِهِ حَتّٰى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغُلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَاَنْسِهِ

دربدن تا مشغول کنی اورا ازمن بشغلی مشغول کننده که فارغ نباشد اورا وفراموش کن

ذِكْرِي كَمَا اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَ

یاد مرا چنانکه فراموش کرد ذکر اورا وفراگیر ازمن گوش اورا وچشم اورا

لِسَانِهِ وَبَدَنِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ وَاَدْخِلْ

وزبان وبدن اورا وپای اورا ودل اورا وهمه جوارح اورا وداخل کن

عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتّٰى تَجْعَلَ لَهُ ذٰلِكَ

براو درهمه اینها ناخوشی وشفا مده اورا تا اینکه بگردانی برایش این را

شُغُلًا شَاغِلًا عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي وَاكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا

مشغول کننده ازمن واز یاد من وکفایت کن مرا که

يَكْفِي سِوَاكَ يَا مُفَرِّجَ مَنْ لَا مُفَرِّجَ لَهُ سِوَاكَ وَمُغِيثَ

کفایت نکند جز تو وگشایش دهی نیست جز تو وفریاد

مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ سِوَاكَ وَجَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ سِوَاكَ وَمَلْجَاَ

رسی نیست جز تو وهمسایه نیست جز تو وپناهی نیست

من

مَنْ لا مَلْجَأَ لَهُ غَيْرُكَ اَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي وَ

کسی جز تو تو ئی اعتماد من و امیدوار من و

مَفْزَعي وَمَهْرَبي وَمَلْجَائي وَمَنْجَاي فَبِكَ اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ

وجای زاری وپناه من ونجات من بتو کشایش طلبم بتو

اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ وَاَتَوَسَّلُ وَاَتَشَفَّعُ

حاجت بتو بمحمد و آل محمد روی آرم بتو و متوسل شوم و شفاعت جویم

يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمِنَّةُ وَاِلَيْكَ

خدایا خدایا تراست حمد و تراست امتنان و بتو

الْمُشْتَكى وَاِلَيْكَ الْمُسْتَعانُ فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

شکایت و بتو یاری جسته شده پس سؤال کنم از تو بحق محمد و آل

مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنّي وَغَمّي وَكَرْبي

محمد که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و زایل کنی از من غم و کرب مرا

فِي مَقامي هذا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ

در اینجا یم زایل کردی از پیغمبرت هم و اندوه و کرب او را و بازداشتی از او

هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنّي كَما كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ

هول دشمن او زایل کن از من چنانکه زایل کردی از او و فرج ده چنانکه فرج دادی او را

فَاكْفِني كَما كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنّي هَوْلَ ما اَخافُ هَوْلَهُ وَ

نگه دار مرا چنانکه نگاه داشتی او را و بگردان از من هول آنچه میترسم از هول او و

مؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه بلاء

وتعب اینچه میترسم از تعب او واندوه اینچه میترسم اندوه بلا

مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء

تعب بر من از این وبکردان مرا بروای

حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر اخرتي

حاجت من وحفظ از هرچه غمناک کند مرا از امر اخرت

ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما

ودنیای ای امیر مومنان یا ابا عبدالله بر شما

مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار

از من درود خدا همیشه انقدر که بماند شب وروز

ولا جعله الله اخر العهد من زيارتكما ولا فرق

ونکرداند خدا اخر عهد مرا از زیارت شما وجدائی نیندازد

الله بيني وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريته

خدا میان وشما خدایا زنده دار مرا زنده محمد واولادش

وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في

وبمیران مرا بمردن انها وبمیران بر ملت ایشان ومحشور کن مرا در

زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا

کروه ایشان وجدائی میانداز میان من وایشان بهم زدن چشم هرکز

فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ يا اَمِيرَ المُؤمِنِينَ يا اَبا عَبدِ اللهِ

در دنيا واخرت يا امير المؤمنين يا ابا عبد الله

اَتَيتُكُما زائِراً او اگر از دور زيارت كند تَوَجَّهتُ

امدم شما را زيارت كننده رو كردم

اِلى ضَرِيحِكُما زائراً بگويد وَمُتَوَسِّلاً اِلَى اللهِ رَبِّي وَ

بضريح شما زيارت كننده وتوسل جوينده بخدا خداى من و

رَبِّكُما وَمُتَوَجِّهاً اِلَيهِ بِكُما وَمُستَشفِعاً بِكُما اِلَى اللهِ فِي

شما و روى آرنده بسوى شما وشفاعت جوينده بشما بخدا در

حاجَتِي هٰذِهِ فَاشفَعا لِي فَاِنَّ لَكُما عِندَ اللهِ المَقامَ

اين حاجت شفاعت كنيد مرا كه مر شما راست نزد خدا منزلت

المَحمُودَ وَالجاهَ الوَجِيهَ وَالمَنزِلَ الرَّفِيعَ وَالوَسِيلَةَ

پسنديده و بزرگوارى وجاى بلند و وسيله

اِنِّي اَنقَلِبُ عَنكُما مُنتَظِراً لِتَنَجُّزِ الحاجَةِ وَقَضائِها وَ

كه من باز گردم از شما انتظار كشيده برسيدن حاجت و روا شدن ان و

نَجاحِها مِنَ اللهِ بِشَفاعَتِكُما لِي اِلَى اللهِ فِي ذٰلِكَ فَلا

بر آمدن او از خدا بشفاعت شما بسوى خدا در اين پس

اَخِيبُ وَلا يَكُونُ مُنقَلَبِي مُنقَلَباً خائِباً خاسِراً بَل

محروم نگردم و نباشد منزلت من منزلت محروم زيان كار بلكه

يكون منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا

باشد جايگاه من جايگاه بهتري دستگاري حاجت روائي مستجاب كني

لي بقضاء بجميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلب

برآكردن همه حاجتهاي من وشفاعت كني براي من بخدا باز گردم

على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضا

بر آنچه خواهد خدا ونيست گردش ونه توانائي مگر بخدا واگذارده‌ام

امري الى الله ملجأ الى الله ظهري الى الله ومتوكلا

كار خودم بخدا تكيه داده‌ام پشت خودم را بخدا وتوكل كننده

على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي

بر خدا وگويم بس است مرا خدا وبس است شنيد خدا دعاي او را نيست براي من

وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان

بر از خدا وبر او خدا اي آقايان من منتهاي هرچه خواهد خدا باشد

وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعكما

هرچه نخواهد نميباشد ونيست گردش ونه توانائي مگر بخدا ميسپارم شما را

الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما انصرفت

بخدا ونگرداند خدا آخر عهد من بسوي شما باز گشت

يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا

اي آقاي من يا امير المومنين آقاي من وتو اي

عبدالله

عبد الله یا سیدی و سلامی علیکما متصل ما اتصل

عبد الله ای آقای من درود من برشما پیوسته است

اللیل والنهار وواصل ذلک الیکما غیر محجوب عنکما

شب و روز رسیده است این بسوی شما نه پوشیده از شما

سلامی ان شاء الله واسئله بحقکما ان یشاء ذلک

درود من اگر خدا خواهد وسوال کنم بحق شما اگر خدا خواهد این

ویفعل فانه حمید مجید یا سیدی عنکما تائبا

ومیکند که او ستوده بزرگوار است ای آقای من از شما توبه کار

حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آیس ولا قانط

حمد کنان سپاس گذار امیدوار اجابت نه مایوس و نه نا امید

آئبا عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا

رجوع کننده عود کننده برگردیده بزیارت شما نه بازگشته از شما و

عن زیارتکما بل راجع عائد ان شاء الله لا حول ولا

از زیارت شما بل گردیده عود کننده اگر خواهد خدا و نیست گردش و نه

قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما

توانائی مگر بخدا ای آقای من میل کردم بشما و بزیارت شما

بعد ان زهد فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا

بعد از ان میل کردند در شما و در زیارت شما اهل دنیا

فلا خيّبني الله ممّا رجوت وما أمّلت في زيارتكما

محروم نكرداند مرا خدا از آنچه امید دارم و آنچه امید دارم در زیارت شما

إنّه قريب مجيد

که او نزدیک است

زيارت اربعين

السّلام على وليّ الله وحبيبه السّلام على خليل الله

درود بر دوست خدا و حبیب او درود بر خلیل خدا

ونجيبه السّلام على صفيّ الله وابن صفيّه السّلام

و برگزیده او درود بر برگزیده خدا پسر برگزیده او درود

على الحسين المظلوم الشّهيد السّلام على أسير الكربات

بر حسین مظلوم شهید درود بر گرفتار اندوه

وقتيل العبرات اللّهمّ إنّي أشهد أنّه وليّك وابن

وکشته خویشان خدایا گواهی دهم که او ولی تو و پسر

وليّك وصفيّك وابن صفيّك الفائز بكرامتك

ولی تو و برگزیده تو پسر برگزیده تو دریابنده بکرامت تو

أكرمته بالشّهادة وحبوته بالسّعادة واجتبيته بطيب

گرامی داشتی او را بشهادت و عطا کردیش بسعادت و برگزیدیش بپاکی

الولادة وجعلته سيّداً من السّادة وقادة من

ولادت و کردانیدی او را آقا از پیشوایان و کشنده از

الْقَادَةِ وَزَآئِدًا مِنَ الزَّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ

کشنده وجای اجابت کننده واورا عطا کردی میراث

الْاَنْبِيَآءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الْاَوْصِيَا

پیغمبران وگردانیدی اورا حجت بر خلق خود از اوصیا

فَاَعْذَرَ فِي الدُّعَآءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ

مبالغه کرد در دعا وعطا کرد پند را وبخشید جای خود را در تو

لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

تا برهاند مر بندگان ترا از جهالت وحیرانی گمراهی

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ

وبعث کرفت براو وفریب داد اورا دنیا وفروخت بهره خود را

بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ

بدتر وپست تر وفروخت آخرتش را ببهای ناقص

وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ

وبیداد کرد وهلاک شد در هوای خود وبخشم آورد ترا وخشم آورد پیغمبر ترا

وَاَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اَهْلَ الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَحَمَلَةَ

وپیروی کرد از آنکه پرستید ترا اهل شقاوت ونفاق را وبردارنده

الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ

وزرها که سزاوارند آتش را جهاد کردشان در تو

صابراً محتسباً حتی سفك فی طاعتك دمه واستبیح

صبر کننده و با تحمل تا ریخته شد در پیروی تو خون او و مباح شده

حریمه اللهم فالعنهم لعناً وبیلاً وعذبهم

حریم او خدایا لعنت کن ایشانرا لعن گران وعذاب کن ایشانرا

عذاباً الیماً یبکو السلام علیك یابن رسول الله

عذاب دردناك درود بر تو باد پسر رسول خدا

السلام علیك یابن سید الاوصیاء اشهد انك

درود بر تو باد پسر آقای اوصیاء گواهی دهم که توئی

امین الله وابن امینه عشت سعیداً ومضیت حمیداً

امین خدا و پسر امین خدا زندگی نیک بخت وگذرانیدی ستوده

ومت فقیداً مظلوماً شهیداً واشهد ان الله منجز لك

و مردی بیمثل و مظلوم و شهید وگواهی دهم که خدا وفا کند

ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك

انچه وعده کرده و هلاك کننده کسی که زیان کرده وعذاب کند کسیرا که کشت ترا

واشهد انك وفیت بعهد الله وجاهدت فی سبیل الله حتی

وگواهی دهم ترا وفا کردی بعهد خدا وکشته شدی در راه خدا تا

اتیك الیقین فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك

دریافت ترا مرگ لعنت خدا کسیرا که کشت ترا ولعنت خدا کسیرا که ظلم کرد ترا

ولعن

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اَللّٰهُمَّ

لعنت خدا گروهی را شنید اینرا خوشنود شد بان خدا

اِنّي اُشْهِدُكَ اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ

گواهی دهم که دوستم من کسرا که دوستی ودشمنم کسرا که دشمنی اورا

بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يَابْنَ رَسُولِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ نُوراً في

پدر ومادرم فدایت پسر رسول خدا گواهی دهم که توئی نوری در

اَلاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ

پشتهای بلند ورحمهای پاکیزه نیالود ترا

الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ

جاهلیت بالودگیش ونپوشانیدت تیرهای

ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَاَرْكانِ

جامه ات وگواهی دهم که تو از ارکان دینی وارکان

الْمُسْلِمينَ وَمَعْقِلُ الْمُؤْمِنينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الاِمامُ

مسلمانان وپناه گروندگان وگواهی دهم که تو امام

اَلْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ

نیکو وپرهیزکار پسندیده بزرگ رهنمای راه یافته وگواهی دهم

اَنَّ الاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَاَعْلامُ الْهُدى

که امامان از اولاد تو کلمه پرهیزکار ونشانهای راستی

والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد

ورهنمای محکم وحجت براهل دنیا وگواهی دهم

انی بکم مومن بشرایع دینی وخواتم عملی وقلبی لقلبکم

که من شما گرونده ام بشریعتهای دین خود واخر کردادم ودل من دل شما

سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی لکم معدة حتی یاذن

اشنا وکار من کار شما پیروست ویاری من برای شما مهیا شده تا اذن دهد

الله لکم فمعکم معکم لا مع عدوکم صلوات الله

خدا برای شما باشما پس باشما نه با دشمن شما درود خدا

علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وشاهدکم و

بر شما وبر روح شما وبر جسدهای شما وحاضر شما و

غائبکم وظاهرکم وباطنکم امین یا رب العالمین

پنهان شما وظاهر شما وباطن شما مستجاب کن ای خدای عالمیان

زیارت حسن بن علی فی یوم الثامن والعشرین فی الصفر

السلام علیک یا ابا محمد الحسن المجتبی السلام

درود بر تو باد یا ابا محمد حسن برگزیده درود

علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن علی المرتضی

بر تو باد ای پسر رسول خدا درود بر تو باد پسر علی مرتضی

السلام علیک

السلامُ علیکَ یابنَ فاطمةَ الزهراءِ السلامُ علیکَ

درود بر تو باد پسر فاطمه زهرا درود بر تو باد

یا مسمومَ بسمِّ الاعداءِ اشهدُ انّکَ الامامُ بعدَ دربِ

زهر داده شده بزهر دشمن گواهی دهم که تو امامی بعد در

المدینةِ علمِ المصطفی واشهدُ انّکَ جاهدتَ فی سبیلِ

مدینه علم مصطفائی و گواهی دهم که تو کشته شدی در راه

اللهِ حقّ جهادِهِ حتّی شربتَ السّمَّ بکَ وجاءَ کبدُکَ مِن

خدا حق است که کشته شدی تا چشانیدند زهر بتو وامد جگر تو از

حلقومِکَ قطعاً قطعاً واشهدُ انّکَ قد عبدتَ اللهَ مخلصاً

حلق تو پاره پاره و گواهی دهم که تو بندهٔ خدا اخلاص ورزنده

حتّی اتاکَ الیقینُ فلعنَ اللهُ مَن ظلمکَ ولعنَ اللهُ مَن

تا دریافت مرگ ترا لعنت خدا بر کسی که ظلم کرد ترا و لعنت خدا کسی را که

قتلکَ ومَن جحدکَ ولعنَ اللهُ مَن فتی بقتلِکَ ولعنَ اللهُ مَن

کشت ترا و کسیکه انکار تو کرد و لعنت خدا کسیکه اذن داد بکشتن تو و لعنت خدا کسی را

سمعتْ بذلکَ فرضیَ بهِ السلامُ علیکَ ورحمةُ اللهِ وبرکاتُهُ

شنید این را خوشنود شد بآن درود بر تو و رحمت خدا و برکات او

در بیان زیارت مفجعه جناب سید الشهداء علیه السلام

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا اَبا عَبدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ

درود برتو یا ابا الله درود برتو باد

يَابنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ اَميرِ المُؤمِنينَ

پسر رسول خدا درود برتو باد پسر امیر المومنین

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَابنَ فاطِمَةَ الزَّهراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ

درود برتو باد پسر فاطمه زهراء مهتر زنان

العالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا اَخا الحَسَنِ الرَّضِيِّ

جهانیان درود برتو باد ای برادر حسن پسندیده

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا اَبا الاَئِمَّةِ المَعصُومينَ الهُداةِ

درود برتو باد ای پدر امامان معصومین هدایت شده

اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَعَلَيهِم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

درود برتو و بر ایشان و رحمت خدا و برکات او

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا صاحِبَ المُصيبَةِ الرّاتِبَةِ

درود برتو باد ای صاحب مرتبه بلند

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا صَريعَ الدَّمعَةِ السّاكِبَةِ وَالمَفجُوعِ

درود برتو باد ای دیرنده اشکها فرود ریخته بجزع آورده

الحَزينِ وَالمَذبُوحِ الطَّعينِ وَالمَقطُوعِ الوَتينِ

حزین و ذبح شده نیزها و قطع شده نیزها

وَمُعَفَّرِ الْخَدَّيْنِ مَجْرُوحِ الْوَدَجَيْنِ الْوَدَجَيْنِ

دنکسته بادد مجروح شده بهلوها

دَامِي الْوَرِيدَيْنِ بَاكِي الْعَيْنَيْنِ الْمَقْتُولِ فِي يَوْمِ

بریده دکها کریه ارنده چشمها کشته شده دد دوز

الْأِثْنَيْنِ رَيْحَانَةَ رَسُولِ اللّٰهِ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَيْنِ ع

دوشنبه ریحانه رسول خد ابا عبد الله حسین

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظَّمَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ

درود بر تو ای کشته آب درود بر تو ای غریب

الْغُرَبَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَسِيرَ الْكُرَبَاءِ وَمَسْلُوبَ

غریبها درود بر تو ای اسیر اندوهها و برهنه شده از

الرِّدَاءِ وَالْمَذْبُوحَ مِنَ الْقَفَاءِ وَمَسْلَبَ النِّسَاءِ وَمَحْرُوقَ

رداء ذبح شده از پشت و برهنه کردند زنهارا و سوخته

الْخِبَاءِ وَالْمُخَضَّبَ بِالدِّمَاءِ وَاحُزْنَاهُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

خیمها خضاب شده بخون افسوس بر تو باد پسر

مُحَمَّدِ الْمُصْطَفٰى وَاَسَفَاهُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضٰى

محمد مصطفی تاسف بر تو باد پسر علی مرتضی

وَالَهْفَاهُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَابْنَ خَدِيجَةَ

دریغ بر تو باد ای پسر فاطمه زهراء و پسر خدیجه

الکبری واخا الحسن الرضا وابا الائمة الهدی

کبری وبرادر حسن پسندیده وپدر امامان هدایت شده

واخرنا علیک یابن رسول الله السلام علیک

اندوه برتو باد پسر رسول خدا درود برتو باد

یا ابا عبد الله السلام علیک یا مصباح الدجی

یا ابا عبدالله درود برتو باد ای چراغ افروخته

وسفینة النجاة والرجاء المرتجی السلام علیک

وکشتی نجات دهنده وامیدوار امیدواران درود برتو باد

یا حبیب الرحمن ویا شریک القران ویا صاحب المصائب

ای دوست خدا وای شریک قران ای صاحب مصیبت

والاحزان السلام علیک یا من نحره منحور و

وحزن درود برتو باد ای کسیکه نحر شده د

صدره مکسور وراسه علی القناة مشهور السلام

سینه شکسته شده وسرت بر نیزه مشهور درود

علیک یا من بکت له السماء بالدماء ویا قتیل

برتو ای انکه گریه کرد برابر اسمان بخون وکشته شده

الظماء یا من جسمه غریق بالدماء السلم علیک

السلم علیک

آب ای انکه جسم را غرق خون کردند درود برتو باد

یا

یا من القی علی قومه حجته فانکروها ونقضوا بیعته

ای انکه را نمود بر قومت عودی حجت خودرا پس انکار کردند وشکستند بیعت ترا

وخانوا رسول الله صلی الله علیه وآله فی وصیته

وخیانت رسول خدارا درود خدا براو وال او دروصیتش

وصالوا علیه وعلی عترته وقتلوا اخاه وزوج

وخلاف کردند براو وعترت او وکشتند برادراو وشوهر

ابنته وذبحوا سبطه وابن کریمته وقتلوه

دختراو وکشتند پسراورا وپسر کریمتش اورا وکشتند اورا

عطشانا بغصته وحرقوا اخبائه وهتکوا حرمته

درحالتی که تشنه بود وسوختند خیمهایش ودریدند حرمت اورا

وسلبوا بناته ونسائه واحزناه علیک یا ابن رسول

وبرهنه کردند دخترانش وزنهایش اندوه برتو پسر رسول

الله واسفاه علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام

خدا وامصیبت برتو پسر امیر المؤمنین درود

علیک یا ابن فاطمة الزهراء وابن خدیجة الکبری

برتو پسر فاطمه زهرا وپسر خدیجه کبری

واخا الحسن الرضا السلام علیک یا من دمه

وبرادر حسن پسندیده درود برتو ای انکه خونت

غُسْلُهُ وَشَيْبُهُ قُطْنُهُ وَالتُّرَابُ كَافُورُهُ وَنَسْجُ

غسل او ودیش او جامهٔ کفن او وخاک کافور او وخاشاک

الرِّيَاحِ اَكْفَانُهُ وَالْقَنَاةُ الْخَطِّيُّ نَعْشُهُ وَفِي

بیابان کفن او ونیزه ودر

قُلُوبِ مَنْ وَالاهُ قَبْرُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ

دلهای دوستان قبر او درود برتو ای غریب

الْاَوْطَانِ وَالسَّلِيبَ الْعُرْيَانِ وَالذَّبِيحَ الْعَطْشَانِ

وطنها وبدنت برهنه وکشته شده درمیان دو نهر

وَصَاحِبَ الْمَصَائِبِ وَالْاَحْزَانِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

وصاحب مصیبت واندوه درود برتو باد

يَا مَنِ الْاَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَالشِّفَاءُ فِي تُرْبَتِهِ وَالْاِجَابَةُ

ای آنکه امامان از ذریهٔ او وشفا در تربت او واجابت دعا

تَحْتَ قُبَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَهُ اللهُ بِشَهَادَتِهِ

زیر قبهٔ او درود برتو باد ای زیاده مرتبه ترا بشهادتت

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ وَرَيْحَانَتَهُ

درود برتو باد پسر رسول خدا وریحانه او

وَابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتَهُ يَا مَنْ هُوَ مُهْجَتُهُ

وپسر امیر المومنین وذریهٔ او ای میوهٔ دل

الزهرا

الزَّهْرَاءِ وَبَهْجَتِهَا وَيَا اَخَا الْحَسَنِ الرِّضَا وَخَلِيفَتَهُ

زهراء ومیوه او وای برادر حسن پسندیده وخلیفه او

وَيَا اٰيَةَ اللهِ العظمى وَحُجَّتَهُ وَيَا مَنْ قَتَلُوهُ عَبِيدُهُ وَرَعِيَّتُهُ

وعلامت خدا وحجت او ای آنکه کشتند او را بنده او ورعیت او

وَخَانُوا رَسُولَ اللهِ فِي وَصِيَّتِهِ وَصَالُوا عَلَيْهِ

وخیانت کردند فرستاده خدا را در وصیت او وستم کردند بر او

وَعَلَى عِتْرَتِهِ وَاخَزْنَاهُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ

وبر عترت او واحزناه بر تو پسر رسول خدا درود

عَلَيْكَ يَابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ

بر تو باد پسر امیر المؤمنین درود بر تو باد پسر

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَيْبَتُهُ بِدَمِهِ

فاطمه زهرا درود بر تو باد ای آنکه ریش او را بخونش

خَضِيبٌ وَخَدُّهُ تَرِيبٌ وَرَحْلُهُ نَهِيبٌ وَفِي كَرْبَلَاءَ

رنگین کردند ورخسار او ترتیب در کربلا

شَهِيدٌ غَرِيبٌ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ

شهید غریب درود بر تو باد یا ابا عبدالله

وَعَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ وَعَلَى النُّحُورِ الْمَنْحُورَاتِ

دبر خونها ریخته دبر گلوی نحرشده

وعلى الشعور المنشورات وعلى الرؤس المرفعات

در مویهای پراکنده شده وبر سرهای بالا رفته بنیزه

وعلى الخدود المهشمات وعلى الاعضاء المقطعات

وبر اسباب سوخته وبر اعضای قطع شده

وعلى الاجسام المجرحات وعلى الابدان المنعمات

وبر جسمهای پامال شده وبر بدنهای معطر شده

واحزناه عليك يا ابن رسول الله واسفاه

واحزناه بر تو پسر رسول خدا افسوس

عليك يا ابن امير المؤمنين والهفاه عليك

بر تو باد بر امیر المومنین والهفاه بر تو باد

يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا علي بن الحسين

پسر فاطمه زهراء درود بر تو باد ای علی بن حسین

الذبيح الطعين وعلى علي ابن الحسين زين العابدين

کشته نیزه وبر علی پسر حسین زین العابدین

المفجوع الحزين السلام على الانصار المجاهدين

بفزع وحزن درود بر یاران کشته شدند

السلام عليك يا ابا عبد الله اني اتيتك زائرا

درود بر تو یا ابا عبدالله که امدم ترا زیارت کننده

وعلى الصدور المحطمات وعلى الشباب المخضبات وعلى النفوس المقدسات وعلى الارواح المختلسات

وبر سینهای پامال شده وبر ریشهای خضاب شده وبر نفسهای مقدسه وبر روحهای [illegible]

لقد صدع لمصابك الاسلام وتعطلت الاحكام السلام عليك يا ابا عبد الله ومولاي

عارفا

عارفاً بحقك مخصوصاً بمحبتك من قلب

شناسنده ام بحق تو اختصاص داده شده بدوستی تو از دل

مقروح ودمعه عند ذكرك

زخم شده واشك چشم نزد یاد تو

مسفوح سلام من المفجوع الحزين واله

ریخته شده درود از جزع غمگین شده حیران

المسكين سلام منه ابداً دائماً

فقیر درود براو همیشه وهمیشگی

سرمداً يا مولاى يا ابا عبد الله

مستدام ای آقای من یا ابا عبد الله

يا ليتنى كنت معك فى الصفوف و

ای کاش بودم من با تو درصفها و

فديتك بنفسى من حر السيوف

فدای میشدم ترا بجانم از سوختن شمشیرها

وابذل حشاشتى دونك واجتهد

و بذل میکردم باقی جانم را نزد تو وجهاد میکردم

بين يديك اشهد انك قد

میان دو دست تو گواهی میدهم که تو بتحقیق

اقمت الصلوة و اتیت الزکوة
برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را

و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر
و امر کردی خوب را و نهی کردی زشتی را

و جاهدت فی الله حق جهاده و
و جهاد کردی تو در راه خدا حق جهاد خدا را و

کنت لله طائعا و لجدک محمد
بودی تو خدا را اطاعت کننده و بجدت محمد

المصطفی صلی الله علیه و آله سامعا
برگزیده درود خدا بر او و آلش شنونده

و لابیک علی المرتضی تابعا السلام علیک
و از برای پدرت علی مرتضی تابع درود بر تو

یا ابا عبدالله السلام علیک یا بن مکة
یا ابا عبدالله درود بر تو ای پسر مکه

و منی السلام علیک یا بن زمزم و صفا السلام
و منی درود بر تو ای پسر زمزم و صفا درود

علیک و علی زینب النقیة و کلثوم المرضیة و
بر تو و بر زینب پرهیز شده و کلثوم برگزیده شده و

علی سکینة المسبیة السلام علی فاطمة ورقیة السلام

بر سکینه [illegible] درود بر فاطمه ورقیه

المرضیة السلام علی نساء المخفیة السلام علی

خوشنود شده درود بر زنهای پنهان شده درود بر

البنات الهاشمیة السلام علی السادات العلویة

دختران هاشمیه درود بر آقایان علویه

السلام علیکم جمیعا ورحمة الله وبرکاته السلام

درود بر شما همه ورحمت خدا وبرکات او درود

علیک یا ابا عبد الله نفسی مشتاقة الیک ومهجتی

بر تو یا ابا عبد الله خودم مشتاقم بتو وقلبم

محرقة علیک وعینی علیک باکیة وحزنی علیک

سوخته شده بر تو ودو چشمم بر تو گریه کننده واندوه من بر تو

طویل واسفی علیک جاریة وعبرتی علیک ساکبة

طولت اسوس من بر تو جاری واشکهایم بر تو ریخته شده

وزفرتی علیک ظاهرة وهمتی علیک متتابعة

اشکهای من بر تو ظاهر ومصیبتم بر تو پی درپی

ورزیتی علیک عظیمة ومصابی بک جلیل الیک

ومصیبت من بر تو بزرگست ومصیبت تو بر من بزرگست

علی فاطمة ورقیة السلام علی [illegible] ورقیة

اِلَيْكَ هَمِّي وَرَجَائِي وَعَلَيْكَ حُزْنِي وَبُكَائِي

بسوی تو اندوه من و امید وار دم بر تو اندوه من و گریه من

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

درود بر تو و رحمت خدا و برکات او

در بیان کیفیت زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام است و سند

معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که چون خواهی زیارت کنی حضرت امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام را پس غسل کن و خود را پاکیزه و خوشبو بکن و جامهٔ طاهر بپوش و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

درود بر تو باد ای دوست خدا درود بر تو باد ای حجت

الله

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا نُورَ اللهِ فِي ظُلُماتِ الاَرضِ

خدا درود بر تو باد ای نور خدا در تاریکیهای زمین

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَن بَدَءَ اللهُ في شَأنِهِ آيتُكَ

درود بر تو باد ای آنکه زیاد کرد خدا شأن ترا امدم ترا

زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُعادِياً لِاَعدائِكَ مُوالِياً

زیارت کننده شناسنده حق ترا دشمنم مر دشمنان ترا دوستدارم

لِاَولِيائِكَ فَاشفَع لي عِندَ رَبِّكَ يا مَولايَ پس حاجت

دوستان ترا شفیع شو از برای من نزد پروردگارت ای آقای من

خود را بطلب پس سلام کن بر حضرت امام محمد نقی علیه السلام

بهمین کلمات که گذشت و ابتدا کن بغسل و بگو اَللّهُمَّ

خدایا

صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ الاِمامِ البَرِّ التَّقِيِّ الرَّضِيِّ المَرضِيِّ وَ

درود بفرست بر محمد پسر علی امام نیکو پرهیزکار راضی پسندیده و

حُجَّتِكَ عَلى مَن فَوقَ الاَرَضينَ وَمَن تَحتَ الثَّرى صَلوةً

حجت تو بر جمیع اهل زمین و ما تحت الثری درود

كَثيرَةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً كَاَفضَلِ

بسیار نامیده پاکیزه برکت داده دایم متواتر بهترین

مَاصَلَّیْتَ عَلَی اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیَائِكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

صلوات بر دوستان تو درود بفرست بر

یَا وَلِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نُوْرَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

دوستان خدا درود بر تو باد ای نور خدا درود بر تو

یَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اِمَامَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَارِثَ

ای حجت خدا درود بر تو ای امام گروندگان ووارث

النَّبِیِّیْنَ وَسُلَالَةَ الْوَصِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نُوْرَ

پیغمبران ودودمان اوصیا درود بر تو ای نور

اللّٰهِ فِیْ ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَتَیْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ

خدا در تاریکیهای زمین زیارت کننده ام ترا وشناسم حق ترا

مُعَادِیًا لِاَعْدَائِكَ وَمُوَالِیًا لِاَوْلِیَائِكَ فَاشْفَعْ لِیْ

دشمن مر دشمنان ترا ودوستم مر دوستان ترا شفیع باش برای من

عِنْدَ رَبِّكَ وشیخ طوسی رحمه الله گفته است که چون

نزد پروردگارت

خواهی وداع کنی حضرت امام موسی کاظم ع را نزد قبر بایست

وبگو اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

درود بر تو باد ای آقای من یا ابا الحسن ورحمت خدا

وبرکاته استودعک الله واقرء علیک السلام

وبرکات او ودایع خدا ومیخوانم بر تو باد

السلام امنا بالله وبالرسول وبما جئت به ودللت

درود گرویدیم بخدا وبرسولش وبقران او ودلالت کن

علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین وهمچنین در

ما را خدا بنویس برای ما با گواهان

وداع امام محمد تقی علیه السلام میگوئی السلام علیک

درود بر تو باد

یا مولای یا ابن رسول الله ورحمة الله وبرکاته استودعک

ای اقای ما پسر رسول خدا ورحمت وبرکات خدا میخوانند تو را

الله واقرء علیک السلام امنا بالله وبرسوله وبما

خدا وصیغه هستم بر تو درود ایمان آوردیم بخدا وبرسولش وبانچه

جئت به ودللت علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین

امد باو ودلالت کن بر ما خدایا بنویس ما را با گواهان

در بیان کیفیت زیارت علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثناء

بسند معتبر از ائمه علیهم السلام منقول است

که چون نزد قبر حضرت امام رضا علیه السلم برسی بگو

اللهم صل علی علی ابن موسی الرضا المرتضی الامام

التقی النقی وحجتک علی من فوق الارض ومن تحت الثری

الصدیق الشهید صلوة کثیرة تامة زاکیة متواصلة

متواترة مترادفة کافضل ما صلیت علی احد من اولیائک

و زیارت مشهور آنحضرت زیارتیست که در کتب معتبره

مذکور است و بمحمد بن الحسن بن الولید رضی الله عنه منسوب

گردانیده اند که چون اراده نمائی حضرت امام رضا علیه السلم را

در طوس زیارت نمائی یا غیر آنجا یعنی از دور پیش از انکه

از

از خانه بیرون آیی و بگو در وقتی که غسل میکنی

اللهم طهرنی وطهر لی قلبی واشرح لی صدری واجر

علی لسانی مدحتک والثناء علیک فانه لا قوة الا

اللهم اجعله لی طهورا وشفاء و میگوئی در وقت

بیرون رفتن بسم الله وبالله والی الله والی ابن رسول

الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم الیک توجهت

والیک قصدت وما عندک اردت پس چون روی

بر در خانه خود بایست و بگو اللهم الیک وجهت

وجهی والیک خلفت اهلی ومالی وما خولتنی وبک

وثقت فلا تخیبنی یا من لا یخیب من اراده ولا یضیع من

حفظه صل علی محمد و آل محمد واحفظنی بحفظک فانه

لا یضیع من حفظت پس چون نزد قبر حضرت برسی غسل

بکن و در وقت غسل کردن بگو اللهم طهرنی وطهر

قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی مدحتک ومحبتک

والثناء علیک فانه لا قوة الا بک وقد علمت ان

قوة دینی التسلیم لامرک والاتباع لسنة نبیک والشهادة

علی جمیع خلقک اللهم اجعله لی شفاء ونورا انک

علی کل شیء قدیر . پس بپوش پاکترین جامهای خود را و پای

برهنه روانه شوی بگو والله اکبر ولا اله الا الله

وسبحان الله والحمد لله بگو وچون داخل روضهٔ

مقدسه شوی بگو بسم الله وبالله وعلی ملة

رسول الله صلی الله علیه واله اشهد ان لا اله

الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا

عبده ورسوله واشهد ان علیا ولی الله پس برو

نزدیک ضریح وقبله را در پشت خود بگیر ومقابل

آنحضرت بایست وبگو اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانه

سيد الأنبياء والمرسلين اللهم صل على
محمد عبدك ورسولك ونبيك وسيد خلقك
اجمعين صلوة لا يقوى على احصائها غيرك
اللهم صل على امير المؤمنين علي بن ابيطالب عبدك
واخي رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته هاديا
لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالتك
وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك
والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة
الله وبركاته اللهم صل على فاطمة بنت نبيك و

وزوجة وليك وام السبطين الحسن والحسين سيدي

شباب اهل الجنة الطهرة الطاهرة المطهرة التقية

النقية الزكية سيدة نساء اهل الجنة اجمعين

صلوة لا يقوى على احصائها غيرك اللهم صل

على الحسن والحسين سبطي نبيك وسيدي شباب اهل

العالمين والجنة القائمين في خلقك والدليلين

على من بعثت برسالاتك وديانى الدين بعدلك

وفصلى قضائك بين خلقك اللهم صل على علي

ابن الحسين عبدك القائم في خلقك والدليل على

من بعثت برسالتك وديان الدين بعدلك وفصل

قضائك بين خلقك سيد العابدين اللهم صل

على محمد بن على عبدك وخليفتك في ارضك باقر علم

النبيين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق عبدك

ووليك وولي دينك وحجتك على خلقك اجمعين

الصادق البار الامين اللهم صل على موسى بن جعفر

عبدك الصالح ولسانك في خلقك الناطق بحكمك

والحجة على بريتك اللهم صل على على بن موسى الرضا

المرتضى عبدك وولي دينك القائم بعدلك والداعي

الی دینک ودین اباآئه الصادقین صلوة لایقوی

علی احصائها غیرک اللهم صل علی محمد بن علی عبدک

وولیک القائم بامرک الداعی الی سبیلک اللهم صل

علی علی بن محمد عبدک وولی دینک اللهم صل علی

الحسن بن علی العامل بامرک القائم فی خلقک وحجتک

المؤدی عن نبیک وشاهدک علی خلقک المخصوص

بکرامتک الداعی الی طاعتک وطاعة رسولک صلواتک

علیهم اجمعین اللهم صل علی حجتک وولیک القائم

فی خلقک صلوة تامة نامیة باقیة تعجل فیها فرجه

وَتَضُرُّنا بِها وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ

إِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَاُوالِي وَلِيَّهُمْ وَاُعادِي

عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَاصْرِفْ

بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَاَهْوالَ يَوْمِ الْقِيمَةِ

پس می‌نشینی نزد سر آنحضرت و می‌گوئی اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ يا نُورَ اللّٰهِ

فِي ظُلُماتِ الاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدِّينِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْرٰهِيمَ

خليل الله السلام عليك يا وارث اسمعيل ذبيح الله

السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام

عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا

وارث محمد بن عبد الله خاتم النبيين وحبيب رب

العالمين رسول الله السلام عليك يا وارث علي ابن ابي

طالب امير المؤمنين ولي الله السلام عليك يا وارث

فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك

يا وارث ابي محمد الحسن السلام عليك يا وارث ابي

عبد الله الحسين السلام عليك يا وارث علي بن الحسين

سَیِّدِ العابِدینَ اَلسَّلامُ علیکَ یا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ

باقِرِ عِلْمِ النَّبیّینَ وَالاَوَّلینَ وَالآخِرینَ اَلسَّلامُ علیکَ

یا وارِثَ جَعفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ البارِّ الاَمینِ اَلسَّلامُ

علیکَ یا وارِثَ موسَی بْنِ جَعفَرٍ الکاظِمِ الحَلیمِ اَلسَّلامُ

علیکَ اَیُّهَا الشَّهیدُ السَّعیدُ المَظلومُ المَقتولُ اَلسَّلامُ

علیکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الوَصِیُّ البارُّ التَّقِیُّ اَشْهَدُ

اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَآتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالمَعروفِ

وَنَهَیْتَ عَنِ المُنکَرِ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّی اَتیٰکَ

الیَقینُ اَلسَّلامُ علیکَ یا اَبَا الحَسَنِ وَرَحمَةُ اللهِ وَ

برکاته

وبركاته انه حميد مجيد لعن الله امة ظلمتك لعن الله

امة اسست اساس الظلم والجور (والبدعة) عليكم اهل البيت

بس خودرا بضريح بچسبانی وبگوئی اللهم اليك صمدت

من ارضي وقطعت البلاد رجاء رحمتك فلا تخيبني ولا

تردني بغير قضاء حوائجي وارحم تقلبي على قبر ابن اخي

رسولك صلواتك عليه واله بابي انت وامي اتيتك

زائرا وافدا عائذا مما جنيت على نفسي واحتطبت على

ظهري فكن لي شفيعا الى الله تعالى يوم حاجتي وفقري

وفاقتي فلك عند الله مقام محمود وانت عند الله وجيه

پس دست راست را بلند میکنی و دست چپ را بر قبر میگشائی

و میگوئی اللهم انی اتقرب الیک بحبهم وولایتهم

اتولی آخرهم بما تولیت به اولهم و ابرء من کل ولیجة

دونهم اللهم العن الذین بدلوا نعمتک واتهموا

نبیک وجحدوا بآیاتک وسخروا بامامک وحملوا الناس

علی اکتاف آل محمد اللهم انی اتقرب الیک باللعنة

علیهم والبرائة منهم فی الدنیا والآخرة یا رحمن

پس رو میکنی بنزد پای آن حضرت و میگوئی صلی الله

علیک یا ابا الحسن صلی الله علیک وعلی روحک

البدن

الطیب و بدنک صبرت و انت الصادق المصدق

قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن و چون

خواهی که زیارت وداع کنی بگو السلام علیک

یا مولای وابن مولای و رحمة الله و برکاته انت

لنا جنة من العذاب و هذا اوان انصرافی عنک ان کنت

اذنت لی غیر راغب عنک و لا مستبدل بک و لا

مؤثر علیک و لا زاهد فی قربک و قد جدت بنفسی

للحدثان و ترکت الاهل و الاولاد و الاوطان

فکن لی شافعا یوم حاجتی و فقری و فاقتی یوم لا

يغني حميمي ولا قريبي يوم لا يغني عني والدي

ولا ولدي اسئل الله الذي قدر على رحلتي اليك

ان ينفس بك كربتي واسئل الله الذي قدر على فراق

مكانك ان لا يجعله اخر العهد من رجوعي

اليك واسئل الله الذي ابكى عليك عيني ان

يجعله لي سببا وذخرا واسئل الله الذي اراني

مكانك وهداني للتسليم عليك وزيارتي اياك

ان يوردني حوضكم ويرزقني مرافقتكم في الجنان

السلام عليك يا صفوة الله السلام على امير المؤمنين

ووصی

وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

اَلسَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ

الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَجَعْفَرِ

بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ الْأَمِينِ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

الْكَاظِمِ الْحَلِيمِ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْعَلِيمِ وَمُحَمَّدِ

بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ الْجَوَادِ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ الْهَادِي وَ

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ

رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْحَافِّينَ

الباقين السلام على الملائكة المقيمين المسبّحين

الذين بأمره يعملون السلام علينا وعلى عباد الله

الصالحين اللهمّ لا تجعله آخر العهد من زيارتي

إيّاه فإن جعلته فاحشرني معه ومع آبائه الماضين

وإن أبقيتني يا ربّ فارزقني زيارته أبداً ما أبقيتني

إنّك على كلّ شيءٍ قدير وصلواتي استودعك الله

واسترعيك وأقرأ عليك السلام آمنّا بالله وبما

دعوت إليه اللهمّ فاكتبنا مع الشاهدين اللهمّ

فارزقني حبّهم ومودّتهم أبداً ما أبقيتني السلام

على

مِنّی اَبَدًا ما بَقیتُ وَ دائِمًا اِذا فَنیتُ اَلسَّلامُ عَلَینا

وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ **در بیان کیفیت زیارت**

امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام

وابن قولویه علیه الرحمة در کامل الزیارة گفته که روایت

شده است از بعضی ائمه علیهم السلام که چون خواهی

زیارت قبر حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری

علیهما السلام بکنی غسل میکنی و نزد قبر ایشان میروی

اگر توانی رفت و اگر نه اشاره میکنی بسلام مقابل شبکه

که بسوی ضریح مفتوح است و میگوئی اَلسَّلمُ عَلَیکُما یا

يا وليي الله السلام عليكما يا حجتي الله السلام
عليكما يا نوري الله في ظلمات الارض السلام
عليكما يا من بدى الله في شانكما اتيتكما زائرا عارفا
بحقكما معاديا لاعدائكما مواليا لاوليائكما مؤمنا
بما امنتما به كافرا بما كفرتما به محققا لما حققتما
مبطلا لما ابطلتما اسئل الله ربي وربكما ان يجعل
حظي من زيارتكما الصلوة على محمد واله وان يرزقني
مرافقتكما في الجنان مع ابائكما الصالحين واسئله
ان يعتق رقبتي من النار ويرزقني شفاعتكما ومصاحبتكما

وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا وَلَا يَسْلُبَنِي حُبَّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا

الصَّالِحِينَ وَاَنْ يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَيَحْشُرَنِي

مَعَكُمَا فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا وَ

تَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّتِهِمَا اَللّٰهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ

وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْاَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ

وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَاَبْلِغْ بِهِمْ وَبِاَشْيَاعِهِمْ

وَمُحِبِّيهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ اَسْفَلَ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ

فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وشيخ طوسی علیه

الرحمة گفته است که چون خواهی ایشان را وداع

کنی نزد قبر بایست و بگو السّلام علیکما یا ولیّی الله

استودعکما الله واقرء علیکما السّلام آمنّا بالله و

بالرسول وبما جئتما ودللتما علیه اللّهم اکتبنا

مع الشّاهدین اللّهمّ لا تجعله آخر العهد من زیارتکما

وارزقنی العود الیهما واحشرنی معهما ومع آبائهما

الطّاهرین والقائم الحجّة من ذرّیّتهما یا ارحم الرّاحمین

در بیان کیفیت زیارت حضرت صاحب الامر

صلوات الله وسلامه علیه است بدانکه

زیارت حضرت در همه جا خصوصا در سرداب مقدسه

که محل غیبت آنحضرتست مستحبست و بسندهای صحیح

و معتبر از محمد بن عبد الله حمیری منقول است که از ناحیه

مقدسه فرمان صاحب الامر بسوی او بیرون آمد که

خواهید متوجه شوید بما بسوی خدا پس بگوئید چنانچه

خدا فرموده است سَلامٌ عَلی آلِ یس اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

یا داعِیَ اللهِ وَ رَبّانِیَّ آیاتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللهِ

وَ دَیّانَ دینِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفَةَ اللهِ وَ ناصِرَ

حَقِّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ وَ دَلیلَ اِرادَتِهِ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ كِتابِ اللهِ وَتَرْجُمانَهُ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ فى آناءِ لَيْلِكَ وَاَطْرافِ نَهارِكَ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ اللهِ فى اَرْضِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا ميثاقَ اللهِ الَّذى اَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا وَعْدَ اللهِ الَّذى ضَمِنَهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَلَمُ

الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ

الْواسِعَةُ وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ

تَقْعُدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقْرَءُ وَتُبَيِّنُ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ حينَ تُصَلّى وَتَقْنُتُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ

تركع

تركع وتسجد السلام عليك حين تهلل وتكبر
السلام عليك حين تحمد وتستغفر السلام
عليك في الليل اذا يغشى والنهار اذا تجلى السلام
عليك ايها الامام المأمون السلام عليك
ايها المقدم المأمول السلام عليك بجوامع
السلام اشهدك يا مولاى اني اشهدك ان لا
اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده
ورسوله لا حبيب الا هو واهله واشهدك ان
عليا امير المؤمنين حجته والحسن حجته والحسين

وَعَلِيّ ابْنِ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدُ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرِ

بْنِ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلِيّ بْنِ مُوسَى

حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدُ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَعَلِيّ بْنِ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ حُجَّةُ اللهِ اَنْتُمُ

الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَاَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَارَيْبَ فِيهَا

يَوْمَ لَايَنْفَعُ نَفْسًا اِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

اَوْكَسَبَتْ فِي اِيمَانِهَا خَيْرًا وَاَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَاَنَّ

نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَاَشْهَدُ اَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ

حَقٌّ وَاَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ

حقٌّ والحشرُ حقٌّ والحسابُ حقٌّ والجنةُ حقٌّ والنا
رُ حقٌّ والوعدُ والوعيدُ بهما حقٌّ يا موالىّ شقي من
خالفكم وسعد من اطاعكم فاشهد على ما اشهدتك
عليه وانا ولىٌّ لك بريءٌ من عدوك فالحقّ ما
رضيتموه والباطل ما سخطتموه والمعروف ما
امرتم به والمنكر ما نهيتم عنه فنفسى مؤمنةٌ
بالله وحده لاشريك له وبرسوله وبامير المؤمنين
وبكم يا موالىّ اوّلكم واخركم ونصرتى معدّةٌ لكم
ومودّتى خالصةٌ لكم امين امين وبعد ازان

این دعا میخوانی اللهم انی اسئلك ان تصلی علی
محمد نبی رحمتك وكلمة نورك وان تملأ قلبی نور
الیقین وصدری نور الایمان وفكری نور النیات
وعزمی نور العلم وقوتی نور العمل ولسانی نور
الصدق ودینی نور البصائر من عندك وبصری
نور الضیاء وسمعی نور الحكمة ومودتی نور
الموالاة لمحمد وآله علیهم السلام حتی القاك
وقد وفیت بعهدك ومیثاقك فتغشینی رحمتك
یا ولی یا حمید اللهم صل علی حجتك فی ارضك

وخلیفتك

وَخليفتك في بلادك والداعي الى سبيلك والقائم

بقسطك والثائر بامرك ولي المؤمنين وبوار الكافرين

ومجلي الظلمة ومنير الحق والناطق بالحكمة والصدق

وكلمتك التامة في ارضك المرتقب الخائف والولي

الناصح سفينة النجاة وعلم الهدى ونور ابصار

الورى وخير من تقمص وارتدى ومجلي العمآء الذي

يملأ الارض عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا انك

على كل شيء قدير اللهم صل على وليك وابن اوليائك

الذين فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت

عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره و
انتصر به لدينك وانصره به اولياءك واوليائه و
شيعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من
شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه من
بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه
وامنعه من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه
رسولك وال رسولك واظهر به العدل وايده با
لنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم قاصميه
به جبابرة الكفر واقتل به الكفار والمنافقين وجميع

الملحدین
حیث کانوا من مشارق الارض ومغاربها برها
وبحرها واصلاً به الارض عدلاً واظهر به دین نبیک
صلی الله علیه وآله واجعلنی اللهم من انصاره
واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد علیهم
السلام ما یاملون وعدوهم ما یحذرون اله الحق
امین یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین
وایضا سید علیه الرحمه ذکر کرده است که مستحب است
که هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر علیه السلام را
چنین زیارت کند اللهم بلغ مولای صاحب الزمان

عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَيِّهِمْ وَ

مَيِّتِهِمْ وَعَنْ وَالِدَيَّ وَوُلْدِي وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ

زِنَةَ عَرْشِ اللهِ وَكَلِمَاتِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ

كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللّٰهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ فِي هٰذَا الْيَوْمِ

وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي اللّٰهُمَّ

كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهٰذَا التَّشْرِيفِ وَفَضَّلْتَنِي بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ

وَخَصَصْتَنِي بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي

صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّابِّينَ

عنه

عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه طائعاً غير

مكره في الصف الذي نعتّ اهله في كتابه فقلت

صفاً كانهم بنيان مرصوص على طاعتك وطاعة

رسولك وآله عليهم السلام اللهم هذه

بيعة له في عنقي الى يوم القيمة در کتب

معتبره علما مذکور است واز فرار شیخ مفید علیه

الرحمة ظاهر میشود که چون داخل سرداب شوی بعد از

رخصت طلبیدن بگو السلام عليك يا خليفة

الله وخليفة آبائه المهديين السلام عليك

يا وصيّ الاوصياء الماضين السلام عليك

يا حافظ اسرار ربّ العالمين السلام عليك

يا بقيّة الله من الصفوة المنتجبين السلام

عليك يابن الانوار الزاهرة السلام عليك

يابن الانوار الباهرة السلام عليك يابن العترة

الطاهرة السلام عليك يا معدن العلوم

النبويّة السلام عليك يا باب الله الّذي لا يؤتى

الّا منه السلام عليك يا سبيل الله الّذي من

سلك غيره هلك السلام عليك يا ناظر شجرة

طوبى

طوبى وسدرة المنتهى السلام عليك يا نور الله

الذي لا يطفى السلام عليك يا حجة الله التي لا

تخفى السلام عليك يا حجة الله على من في الارض و السماء

والسلام عليك سلام من عرفك بما عرفك به الله

ونعتك ببعض نعوتك التي انت اهلها وفوقها

اشهد انك الحجة على من مضى ومن بقي وان حزبك

هم الغالبون واوليائك هم الفائزون واعدائك

هم الخاسرون وانك خازن كل علم وفاتق كل رتق

ومحقق كل حق ومبطل كل باطل رضيتك يا مولاي

اماماً وهادياً ووليّاً ومرشداً لا ابتغي بك بدلاً

ولا اتّخذ من دونك وليّاً اشهد انّك الحقّ الثابت

الذي لا عيب فيه وانّ وعد الله فيك حقّ لا ارتاب

لطول الغيبة وبعد الامد ولا اتحيّر مع من جهلك

وجهل بك منتظرٌ متوقّعٌ لايّامك وانت الشافع

الذي لا تنازع والوليّ الذي ذخرك الله لنصرة

الدّين واعزاز المؤمنين والانتقام من الجاحدين

والمارقين اشهد انّ بولايتك تقبل الاعمال و

تزكّى الافعال وتضاعف الحسنات وتمحى السيّئات

فمن

فمن جاءك بولايتك واعترف بامامتك قبلت

اعماله وصدقت افعاله واقواله وتضاعفت

حسناته ومحيت سيئاته ومن عدل عن ولايتك

وجهل معرفتك واستبدل بك غيرك كبه الله

على منخره في النار ولم يقبل الله له عملا ولم يقم له

يوم القيمة وزنا اشهد الله واشهد ملائكته

واشهدك يا مولاي بهذا ظاهره كباطنه وسره

كعلانيته وانت الشاهد على ذلك وهو عهدي

اليك وميثاقي لديك اذ انت نظام الدين ويعسوب

المتقين وعزّ الموحّدين وبذلك امرني ربّ العالمين

فلو تطاولت الدهور وتمادت الأعمار لم ازدد فيك

الا يقيناً ولك حبّاً وعليك متّكلاً ومعتمداً ولظهورك

الا متوقّعاً ومنتظراً ولجهادي بين يديك مترقّباً

فابذل نفسي واهلي ومالي وولدي واهلي وجميع

خوّلني ربّي بين يديك والتصرّف بين امرك ونهيك

مولاي فان ادركت ايامك الطاهرة واعلامك

الباهرة فها انا ذا عبدك المتصرّف بين امرك

ونهيك ارجو به الشهادة بين يديك والفوز

لديك

لديك مولاي فان ادركني الموت قبل ظهورك

فاني اتوسل بك وبآبائك الطاهرين الى الله تعالى

واسئله ان يصلي على محمد وآل محمد وان تجعل لي

كرة في ظهورك ورجعة في ايامك لابلغ من

طاعتك مرادي واشفي من اعدائك فؤادي مولاي

وقفت في زيارتك موقف الخاطئين النادمين

الخائفين من عقاب رب العالمين وقد اتكلت

على شفاعتك ورجوت بموالاتك وشفاعتك

محو ذنوبي وستر عيوبي ومغفرة زللي فكن لوليك

يا مولاي عند تحقيق أمله واسئل الله غفران

ذنوبه فقد تعلق بحبلك وتمسك بولايتك وتبرأ

من اعدائك اللهم صل على محمد وآل محمد

وانجز لوليك ما وعدته اللهم اظهر كلمته

واعل دعوته وانصره على عدوه وعدوك يا رب

العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد واظهر

كلمتك التامة ومغيبك في ارضك الخائف المترقب

اللهم انصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا قريبا يسيرا

اللهم واعز به الدين بعد الخمول واطلع به الحق

بعد الافول واجل به الظلمة واكشف به الغمة

اللهم وآمن به البلاد واهد به العباد اللهم

املاء به الارض عدلا وقسطا كما ملئت ظلما وجورا

انك سميع مجيب السلام عليك يا ولي الله ائذن

لوليك في الدخول الى حرمك صلواتك عليك

وعلى آبائك الطاهرين ورحمة الله وبركاته پس

برو نزدیک سرداب غیبت آنحضرت ومیان دو در

بایست و درها را بدست خود بگیر و تنحنح کن مانند

کسی که رخصت داخل شدن طلبد و بسم الله الرحمن الرحيم

بگو و پاپین رو بتابانی وحضور قلب و دو رکعت نماز

در عرصه سرداب بکن و بگو اَللهُ اَکبَرُ اَکبَرُ وَلا اِلهَ

اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ وَلِلّهِ اَلحَمدُ اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی هَدانا

لِهذا وَعَرَّفَنا اَولِیائَهُ وَاَعدائَهُ وَوَفَّقَنا لِزِیارَةِ

اَئِمَّتِنا وَلَم یَجعَلنا مِنَ المُعانِدینَ النّاصِبینَ وَلا

مِنَ الغُلاةِ المُفَوِّضینَ وَلا مِنَ المُرتابینَ المُقَصِّرینَ

اَلسَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللهِ وَابنِ اَولِیائِهِ اَلسَّلامُ عَلَی

المُدَّخَرِ لِکَرامَةِ اَولِیاءِ اللهِ وَبَوارِ اَعداءِ اللهِ اَلسَّلامُ

عَلَی النُّورِ الَّذی اَرادَ اَهلُ الکُفرِ اِطفاءَهُ فَاَبَی

اللهُ

الا ان يتم نوره بكرههم وايده بالحيوة حتى يظهر

على يديه الحق برغمهم اشهد ان الله اصطفاك

صغيرا واكمل لك علومه كبيرا وانك حي لا تموت

حتى تبطل الجبت والطاغوت اللهم صل عليه

وعلى خدامه واعوانه على غيبته ونايه واستره سترا

عزيزا واجعل له معقلا حريزا واشدد اللهم

وطاتك على معانديه واحرس مواليه وزائريه اللهم

كما جعلت قلبي بذكره معمورا فاجعل سلاحي بنصرته

مشهورا وان حال بيني وبين لقائه الموت الذي جعلته

عَلى عِبادِكَ حَتماً واَقدَرتَ بِهِ عَلى خَليقَتِكَ رَغماً

فَابعَثني عِندَ خُروجِهِ ظاهِراً مِن حُفرَتي مُعتَذِراً [مُؤتَزِراً] كَفَني

حَتّى اُجاهِدَ بَينَ يَدَيهِ فِي الصَّفِّ الَّذي اَثنَيتَ عَلى

اَهلِهِ في كِتابِكَ فَقُلتَ كَاَنَّهُم بُنيانٌ مَرصُوصٌ اَللّهُمَّ

طالَ الاِنتِظارُ اَللّهُمَّ اَدنِا وَجهَ وَلِيِّكَ المَيمُونَ في

حَيوتِنا وَبَعدَ المَنُونِ اَللّهُمَّ اِنّي اَدينُ لَكَ بِالرَّجعَةِ

بَينَ يَدَيهِ صاحِبِ هذِهِ البُقعَةِ اَلغَوثَ اَلغَوثَ اَلغَوثَ

يا صاحِبَ الزَّمانِ قَطَعتُ في وُصلَتِكَ الخُلّانَ وَهَجَرتُ

لِزِيارَتِكَ الاَوطانَ واَخفَيتُ اَمري عَن اَهلِ البُلدانِ

لِتَكُونَ شَفيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبّي وَالِی اٰبَاءِكَ وَمَوالی

فی حُسْنِ التَّوْفیقِ لی وَاِسْباغِ النِّعْمَةِ عَلَیَّ وَسَوْقِ الْاِحْسانِ

اِلَیَّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَصْحابِ الْحَقِّ وَ

اُسْتَجِبْ مِنّی ما دَعَوْتُكَ وَاَعْطِنی ما لَمْ اَنْطِقْ بِهٖ فی

دُعاۤئی مِنْ صَلاحِ دینی وَدُنْیایَ اِنَّكَ حَمیدٌ مَجیدٌ

وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ پس داخل وَاٰلِهِ الطّاهِرینَ

صُفّه شو و دو رکعت نماز بکن و بگو اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ

عَبْدُكَ الزّاۤئِرُ فی فِناۤءِ وَلِیِّكَ الْمَزُورِ الَّذی فَرَضْتَ

طاعَتَهُ عَلَی الْعَبیدِ وَالْاَحْرارِ وَاَنْقَذْتَ بِهٖ اَوْلِیاۤءَكَ

مِنْ عَذابِ النّارِ اَللّهُمَّ اجْعَلْها زِيارَةً مَقْبُولَةً ذاتَ

دُعاءٍ مُسْتَجابٍ مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَليِّكَ غَيْرِ مُرْتابٍ اَللّهُمَّ

لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلا بِزِيارَتِهِ وَلا تَقْطَعْ اَثَري

مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيارَةِ اَبيهِ وَجَدِّهِ اَللّهُمَّ اَخْلِفْ عَلَيَّ

نَفَقَتي وَانْفَعْني بِما رَزَقْتَني في دُنْيايَ وَآخِرَتي لي

وَلِاِخْواني وَاَبَوَيَّ وَجَميعِ عِتْرَتي اَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ اَيُّهَا

الْاِمامُ الَّذي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَيَهْلِكُ عَلى يَدَيْهِ

الْكافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ يا مَوْلايَ يَا بْنَ الْحَسَنِ عَلَيَّ جِئْتُكَ

زائِراً لَكَ وَلِاَبيكَ وَجَدِّكَ مُتَيَقِّناً الْفَوْزَ بِكُمْ مُعْتَقِداً

اماتكم

اِمامتکم اَللّهم اکتب هذهِ الشهادة والزیادة

لی عندک فی عِلّیین و بلغنی بلاغ الصالحین و

انفعنی بحبهم یارب العالمین دعای سمات

واعتصاسمات بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّهم انت الاول فلیس قبلک شیء وانت الاخر

فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء

وانت الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز

الرحیم سبحانک لا اله الا انت یا حنان یا

یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال

والاکرام صلّ علی محمّد وآل محمّد اجمعین

سمات اقرء فی ساعة آخر یوم جمعه

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللّهمّ انّی اسئلك باسمك العظیم الاعظم

الاعظم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم الّذی

اذا دعیت به علی مغالق ابواب السّماء للفتح

بالرّحمة انفتحت واذا دعیت به علی مضایق

ابواب الارض للفرج بالرّحمة انفرجت واذا

دعیت به علی العسر للیسر تیسّرت واذا دعیت

بِهٖ عَلَى الْاَمْوَاتِ عَلَى لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَاِذَا دُعِيتَ

بِهٖ عَلٰى كَشْفِ الْبَاْسَاۤءِ وَالضَّرَّاۤءِ انْكَشَفَتْ وَبِجَلَالِ

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَاَعَزِّ الْوُجُوهِ

الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ

وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَصْوَاتُ وَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ

مِنْ مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي تُمْسِكُ السَّمَاۤءَ

اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ

وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا

مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا

العالمون وبكلمتك التي خلقت بها السموات

والارض وبحكمتك التي صنعت بها العجائب

وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت

الليل سكنا وخلقت بها النور وجعلته نهارا

وجعلت النهار نشورا مبصرا خلقت بها الشمس

وجعلت الشمس ضياء وخلقت بها القمر وخلقت

بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت بها

الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا ومصابيح و

زينة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب

وجعلت

وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا

وَمَسَابِحَ قَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ

تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا

وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ

تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ

وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَ

الْحِسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرْأًى

وَاحِدًا وَأَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ

بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فی المقدسین فوق احساس الکروبین فوق غمائم

النور فوق تابوت الشهادة فی عمود النار وفی طور

سیناء وفی جبل حوریث فی الواد المقدس فی

البقعة المبارکة من جانب الطور الایمن من الشجرة

وفی ارض مصر بتسع ایات بینات ویوم فرقت

لبنی اسرائیل البحر وفی المنبجسات التی صنعت

بها العجائب فی بحر سوف وعقدت ماء البحر

فی قلب الغمر کالحجارة وجاوزت ببنی اسرائیل

البحر وتمت کلمتک الحسنی علیهم بما صبروا و

اورثتهم

واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التى

باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده

ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعظم

الاعز الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت

به لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء

ولابرهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد

الخيف ولاسحاق صفيك عليه السلام في بئر شيع

وليعقوب عليه السلام في بيت ايل واوفيت

لابرهيم عليه السلام بميثاقك ولاسحا قد

بحلفك وليعقوب عليه السلام بشهادتك

وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت

وبمجدك الذى ظهر لموسى بن عمران عليه السلام

على قبة الرمان وباياتك التى وقعت على ارض

مصر بمجد العزة والغلبة بايات عزيزة وبسلطان

القوة وبعزة القدرة وبشان الكلمة التامة

وبكلماتك التى تفضلت بها على اهل السموات و

الارض واهل الدنيا والاخرة وبرحمتك التى

مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك

الّتي أقمت بها العالمين وبنورك الّذي قد خرّ

من فزعه طور سيناء وبعلمك وعظمتك

وجلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك الّتي

لم تستقلها الأرض وانخفضت لها السّموات

وانزجر لها العمق الأكبر وركدت لها البحار

والأنهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها

الأرض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلّها

وخفقت لها الرّياح في جريانها وخمدت لها

النّيران في أوطانها وبسلطانك الّذي عرفت

لكَ بِهِ الغَلَبَةُ دهرَ الدهُورِ وحُمِدتَ بِهِ في السمواتِ

وَالارضينَ وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ الصِّدقِ التي سَبقت

لِابينا آدمَ عليهِ السَّلامُ وَذُرّيّتِهِ بالرَّحمةِ

وَاسئَلُكَ بِكَلِمَتِكَ التي غَلَبَت كُلَّ شَيءٍ وَبِنُورِ وَجهِكَ

الّذي تَجَلَّيتَ بِهِ لِلجَبَلِ فَجَعَلتَهُ دكّاً وَخَرَّ موسى

صَعِقاً وَبِمَجدِكَ الّذي ظَهَرَ على طُورِ سَيناءَ

فَكَلَّمتَ بِهِ عَبدَكَ وَرَسُولَكَ موسَى بنِ عِمرانَ

عَليهِ السَّلامُ وَبِطَلعَتِكَ في ساعيرَ وَظُهُورِكَ

في جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ المُقَدَّسينَ وَجُنُودِ الملائكةِ

الصافين

الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وبركاتك

التي باركت فيها على ابرهيم خليلك عليه السلم

في امة محمد صلى الله عليه السلام واله وباركت

لاسحاق صفيك عليه السلام في امة عيسى عليه

السلام وباركت ليعقوب اسرائيلك عليه السلام في امة

موسى عليه السلام وباركت لحبيبك محمد

صلى الله عليه واله في عترته وذريته وامته

عليه السلام اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم

نشهده وامنا به ولم نره صدقا وعدلا ان

تصلی علی محمد وال محمد وان تبارک علی محمد

وال محمد وترحم علی محمد وال محمد کافضل ما

صلیت وبارکت ورحمت وترحمت علی ابرهیم

وال ابرهیم انک حمید مجید فعال لما یرید انک

علی کل شیء قدیر هر حاجت دارد ذکر کند

یا الله یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض

یا ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم یا ارحم

الراحمین وبعد بگوید اللهم بحق هذا الدعاء

وبحق هذه الاسماء التی لا نعلم تفسیرها ولا

يعلم ظاهرها ولا باطنها غيرك صل على محمد وال

محمد حاجت خود را ودفع شر هر كه را خواهى ياد كن

وبكو واغفر لى ذنوبى ما تقدم وما تاخر ووسع

على من حلال رزقك واكفنى مؤنة انسان سوء

وجار سوء وسلطان سوء انك على ما تشاء

قدير وبكل شىء عليم امين يا رب العالمين

ودر بعضى از نسخ مصباح چنين است صل على محمد و

ال محمد وافعل بى ما انت اهله ولا تفعل بى ما انا

اهله وانتقم لى ممن يؤذينى واغفر لى ذنوبى

وذكر مصباح سيد بزرگ رحمه الله مذکور است که

بعد از دعاء سمات بگوید اللّهمّ بحقّ هذه

الدّعآء وبحقّ هذه الاسمآء الّتی لا یعلم تفسیرها

ولا تاویلها ولا باطنها ولا ظاهرها غیرک ان تصلی

علی محمّد وال محمّد وان ترزقنی خیر الدّنیا والاخرة

پس حاجات خود را بطلبد وبگوید افعل بی ما انت

اهله ولا تفعل بی ما انا اهله وانتقم لی من فلان

ابن فلان واغفر لی من ذنوبی ما تقدّم منها وما تاخر

ولوالدیّ ولجمیع المؤمنین والمؤمنات ووسع علی

فصلان

مِنْ حلالِ رِزْقِكَ وَاكْفِنِي مؤُنَةَ انسانَ سوءٍ وَ

جارِ سوءٍ وسلطانِ سوءٍ وقرينِ سوءٍ ويومِ سوءٍ

وساعةِ سوءٍ وانتقم لي ممّن يكيدُني وممّن يبغي عليّ

ويريدُ بي سوءً وباهلي واولادي واخواني وجيراني

وقراباتي من المؤمنين والمؤمنات ظلماً انّكَ

على ما تشاءُ قديرٌ وبكلّ شيءٍ عليمٌ امين

دعاي يا ربّ العالمين كه بعد از ان بخواند

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ

خداوندا که در میخواهم از تو برحمت تو از رحمتی که فرو گرفته هر

شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَخَضَعَ

چیز را وبتوانائی تو که غلبه کرده بان هرچیز را وفروتنی کرد

لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ

مراو را هرچیزی وپست شد او را هرچیزی وبزرگواری تو که غلبه کرده

بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ

بان هرچیزی را وبعزت تو که برابر نمی ایستد او را چیزی وببزرگی تو

الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَ

که پر کرده هرچیز را وباقتدار تو انکه بالای هرچیز است و

بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ

بروی تو که باقیست پس از فنای هرچیزی وبنامهای تو

الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ

که پر کرده است رکنهای هرچیز را وبدانش تو که فرو گرفته هرچیز را

شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ

وبروشنائی ذات تو که روشن کرده هرچیز را ای هویدا

يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ

ای منزه ای بهتر پیشینیان وای بهتر پسینان خدایا

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

بیامرز برای من گناهان را که میدرد پرده عصمت را خدایا بیامرز برای من

الذنوب تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب

کناهیرا که فرود آورد عذاب را خدا بیامرز برای من کناهیرا

التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس

که تغییر دهد نعمتهارا خدا بیامرز کناهیرا که حبس کند

الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء

دعارا خدایا بیامرز برای من کناهیرا که فرود آرد بلارا

اللهم اغفر لی الذنوب التی تقطع الرجاء اللهم

خدایا بیامرز برای من کناهیرا که می‌برد امیدرا خدایا

اغفر لی کل ذنب اذنبته وکل خطیئة اخطأتها

بیامرز هر کناهی که کرده‌ام آنرا و هر خطائیرا که بنادانی کرده‌ام

اللهم انی اتقرب الیک بذکرک واستشفع بک

خدایا بدرستی که نزدیکی جویم بتو بیاد تو و شفاعت جویم بتو

الی نفسک واسئلک بجودک ان تدنینی من قربک

وبخودت و در میخواهم ببخشش تو که نزدیک کردانی مرا بنزد تو

وان توزعنی شکرک وان تلهمنی ذکرک اللهم

و توفیق دهی بشکر خودت والهام کنی مرا بیاد تو خدایا

انی اسئلک سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحنی

که من سوال کنم ترا بسوال کردنی باخشوع و مذلت کریان مسامحه کنی مرا

وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ

و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت تو خوشنود قانع و در همه

الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنِ

احوال فروتن خدایا میخواهم ترا درخواستن آنکه

اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ

قوی شود ناچاریش و فرود آرد بتو نزد سختیها حاجت را

وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ

و بزرگ در آنچه نزد توست میل او خدایا بزرگست پادشاهی تو

وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ

و بلندست مکان تو و ناپیداست مکر تو و هویداست امر تو و غلبه کرد قهر تو

وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

و روانست فرمان تو و ممکن نیست فرار از حکومت تو

اَللّٰهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا

خدایا نمییابم از برای گناهان خود آمرزنده و نه ناشایستهای خود پوشاننده

وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا إِلٰهَ

و نه چیزی از کرده قبیح خود بنیکو بدل کننده سوای تو نیست معبودی

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ

جز تو منزهی تو و مشغولم بحمد تو ستم کردم نفس را و جرئت کردم

بجهلی

بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ اِلىٰ قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ

بنادانی واعتماد کردم بدیرینه یاد تو ومنت تو برمن

اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاۤءِ

خدا اقای من چه بسیار ناشایسته که پوشیدی وچه بسیار از کران بلاهاء

اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ

کم نمودی وچه مقدار لغزشها که نکاهداشتی و

وَكَمْ مِنْ ثَنَاۤءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ

وچه مقدار از مقدار نیکو که نبودم سزاواران وپهن کردی انرا خدایا

عَظُمَ بَلَاۤئِي وَاَفْرَطَ بِي سُوۤءُ حَالِي وَقَعَدَتْ بِي اَغْلَالِي

بزرک شد بلاء من وبد شده حالات من وعاجز کرده مرا غلهای من

وقصرت بي اعمالي

کوتاهی عمل

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ اٰمَالِي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا

وحبس کرد مرا از نفع من دوری ارزویم وفریب داد مرا دنیا بفریب دادن

وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ

ونفس من بخیانتش وانداختن من ای اقای من سوال کنم ترا بعزت تو

اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَاۤئِي سُوۤءُ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي

که پرده نشود از تو دعای من بد عملی من وکردهایم ورسوا نکنی مرا

بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِا

بپنهان انچه مطلع شدی بران از حقیقت من وتعجیل مکن

الْعُقُوبَةَ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوْءِ فِعْلِي وَ

بعقوبت برانچه کردم انرا در تنهائی از بد کرداری من و

إِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي

زشت کرداریم واستمراد تقصیر من وجهل من وبسیاری شهوت من

وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا

وبیخبری من وباش خدایا بعزت تو از برای من در همه حال

رَؤُوفاً وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً إِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي

مهربان وبر من در همه کارها دوستدار پروردگار من کسیکه

أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلٰهِي وَمَوْلَايَ

سؤال کنم ظاهر کردن بدحالیم ونگریستن در کارم ای انای من

أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ

روان کردی بر من حکمیرا که پیروی کردن در ان میل نفسم را ونگاه نکردم

فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ

در ان از اراستن دشمنم فریب داد مرا بانچه خواستم ویاری کرد اورا

عَلَى ذٰلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ

براین مطلب فرمان تجاوز کردم بانچه جاری بر من ازاین

بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ

پاره از حدود تو وخلاف کردم از پاره فرمان تو مر تراست ثنای

عليّ في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى عليّ فيه قضاؤك

بر من در همه اين و نيست دليلى من در انچه جارى شد بر من از فرمان تو

والزمني فيه حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي

والزام مرا در ان حكم تو و ازمايش تو و امدم ترا اى خداى من

بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذراً نادماً

پس از تقصير خود و از حد خود بر نفس خود خواهنده عذر پشيمان

منكسراً مستقيلاً مستغفراً منيباً مقراً مذعناً

شكسته خواهنده امرزش خواه رجوع كننده اقرار دار و يقين دار

معترفاً لا اجد مفرّاً مما كان مني ولا مفزعاً اتوجه

قبول دار نمى جويم گريزگاهى انچه صادر شده از من و نه پناهى كه رو كنم

اليه في امري غير قبولك عذري وارحم شدة

باو در كار خود جز قبول كردن تو عذر مرا و رحم كن سختى بد

ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني

حالى مرا و برهان مرا از محكم بندهايم اى خدا رحم كن ناتوانى بدن مرا

ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدء خلقي وذكري

و نازكى پوست مرا و باريكى استخوانم مرا اى انكه ابتدا كردى افرينش مرا و ياد مرا

وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك

و تربيتم را و نيكى مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا جهة اول كرم خود

وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري

و در اوردن تو مرا در فراخى از رحمت خود خدايا پس قبول كن عذر مرا

وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَتُرَاكَ

وپیش رفته نیکیت بمن ایخدا وآقای من وخدای من آیا دیده شوی

مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَمَا انْطَوَى

عذاب کننده من باتشت بعد یکانکی تو وپس ازانچه احاطه شود

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

بران دل من ازشناسائی تو وتکلم کرد بان زبانم ازذکر تو

وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي

واعتقاد کرد باطن من از دوستی تو وبعد ازانکه براستی قبول کردم

وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ

خواندم ترا فروتنی ازجهة پروردکاری تو دوراست تو بزرکتری

مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ

ازانکه ضایع کنی اورا که پروردی اورا یا دور کنی کسرا که نزدیک کنی اورا یا برانی کسرا

مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

که جای دادی یاکه بدهی ببلا کسرا که کفایت کردی اورا ورحم کردی اورا

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَتُسَلِّطُ

وکاش میدانستم خدایا وآقا ومولایم آیا مسلط کنی

النَّارَ عَلَى وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى

آتش را بر روهائیکه بخاک افتادند جهة بزرکی تو سجده کننده وبر

ألسن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك ما

زبانی که گفتگو کرد بیگانگی تو از راستی و بسپاس تو مدح

دحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى

کننده و بر دلهائیکه اعتراف کردند بخدائی تو از تحقیق و بر

ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة

خاطری که گرد آورده از دانش را بتو تا که گردید ذلیل

وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة

و بر اعضائیکه که شتافت بجانب منزل پرستش تو باختیار

واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا

و اشاره نمود بآمرزش تو از روی اعتماد نه چنین است گمان

الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب

گمان بتو و خبر داده نشده ایم بفضل تو از تو ای کریم ای پروردگار

وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا و

تو میدانی ناتوانی مرا از کم از بلاء دنیا و

عقوباتها وما يجري فيها من المكاره على ان ذلك

عقوبتهای او و آنچه جاری شد در آن از مکروهها با آنکه این

بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته

ازمایشی و ناگوار کم زمان او اندک باقی بودن او کوتاه است

فَكَيْفَ احْتِمالِي لِبَلاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ

چگونه صبر نمایم بعذاب اخرت وبزرگی ان بلاء

فِيها وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقامُهُ وَلا

وچنان بلائی که طول دارد زمان او وهمیشه هست منزل او ونه

يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لا يَكُونُ اِلّا عَنْ غَضَبِكَ

سبك نمیشود از اهل ان بجهة انکه نمیباشد مگر از خشم تو

وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ وَهذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّمواتُ

وانتقام تو وعذاب تو واین انچیزیست که نمیایستد اسمانها

وَالْاَرْضُ يا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ

وزمین ای اقای من چگونه است بمن ومن بنده ناتوان

الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يا اِلهِي وَرَبِّي

ذلیل کوچك بینوا پناه جویم ای خدای من و

وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُوا

اقای من ومولای من از برای کدام امور بتو شکایت کنم

وَلِما مِنْها اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ

وانچه از ان ناله وگریه کنم جهة عذاب دردناك وسختی ان

اَوْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوباتِ

یا طولانی بلا وزمان ان پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها

مع

مَعَ اَعْدائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ

با دشمنان تو   وجمع کنی   میان من ومیان   اهل بلاء تو

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ وَاَوْلِيائِكَ

وجدائی اندازی میان من   ومیان دوستان تو   ودوستداران تو

فَهَبْنِي يا اِلهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ

ببخش مرا   ایخدای   وپیشوای   واقای من   خدایا صبر کردم من

عَلى عَذابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلى فِراقِكَ وَهَبْنِي

بر عذاب تو   پس چگونه صبر کنم   بر جدائی تو   وگرفتم که

صَبَرْتُ عَلى حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلى

صبر کردم   بر گرمی آتش تو   پس چگونه صبر کنم   از نظر کردن   به

كَرامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائِي عَفْوُكَ

بزرگواری تو   یا چگونه   ساکن شوم در آتش   وحال آنکه امیدم گذشت توست

فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدِي وَمَوْلايَ اُقْسِمُ صادِقاً

بعزت تو   ای آقا   ومولای من   سوگند خوردم براستی

لَئِنْ تَرَكْتَنِي ناطِقاً لَاَضِجَّنَّ اِلَيْكَ بَيْنَ اَهْلِها

که اگر واگذاری مرا   گویا   هر آینه گریه کنم   بسوی تو   درمیان اهل آن

ضَجِيجَ الْآمِلِينَ وَلَاَصْرُخَنَّ اِلَيْكَ صُراخَ

گریه   آرزومندان   وفریاد کنم   بسوی تو   فریاد

الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ

استغاثه كنندگان وهر آینه گریه كنم بر تو كردن گریه دوست

الْفَاقِدِينَ وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

گم كردگان و ندا كنم ترا هرجا كه باشی ای كارگذار مؤمنان

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

ای غایت آرزوهای شناسان ای فریادرس استغاثه كنندگان

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ

ای دوست دلهای راستگویان وای خدای جهانیان

أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلٰهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ

آیا دیده شوی ای منزه ای خدای من وبحمد تو مشغول كه بشنوی در آن صدای

عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ

بنده مطیع را كه در زندان آتش باشد بجهت مخالفت او وچشید مزه

عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ

عذاب را جهة نافرمانی او وحبس باشد میان طبقات آن بجرم او

وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ وَيُنَادِي لَكَ

وگناه او وحال آنكه او ناله كند بتو ناله آرزومندان وندا كند ترا

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

بزبان اهل توحید تو وتوسل جوید بتو

بربوبيتك

بربوبیتك یا مولای فکیف یبقی فی العذاب

بخدائی تو ای آقای من چگونه میماند در عذاب

وهو یرجوا ما سلف من حلمك ورأفتك أم

وحال امید دارد گذشتن تو از صبر تو ورأفت تو یا

کیف تؤلمه النار وهو یأمل فضلك ورحمتك

چگونه بدرد آرد اورا آتش وحال آنکه آرزو دارد فضل ورحمت ترا

أم کیف یحرقه لهبها وأنت تسمع صوته وتری

یا چگونه میسوزاند اورا زبانه آتش وتو میشنوی آواز اورا ومی بینی

مکانه أم کیف یشتمل علیه زفیرها وأنت تعلم

منزل اورا یا چگونه مشتمل شود براو زبانه او وتو میدانی وانت

ضعفه أم کیف یتغلغل بین أطباقها أم کیف

ناتوانی او یا چگونه مضطرب شود میان طبقهای آن یا چگونه د

تعلم صدقه أم کیف تزجره زبانیتها وهو

تو میدانی راستی او یا چگونه اذیت کند اورا زبانیان واو

ینادیك یا ربه أم کیف یرجوا فضلك فی

ندا کند ترا ای پروردگار یا چگونه امیدوار شود فضل ترا در

عتقه منها فتترکه هیهات ما ذلك الظن

آزاد شدنش از آن واگذاری اورا در آن دور است چه گمانست این

بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا

بتو ونه شناخته شده از فضل تو ونه ماننده بانچه

عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ وَاِحْسَانَكَ فَبِالْيَقِينِ

کرده بان یگانه پرستان را ونیکی تو پس بیقین دادم

اَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ

وقطع اگر نه این بود که حکم کردی بان از عذاب کردن منکرانت

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ

وگذرانیده بان از مخلد کردن دشمنانت میگردانی

النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِاَحَدٍ

اتش را همه سرد وسلامت ونمیشد از برای احدی

فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ

دران منزلی ونه جایی لیکن تو که پاکیزه است نامهای تو

اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَاَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ

سوگند یاد کرده که پر کند انرا از کافران از پریان

وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ وَاَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

وادمیان همه وانکه مخلد داری دران دشمنان را

وَاَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ

وتو که بزرگ ثنای تو گفتی ابتدا کننده وبخشیده

بالانعام

بالانعام متكرما أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا

نعمت را کرام کننده آیا کسیکه گرونده است چون کسیست که نافرمان است

لا يستوون الهى وسيدى فأسئلك بالقدرة التى قدرتها

یکسان نیند خدایا آقای من پس میخواهم ترا بان توانایی که مقدر کرده آنرا

وبالقضية التى حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه

وبحکم ان چنانی که واجب کرده وثابت کرده آنرا وغلبه کردی از که باو

اجريتها ان تهب لى فى هذه الليلة وفى هذه

روان کردی که ببخشایی برای من دراین شب ودراین

الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته

ساعت هر گناهی که کرده ام آنرا وبدی که کرده ام آنرا

وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته

وهر بدکاری که مخفی کردم وهر نادانی که کردم پوشیده باشم

او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة

یا پیدا کرده ام پنهان کرده ام یا آشکارا وهر بدی

امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم

که فرموده بنوشتن آن بزرگان نویسندگان آنها که واداشتی آنهارا

بحفظ ما يكون منى وجعلتهم شهودا على مع

بنگاهداشتن آن از من وگردانیدی آنهارا شاهد بر من وبا

جوارحي وكنت انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي

دست پای من و تو بودی نگهبان من از غیر ایشان و گواه بر آنچه پنهان باشد

عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته

از ایشان و برحمت تو که پنهان کردی آنرا و بفضل تو که پوشیدی آنرا

وان توفر حظي من كل تنزله او احسان

و آنکه زیاد کنی بهره مرا از هر فرستادی آنرا یا خوبی که

تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب

تفضل کنی آنرا یا نیکی که پراکنده کنی یا روزی که پهن کردی آنرا یا گناهی

تغفره او خطاء تستره يا رب يا رب يا رب

بیامرزیش یا بدی که پنهان نمائی آنرا ای پروردگار من

يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من

ای معبود من و مولای من و مالك بندگی من ای آنکه

بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا

بدست اوست موی پیش سرم ای دانا بفقر من و پریشانی من ای باخبر

بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب

بگدائی من و احتیاج من ای پروردگار من

اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك

سؤال کنم بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفتهای تو

واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار

وبنام تو كه بگرداني اوقات مرا در شب و روز

بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي

بياد تو آبادان و بخدمت پيوسته و كردهاي مرا

عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها

نزد تو قبول كرده تا باشد كردهاي و اوراد من همه آنها

وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا سيدي

وردي يگانه وحال من در خدمت پيوسته اي آقاي من

يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي

اي آنكه بر او است اعتماد من اي آنكه بتو شكايت كنم احوال خود را

يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي

اي پروردگار توانا كن بر خدمت خود دست و پاي مرا

واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في

و محكم دار بر بندگي دل مرا و ببخش مرا كوشش در

خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى

ترس تو و پيوستگي در بندگي و خدمت تو تا

اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك

تند روم بسوي تو در ميدان اسب تازندگان و بشتابم بسوي تو

فِي الْمُبَادِرِينَ وَاشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ

در شتابندگان و مشتاق شوم بسوی قرب تو در مشتاقان

وَأَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ

و نزدیک شوم از تو نزدیکی خداوندان اخلاص و بترسم از تو ترسیدن

الْمُوقِنِينَ وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

یقین کنندگان و جمع شوم در همسایگی تو با گروندگان

اَللّٰهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي

خدایا و هرکه اراده کند مرا ببدی اراده کن او را و هرکه مکر کند مرا

فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا

مکر کن او را و بگردان مرا از بهترین بندگانت بهره ام را

عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخَصِّهِمْ

نزد تو و نزدیکتر از ایشان جایمرا از جانب تو و مخصوص تر ایشان

زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذٰلِكَ إِلَّا

در منزلت نزد تو که رسیده نشود اینها مگر

بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ

بفضل تو و ببخش مرا ببخشش خود و مهربانی کن بر من

بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي

ببزرگیت و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا

بذکرک

بِذِكْرِكَ لَهِجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا وَمُنَّ عَلَيَّ

بذکرت گویا و دلم را بدوستی تو بیتاب و منت گذار بر من

بِحُسْنِ اِجَابَتِكَ وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ لِي زَلَّتِي

بخوبی اجابت تو و بپذیر لغزش مرا و بیامرز مرا گناهان مرا

فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ

که حکم کرده تو بر بندگان تو بعبادت تو و فرمودی ایشان را

بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَيْكَ يَا رَبِّ

بخواندنت و ضامن شدی از برای اجابت را بتو ای خدا

نَصَبْتُ وَجْهِي وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

باز داشتم روی خود را بتو ای خدا کشیدم دست خود را

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا

بعزت تو مستجاب کن دعای مرا و برسان مرا بآرزویم و

تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ

نبر از فضل خود امیدم را و دفع کن از من شر پریان و

الْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ

آدمیان از دشمنان مرا ای زود خوشنودی بیامرز از برای

لَا يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءَ فَاِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ

آنکه مالک نیست بجز دعا که تو کننده هرچه خواهی

یا من اسمه دواء و ذکره شفاء و طاعته

ای آنکه نام او دواست و ذکر او شفای و فرمان برداریش

غنی ارحم من راس ماله الرجاء و سلاحه

بنیازیست رحم کن کسیرا که سرمایه او امیدست و اسلحه او

البکاء یا سابغ النعم یا دافع النقم یا نور

گریه است ای خداوند نعمت ای دفع کننده ناخوشیها ای روشنی

المستوحشین فی الظلم یا عالما لا یعلم

ترسانندگان در تاریکیها ای دانائی که آموخته نشدی

صل علی محمد و آل محمد و افعل بی ما انت اهله

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه را که تو سزاوار آنی

و صلی الله علی رسوله و الائمة المیامین من

و رحمت فرست بر فرستاده او و امامان با میمنت از

آله و سلم تسلیما کثیرا کثیرا کثیرا

او و درود فرست فرستادنی بسیار و بی نهایت

بحمد مخدومی از مختار بسم کرام عظام سمت تحریر یافت

۱۲۹۷

کتبه العبد المذنب الخاطی حاجی سید محمد هندی فی من الهجرة النبویة

علی مهاجرها الف تحیة

تعقیب بسم الله الرحمن الرحیم نماز صبح

الحمد لله الذی اذهب اللیل مظلما بقدرته وجاء

بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیته

بمنه وکرمه وجوده مرحبا بالحافظین والتفات کنی

بجانب راست خود وبگوئی رحمکما الله من کاتبین و

شاهدین والتفات کنی بجانب چپ خود وبگوئی اکتبا

رحمکما الله بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد

ان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث

مِنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ اَحْيَى وَعَلَيْهِ اَمُوتُ وَعَلَيْهِ

اُبْعَثُ اِنْشَاءَ اللهُ اِقْرَءْ مُحَمَّدًا مِنِّى اَلسَّلَامُ

دُعَاء بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ فراش

اَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمَنِيعِ الَّذِى لَا

يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَآئِرِ

مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ

النَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ

وِلَاءِ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي اِلَى اَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ

حصينٍ الاخلاصِ فِي الاعترافِ بحقهم

وَالتمسّكِ بحبلهم موقنا انّ الحقّ لهم

وَمعهم وفيهم وبهم اوالي

من والوا واعادي وَاجانب من جانبوا

فصلِّ على محمّدٍ وال محمّدٍ واعذني

مِن شرِّ كلّ ما اتقيه يا عظيم

حجزت الاعادي عني ببديع السّموات

وَالارضِ انّا جعلنا من بينِ ايديهم

سدًّا ومن خلفهم سدًّا فاغشيناهم

فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَيْنَا وَادْفَعْ عَنَّا بَلَايَانَا

يَا رَؤُفُ لَبَّيْكَ اَشْفَعْ لَبَّيْكَ وَارْحَمْ

وَاَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

وَصَلَّى اللهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهٖ

مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ وَسَلَّمَ

تَسْلِيمًا كَثِيْرًا كَثِيْرًا دَائِمًا اَبَدًا

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

هذا دعاء صباح

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه

خداوندا ای انکه بیرون اورد زبان صبح را بسخن گفتن و

وسرح قطع اللیل المظلم بغیاهب تلجلجه واتقن

روشن بودن او وروان کرد پاره شب تاریک را بتاریکیهای تزلزل ان ومحکم کرد

صنع الفلک الدوار فی مقادیر تبرجه وشعشع

افرینش اسمانها گردان را در اندازهای تاریکی ان ودرافراخت

ضیاء الشمس بنور تاججه یا من دل علی ذاته بذاته

روشنی افتاب را بنور افروختگی ان ای انکه راه نمود بر ذات خود بذات خود

وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة

ومنزه است از هم جنس بودن مخلوقات خود وبزرگست از ملائمت

کیفیاته یا من قرب من خواطر الظنون وبعد

چگونگی خود ای انکه نزدیکست از خاطرهای گمانها ودورست

عن ملاحظة العیون وعلم بما کان قبل ان

از دیدن چشمها ودانا است بانچه بود پیش از

أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ

انکه مباشد ای انکه خوابانیدی مرا در بستر امن خود و امان خود

وَأَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مِنَنِهِ وَإِحْسَانِهِ

و بیدار کرد بسوی انچه بخشید بمن او را از نعمتهای خود و احسان خود

وَكَفَّ أَكُفَّ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ

و باز داشت دستهای بدیرا از من بقوت خود و پادشاهی خود

صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ

رحمت کن خدا بر دلالت کننده بسوی خود در شب تار

وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ

و چنگ زننده از سببهای تو بریسمان بزرگواری و بسیار درازاست

وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ وَ

و بلند مرتبه است بحسب او در بلندی سر شاخ که خلق او کامل است و

الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ

ثابت قدم است بر مکانهای لغزش ان در زمانهای اول

وَعَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَبْرَارِ وَافْتَحِ

و بر آل او که پنهان و نیکان و برگزیدگان و نیکوکاران و بگشا

اللّٰهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ

خدایا برما درهای صباح را بکلیدهای رحمت

وَالفَلاحِ وَالبِسنِی اللّٰهُمَّ مِن اَفضَلِ خلَعِ

وفیروزی — وبپوشان بر من — خدایا — از بهترین خلعتهای

الهِدایَةِ وَالصَّلاحِ وَاغرِس اللّٰهُمَّ لِعَظَمَتِكَ

هدایت — وصلاح را — وبنشان — خدایا — از برای عظمت خود

فی شِربِ جِنانی یَنابیعَ الخُشُوعِ وَاجرِ

در مکان آب خوردن — دل من — چشمهای — فروتنی را — وجاری کن

اللّٰهُمَّ لِهَیبَتِكَ مِن اٰماقی زَفَراتِ الدُّمُوعِ

خدایا — برای هیبت تو — از گوشهای چشم من — زدنهای — اشک را

وَاَدِّبِ اللّٰهُمَّ نَزَقَ الخُرقِ مِنّی بِاَزِمَّةِ القُنُوعِ

واصلاح کن — خدایا — درشتی وکج خلقی را — از من — بمهارهای قناعتها

اِلٰهی اِن لَم تَبتَدِئنِی الرَّحمَةُ مِنكَ بِحُسنِ التَّوفیقِ

خدایا — اگر ابتدا نکند مرا — رحمت — از تو — بنیکی اسباب توفیق

فَمَنِ السّالِكُ بی اِلَیكَ فی واضِحِ الطَّریقِ وَاِن

پس کیست راهبر مرا — بسوی تو — در آشکار — بندگی — واگر

اَسلَمَتنی اَناتُكَ لِقائِدِ الاَمَلِ وَالمُنیٰ فَمَنِ المُقیلُ

واگذاری مرا بصبر تو از برای راهنمائی — امیدها وآرزوها — پس کیست اصلاح کننده

عَثَراتی مِن كَبَواتِ الهَویٰ وَاِن خَذَلَنی نَصرُكَ

لغزشهای مرا — از افتادن — خواهش نفس — واگر فرو گذارد مرا — یاری تو

عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي

نزد جنگ کردن . نفس وشیطان بتحقیق واگذاشت مرا

خِذْلَانُكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمَانِ إِلٰهِي

خواری تو بجهة رنج و بی بهره شدن . ای خدای من

أَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْآمَالِ أَمْ

می بینی مرا که نیامدم ترا مگر از جهة آرزوها یا

عَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا حِينَ بَاعَدَتْنِي

در آویختم خود را بکنارهای ریسمان تو مگر وقتی که دور کرد مرا

ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوِصَالِ فَبِئْسَ الْمَطِيَّةُ الَّتِي

گناهان من از دار وصال پس بد مرکبی است آنچه

امْتَطَتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهًا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا

مرکب خود ساخته نفس من از خواهشهای خود تعجب دارم از آنچه زینت داد برای نفس من

ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا وَتَبًّا لَهَا لِجُرْأَتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا

گمانها و آرزوها ومقطوع باد او را جرئت او بر آقای خود

وَمَوْلَاهَا إِلٰهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي

و مولای خود ای خدای من کوبیدم در رحمت ترا بدست امید خود

وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لَاجِئًا مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي وَ

و گریختم بسوی تو در حالتی که پناه آورده ام از زیادتی هوسهای خود و

علقت

عَلِقَتْ بِأَطْرافِ حِبالِكَ أَنامِلُ وَلائِي فَاصْفَحِ

چسبانیدم بکنارهای ریسمان تو سر انگشتان دوستی خودرا واگذار

اللّٰهُمَّ عَمّا كانَ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطائِي وَأَقِلْنِي مِنْ صَرْعَةِ

خدایا از گناهانی که کرده ام اورا از لغزش وغلط خود وخلاصی کن مرا

اللّٰهُمَّ رِدائِي فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلايَ وَمُعْتَمَدِي

خدایا از لغزیدن هلاک من پس تویی آقای وبزرگ من ومحل اعتماد من

وَرَجائِي وَغايَةُ مُنايَ فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ إِلٰهِي

وامید من ونهایت مطلوب من درجای انقلاب واقامت من خدایا

كَيْفَ تَطْرُدُ مِسْكِيناً الْتَجَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ

چگونه دور میکنی از خود مسکینی را که پناه آورده بتو از گناهان درحالتی

هارِباً أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِداً قَصَدَ إِلىٰ جَنابِكَ

که گریزانست یا چگونه نا امید میکنی جوینده خودرا که برسد بجناب تو درحالتی

ساعِياً أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْآناً وَرَدَ إِلىٰ حِياضِكَ

که شتابانست یا چگونه دور میکنی تشنه را که رسید بسوی حوضهای تو درحالتی

شارِباً كَلّا وَحِياضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ

آشامنده است خاشا وحال آنکه حوضهای تو که لبریزاست در تنگی

الْمُحُولِ وَبابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ وَأَنْتَ

قحطها ودر تو بازاست برای طلب کردن وداخل شدن وتو

غايةُ السُّؤلِ ونهايةُ المأمولِ الهي هذه ازمّةُ

خواهش سوال کنندگان واخر آرزوی آرزومندان خدای من این مهارهای نفس

نفسی عقلتها بعقالِ مشيّتك وهذه اعباءُ

منند که زانو بند کرده ام انرا ببند اراده تو واین بارهای

ذنوبی درأتها برحمتك وهذه اهوائی المضلّة

گناهان منست که دفع کرده ام انرا برحمت تو واین هواهای نفس منست که گمراهی میدارد

وكلتها الى جنابِ لطفك فاجعل اللهم صباحی

رها کردم انرا بجناب لطف تو پس بگردان خدایا صبح مرا

هذا نازلاً علیّ بضیاءِ الهدی والسلامةِ فی

فرود اینده برمن بروشنی هدایت وسلامت در

الدین والدنیا ومسائی جُنّةً من کیدِ

دین ودنیا وشام مرا مانع از مکر قادری

العدی ووقایةً من مردیاتِ الهوی انك علی

دشمنان ونگهبان از مهلکات نفس که تو ای توانا بر

ما تشاءُ تؤتی الملك من تشاءُ وتنزع الملك

هرچه خواهی میدهی ملک را بهر که بخواهی ومیستانی پادشاهی را

ممن تشاءُ وتعزّ من تشاءُ وتذلّ من تشاءُ بیدك

از هر که بخواهی وعزیز داری هر کرا بخواهی وذلیل کنی هر که را میخواهی بدست تست

الخیر

الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

نیکی کر تونی بر هر چیز توانا و داخل کنی شب را در

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

روز و داخل کنی روز را در شب و بیرون آری زنده را از

الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ

مرده و بیرون آری مرده را از زنده و روزی دهی هر کرا میخواهی بی

حِسَابٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَ

اندازه نیست خدائی مگر تو بپاکی یاد کنم خدایا و بستایش

بِحَمْدِكَ جَلَّ ثَنَآؤُكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا

تو بزرگست ثنای تو کیست اگر بداند قدرت ترا پس نه

يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا اَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ اَلَّفْتَ

ترسد ز تو و کیست اگر بداند که تو چه کسی پس نترسد ز تو الفت دادی

بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ

بقدرت خود هر طایفه را و شکافتی برحمت خود صبح را

وَاَنَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَ

و نورانی کردی و جاری کردی از سنگ بنیاد سخت بعضیرا شیرین و بعضی را

اُجَاجًا وَاَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَآءً ثَجَّاجًا وَ

تلخ و فرستادی از ابرهای فشارنده بارانی بشدت و کثرت و

و آنزنت که نکرت کرت دانه ای الفلق
[illegible]

جَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَهَّاجًا

گردانیدی آفتاب و ماه را از برای خلق چراغی روشن

مِنْ غَيْرِ اَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا

بی آنکه ممارست نمائی در آن چیزی که ابتدا کرده بآن تعب و نه

عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهَرَ

معالجه ای آنکسی که تنهائی به بزرگی و بقا و قاهری

عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

بندگان را بموت و فنا رحمت کن بر محمد و

اٰلِهِ الْاَتْقِيَاءِ وَاسْمَعْ نِدَائِي وَاَهْلِكْ اَعْدَائِي

آلش که پرهیزگارانند بشنو ندای مرا و هلاک کن دشمنان مرا

وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ اَمَلِي وَرَجَائِي

و قبول کن دعای مرا و ثابت کن بفضل خود آرزوی مرا و امیدم را

يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ

ای بهترین آنکی که خوانده شود از برای دفع ضرر و طلب خیر برای هر دشواری

وَيُسْرٍ بِكَ اَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي يَا سَيِّدِي

و آسانی بتو نازل کردم حاجت خود را رد مکن مرا ای آقای من

يَا سَيِّدِي مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا

آقای از رفیعه بخششهای خود ناامید ای کریم ای

کریم

یَا کَرِیمُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی

ای کریم ای رحم کننده رحم کنندگان و رحمت فرستد خدا بر

خَیْرِ خَلْقِهِ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ

بهترین خلق او آقای ما محمد وال او پاکان

بعد از این مناجات را بخواند و سر سجده گذارد

اِلٰهِی قَلْبِی مَحْجُوبٌ وَنَفْسِی مَعْیُوبٌ وَعَقْلِی مَغْلُوبٌ

خدایا دل من مستورست و نفس من معیوب و عقل من مغلوبست

وَهَوَائِی غَالِبٌ وَطَاعَتِی قَلِیلٌ وَمَعْصِیَتِی کَثِیرٌ وَ

و خواهشم غالبست و طاعتم اندک و نافرمانیم بسیارست و

لِسَانِی مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ فَکَیْفَ حِیلَتِی یَا عَلَّامَ

زبانم اقرار کننده است بگناهان پس چگونه باشد حیلهٔ من ای داننده

الْغُیُوبِ وَیَا سَتَّارَ الْعُیُوبِ وَیَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ

پنهانها و ای پوشنده عیبها و ای آمرزنده گناهان

اِغْفِرْ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا یَا غَفَّارُ یَا غَفَّارُ یَا غَفَّارُ

بیامرز گناهان مرا همه را ای آمرزنده ای آمرزنده

یَا شَدِیدَ الْعِقَابِ یَا غَفُورُ یَا رَحِیمُ یَا حَلِیمُ یَا

ای سخت عقوبت ای آمرزنده ای مهربان ای حلم کننده ای

كَرِيمُ اِقْضِ حَاجَاتِي بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالنَّبِيِّ

کریم روا کن حاجت مرا بحرمت قران بزرگ وبحرمت پیغمبر

الْكَرِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

گرامی ودرود خدا بر محمد وال او که پاکانند

هٰذَا دُعَاءُ عَدِيلَهُ كُبْرَى

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

گواهی داده خدا که نیست خدائی مگر او که غالب وحکیم است

اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلَامُ وَاَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ

که دین نزد خدا اسلام است ومنم بنده ذلیل

الْمِسْكِينُ الْحَقِيرُ الْمُحْتَاجُ الْفَقِيرُ اَشْهَدُ لِمُنْعِمِي

ناتوان بیمقدار محتاج بیچیز گواهی دهم که نعمت دهنده

وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرِمِي كَمَا شَهِدَ لِذَاتِهِ وَشَهِدَتْ

وافریننده مرا وروزی دادی وگرامی کردی چنان گواهی داده برای ذات خودت وگواهی دادند

لَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ بِاَنَّهُ

او را ملائکه وصاحبان علم از بندگان خود باینکه

لا اله الا هو ذو النعم والاحسان والكرم

نيست خدائى مگر او صاحب نعمتها واحسانها وكرم

والامتنان قادر ازلي عالم ابدي حي احدي

ومنت توانا اولست دانا هميشه است زنده است يكتا

موجود سرمدي سميع بصير مريد كاره مدرك

موجود بى اول وبى آخر شنوا بينا اراده كننده ناخوش دارنده ادراك كننده

صمدي يستحق هذه الصفات وهو على ما هو

چيزى بيرون نبايد مستحق اين صفتها واو بر آنچه او

عليه في عز صفاته كان قويا قبل وجود القدرة

بر آن است در عزت صفتها بوده توانا پيش از هستى قدرت

والقوة وكان عليما قبل ايجاد العلم والعلة

وتوانا وبوده دانا پيش از آفريدن علم وعلت

لم يزل سلطانا اذ لا مملكة ولا مال ولم

هميشه بوده پادشاه وقتى كه نبوده مملكت ونه مال وهميشه

يزل سبحانا على جميع الاحوال وجوده قبل القبل

بوده منزه بر همگى حالها هستى او پيش از پيش است

في ازل الازال وبقاؤه بعد البعد من غير

در ازل ازلها وماندن او بعد از بعد است بدون

انتقالٍ ولا زوالٍ غنيٌّ في الاوّلِ والآخرِ مستغنٍ

انتقال ونى زوال توانكر در اول واخر بى‌نياز ذات

في الظّاهرِ والباطنِ لاجورَ في قضيّتهِ ولا

در ظاهر وباطن نيست ظلم در حكم ان ونه

ميلَ في مشيّتهِ ولا ظلمَ في تقديرهِ ولا مهربَ

ميلى در خواهش او ونه ظلمى در تقدير ان ونه كريزى

من حكومتهِ ولا ملجأ من سطواتهِ ولا منجا من

از حكومت ان ونه پناهى از سطوت او ونه نجاتى از

نقماتهِ سبقت رحمتُه غضبَه ولا يفوتُه احدٌ

از عقوبتش بپيش كرفته رحمت او از غضبش وفوت نميكند اورا احدى

اذا طلبه ازاح العللَ في التكليفِ وسوّى

وقتى كه طلبد اورا زايل كرده علتها در تكليف كردن وبرابر كرده

التّوفيقَ بين الضّعيفِ والشّريفِ مكّنَ اداءَ

توفيق را ميان وضيع وشريف توفيق داده باداكردن

المأمورِ وسهّلَ سبيلَ اجتنابِ المحظورِ لم يكلّفِ

مأمور واسان كرده راه پرهيز كردن از منهيات تكليف نكرده

الطّاعةَ الّا دونَ الوسعِ والطّاقةِ سبحانه

طاعت را بقدر وسعت وطاقت منزه است او

ما ابين

ما أبين كرمه وأعلى شأنه سبحانه ما أجل

چه ظاهر است کرم او و بزرگ شان او منزه است او و بزرگ

نيله وأعظم إحسانه بعث الأنبياء

انعام او و بزرگ احسان او فرستاد انبیا را

ليبين عدله ونصب الأوصياء ليظهر طوله

تا ظاهر کند عدالت خود را و نصب کرد وصیها را تا اظهار کند احسان خود را

وفضله وجعلنا من أمة سيد الأنبياء وخير

و تفضل خود را و کردانید ما را از امت آقای پیغمبران و بهترین

الأولياء وأفضل الأصفياء وأعلى الأزكياء

اولیاء و افضل اصفیا و بهترین ازکیا

محمد صلى الله عليه وآله آمنا به وبمن دعانا

محمد درود خدا بر او و آل او ایمان آوردیم باو و بانچه خواند ما را

إليه وبالقرآن الذي أنزله عليه وبوصيه

باو و بقرآن که فرستاد بر او و بجانشین او علی

الذي نصبه يوم الغدير وأشار بقوله هذا

که نصب کرد او را یوم غدیر و اشاره کرد بقول خود اینست علی

إليه وأشهد أن الأئمة الأبرار والخلفاء

بسوی او و گواهی میدهم که امامان نیکان و خلیفههای

الْأَخْيَارِ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ عَلِيٌّ قَامِعُ الْكُفَّارِ

بهتری بعد از پیغمبر برگزیده علی قلع کننده کافران

وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ أَوْلَادِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَخُوهُ

و از بعد او آقای فرزندان او امام حسن پسر علی پس برادر او

السِّبْطُ التَّابِعُ لِمَرْضَاتِ اللهِ الْحُسَيْنُ ثُمَّ الْعَابِدُ

سبط پیروی کننده مرضی خوشنودی خدا حسین بعد امام زین العابدین

عَلِيٌّ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرٌ ثُمَّ

علی بعد امام محمد باقر بعد امام جعفر صادق بعد

الْكَاظِمُ مُوسَى ثُمَّ الرِّضَا عَلِيٌّ ثُمَّ التَّقِيُّ

امام موسی کاظم بعد امام رضا بعد تقی

مُحَمَّدٌ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيٌّ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ الْحَسَنُ ثُمَّ

محمد بعد حضرت نقی علی بعد حضرت زکی حسن است بعد

الْخَلَفُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي

خلف حجت قیام کننده انتظار کشیده شده حضرت مهدی رجا که

بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى

ببقای او باقیست دنیا و ببرکت او روزی داده شدند مردمان

وَبِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَبِهِ يَمْلَؤُا

و بوجود او ثابتست زمین و آسمان بجهد او پر کند

الله

اللهُ الأرضَ قسطاً وعدلاً بعدَ ما مُلِئَتْ ظُلماً

خدا زمین را از قسط وعدل بعد از اینکه پر شده باشد از ظلم

وجوراً وأشهدُ أنَّ أقوالَهم حجةٌ وامتثالَهم

وستم وگواهی میدهم که گفتار ایشان حجتست واطاعت ایشان

فريضةٌ ومودّتَهم لازمةٌ والاقتداءَ بهم

واجبست ودوستی ایشان لازم است وپیروی بایشان

منجيةٌ ومخالفتَهم مرديةٌ وهم ساداتُ أهلِ

نجات دهنده ومخالفت ایشان هلاک کننده است وایشان آقایان اهل

الجنةِ أجمعين وشفعاءُ يومِ الدينِ وأئمةُ

بهشتند همه وشفیعان روز جزا اند وپیشوایان

أهلِ الأرضِ على اليقينِ وأفضلُ الأوصياءِ

اهل زمین بر یقین وبهترین وصیها

المرضيين وأشهدُ أنَّ الموتَ حقٌّ والقبرَ حقٌّ

پسندیدگان وگواهی میدهم که مرگ حقست ودفن کردن حقست

ومسائلةَ منكرٍ ونكيرٍ في القبرِ حقٌّ و

وسؤال نکیر ومنکر در قبر حقست

البعثَ حقٌّ والنشورَ حقٌّ والصراطَ حقٌّ والميزانَ

زنده شدن حق وبیرون آمدن حقست وصراط حقست ومیزان

حَقٌّ وَالصِّرَاطُ حَقٌّ وَالْمِيزَانُ حَقٌّ وَالْحِسَابُ

وحساب حق است ومیزان حق است

حَقٌّ وَالْكِتَابُ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَأَنَّ

وانکه واتش حق وبهشت حق است حق است وکتاب حق

السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

در کیکه زنده میکند وخدا دران نیست شکی میاید قیامت

الْقُبُورِ اللّٰهُمَّ فَضْلُكَ رَجَائِي وَكَرَمُكَ وَرَحْمَتُكَ

ورحمت تو وکرم تو امید من است فضل تو خدایا قبورست

وَعَفْوُكَ أَمَلِي وَلَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ وَلَا

ونه که مستحق بهشت باشم ونیست عملی مرا وگذشت تو آرزوی منست

طَاعَةَ لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ إِلَّا أَنِّي

مگر آنکه خوشنودی شوم که ملاقات طاعتی دادم

اعْتَقَدْتُ تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ وَارْتَجَيْتُ

وامید دادم وعدل تو بیکانکی تو اعتقاد دادم

إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ وَتَشَفَّعْتُ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

خدا درود بپیغمبر وشفاعت وفضل تو باحسان تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَوْصِيَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ

از درود براتان باد وجانشینهای او وآلش براو

اجند

أَحِبَّتِكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَرْحَمُ

از دوستان تو و توئی کرامیترین کرامیها وارحم

الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

راحمين درود خدا بر بهترين خلق او محمد وآل او

أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

همه پاکیزگان ونیست حول ونه قوه

إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مگر بخدا بزرگ عظیمتر وحمد خدای جهان را

اَللّٰهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي أَوْدَعْتُكَ يَقِينِي

ایخدای رحم کنندگان که من امانت گذاشتم یقین خود را

هٰذَا وَثَبَاتَ دِينِي وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ وَقَدْ

اینست ثبات دینم و تو بهترین امانت داری و

أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَقْتَ حُضُورِ

امر کردی ما را نگاه داشتن امانتها رد کن او را بر من وقت حاضر شدن

مَوْتِي وَعِنْدَ مَسْأَلَةِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

مرگ من ونزد سوال نکیر ومنکر برحمت تو ای رحم کن

الرَّا — تعقيب نماز ظهر — حِمِينَ

رحم کنندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لا اله الا الله العظیم الحلیم لا اله الا الله

نیست خدائی مگر خدای بزرگ حلیم نیست خدائی مگر خدائی

رب العرش الکریم والحمد لله رب العالمین

پروردگار عرش کرام وستایش مر خدای جهانیان

اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک وعزائم

خدایا بدرستی سؤال میکنم از تو مقتضیات رحمت بزرگ

مغفرتک والغنیمة من کل بر والسلامة

آمرزش ترا وغنیمت از هر نیکی وسلامت

من کل اثم اللهم لا تدع لی ذنبا الا غفرته

از هر گناه خدایا مگذار برایم گناهی مگر آنکه بیامرزی آنرا

ولا هما الا فرجته ولا کربا الا کشفته

ونه غمی مگر آنکه زایل کنی آنرا ونه اندوهی مگر آنکه بگشایی

ولا سقما الا شفیته ولا عیبا الا سترته ولا

ونه مرضی مگر آنکه شفا دهی ونه عیبی مگر آنکه بپوشانی ونه

رزقا الا بسطته ولا دینا الا قضیته ولا

روزی مگر آنکه پهن کنی ونه دینی مگر آنکه ادا کنی ونه

خَوْفاً اِلّا آمَنْتَهُ وَلا سُوءً اِلّا صَرَفْتَهُ وَلا

ترسی مگر آنکه ایمن گردانی وند بدی مگر آنکه بگردانی وند

حاجَةً هِیَ لَکَ رِضاً وَلِیَ فیها صَلاحٌ اِلّا

حاجت که آنحاجت ترا خوشنودی باشد ومرا دران صلاح باشد مگر

قَضَیْتَها یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ

آنکه روا کنی آنرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مستجاب کن پرورد گارا

تعقیب نماز عصر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

آمرزش میخواهم از خدائی که نیست جز او که زنده و پاینده است

الرَّحْمنُ الرَّحیمُ ذُو الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَاَسْئَلُهُ

بخشنده مهربان صاحب بزرگ وکرامت وسؤال میکنم

اَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلیلٍ خاضِعٍ فَقیرٍ

که قبول کند توبه مرا توبه بنده خوار وشکسته کننده بی چیز

مِسْکینٍ مُسْتَکینٍ لا یَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً

گدا سؤال کننده مالک نباشد برای نفس خودش نفعی را

وَلَاضَرًّا وَلَامَوْتًا وَلَاحَيٰوةً وَلَانُشُوْرًا

ونه ضرری را و نه مرگی را ونه حیوتی را ونه زنده شدن بعد از مرگ

تَعْقِيبِ نمازِ مغرب

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى يُولِجُ اللَّيْلَ فِى النَّهَارِ وَ

ستایش مر خدایرا که داخل میکند شب را در روز و

تُولِجُ النَّهَارَ فِى اللَّيْلِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا وَقَبَ لَيْلٌ

داخل میکند روز را در شب ستایش مر خدایرا چندانکه تیره شود شب

وَغَسَقَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَخَفَقَ

وتاریک شود وحمد خدایرا چندانکه ظاهر شود کوکبی را وغایب شود

تعقیبِ نمازِ عشا

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اُعِيذُ نَفْسِى وَذُرِّيَّتِى وَدِينِى وَاَهْلِى وَ

پناه میدهم نفسم را وفرزندانم را ودینم را واهل خودم را و

وما لی بکلمات الله التامات من کل

وما لم را بکلمات خدا که تمامند از هر

شیطان وهامة ومن کل عین لامة

دیوی وگزنده واز هر چشم بد

تعقیب نماز صبح

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اصبحت بذمة الله وذمم انبیائه وذمم

صبح کردم بعهدهای خدا وعهد پیغمبران وعهد

رسله علیهم السلام وذمة محمد

رسولان برایشان باد درود وعهد محمد

صلی الله علیه وآله وذمم الاوصیاء

درود فرستاد خدا براو وآل او وعهد وصیها

علیهم السلام آمنت بسرهم وعلانیتهم

برایشان باد سلام ایمان آوردم بباطن ایشان وظاهر ایشان

وشاهدهم وغائبهم واشهد انهم

وحاضرانها ونهان ایشان وگواهی میدهم که ایشان

فِي عِلْمِ اللهِ وَطَاعَتِهِم كَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

در علم خدا وطاعت خدا مانند محمد اند درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بر او وآل او همه پاکیزه کانند

سُورَةُ المُلْكِ ثلثون آية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ المُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

برتر است آنکه بدست اوست پادشاهی واو بر هر چیز

قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ المَوْتَ وَالحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ

توانا است آنکه آفرید مرگ وزندگی را تا بیازماید شما را

اَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ العَزِيزُ الغَفُورُ الَّذِي خَلَقَ

که کدام بهتر است کردار واوست عزیز آمرزنده آنکه آفرید

سَبْعَ سَمٰوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ

هفت آسمانها طبقه طبقه نه بینی در آفرینش خدا هیچ

تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ البَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

تفاوتی برگردان چشم را آیا بینی هیچ نقصانی

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ

پس باز گردان چشم را دو مرتبه که باز میگردد بتو چشم

خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ

ناکام و او ست مانده شده و بتحقیق آراستیم آسمان

الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا

دنیا بستارگان و گردانیدیم آنها را راندگان

لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

برای شیاطین و آماده کردیم برای آنها عذاب آتش

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ

و برای آنان که کافر شدند بپروردگارشان عذاب دوزخ است و

بِئْسَ الْمَصِيرُ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا

بد بازگشتن است چون افکنده شوند در آن بشنوند مر آنرا

فيها شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ

خروشی و آن بر جوشد نزدیک شد که پاره شود از

الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ

خشم هرگاه انداخته شود در آن جماعتی پرسند از آنها

خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى

خازنانش آیا نیامد شمارا بیم دهنده گویند آری

قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله

آمد ما را بیم دهنده پس تکذیب کردیم وگفتیم نفرستاده خدا

من شيء إن أنتم إلا في ضلال كبير و

هیچ چیز نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ و

قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في

گویند اگر بودیم شنونده یا تعقل مینمودیم نبودیم در میان

أصحاب السعير فاعترفوا بذنبهم فسحقا

اصحاب آتش اعتراف کردند بگناهشان پس دوری باد از رحمت

لأصحاب السعير إن الذين يخشون ربهم

مر اصحاب آتش را بدرستی که آنانکه میترسند از خدا

بالغيب لهم مغفرة وأجر كبير وأسروا

در پنهانی ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ و پنهان دارند

قولكم أو اجهروا به إنه عليم بذات

سخنان را یا ظاهر نمایید مان که او داناست بذات

الصدور ألا يعلم من خلق وهو اللطيف

سینها آگاه باش میداند آنکه آفرید واوست لطیف

الخبير هو الذي جعل لكم الأرض

آگاه اوست آنکه قرار داد برای شما زمین را

ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ

نرم پس میروید در اطرافش ومیخورید از

رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ

روزیش وباوست بازگشت ایا ایمن شدید ازانکه در اسمانهاست

أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ أَمْ أَمِنْتُمْ

که فرو برد بشما زمین را انگاه موج بزند ایا ایمن شدید

مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ

ازانکه در اسمانست که بفرستد بر شما تند بادی پس زود بدانید

كَيْفَ نَذِيرِ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

چگونه بیم دهنده وبتحقیق که تکذیب کردند انانکه بودند پیش از شما

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ

چگونه بودند انکار کننده ایا ندیدید بسوی پرنده

فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ

که بالهاشان گشاده است وفراهم مینمایند هیچ نگاه ندارد انها را بجز خدا

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ

که او بهر چیز بیناست ایا کیست که او لشکری

لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ

مر شما را که یاری کند شما را از غیر خدا هستند کافران

الا في غرور أمن هذا الذي يرزقكم

مگر در غرور — اما کیست آنکه روزی دهد — شما را

ان امسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور أفمن

که باز گیرد — روزیش — بلکه لجاجت کردند — در سرکشی و نفرت — آیا آنکه

يمشي مكبا على وجهه اهدى أمن يمشي سويا

راه میرود سرنگون — بر رویش — هدایت یافته تر است — آیا آنکه راه میرود راست

على صراط مستقيم قل هو الذي انشأكم و

بر راه راست — بگو اوست — آنکه — پدید آورد شما را و

جعل لكم السمع والابصار والافئدة

قرار داد برای شما — گوش — و چشم — و دلها

قليلا ما تشكرون قل هو الذي ذرأكم

اندکی شکر میکنید — بگو اوست آنکه — پراکنده کرد شما را

في الارض واليه تحشرون ويقولون

در زمین — و بسوی او محشور شوید — و میگویند کی خواهد بود

متى هذا الوعد ان كنتم صادقين قل

این وعده — اگر هستید راستگویان — بگو جز

انما العلم عند الله وانما انا نذير مبين

این نیست علم — نزد خداست — و نیستم من جز بیم دهنده — آشکارا

فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِيْئَتْ وُجُوهُ الَّذِيْنَ

چون ببینند اورا نزدیک بد میشود رویها آنانکه

كَفَرُوا وَقِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُوْنَ

کافر شدند و گفته شود اینست آنکه بودید بآن خواهنده

قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَنْ مَعِيَ اَوْ رَحِمَنَا

بگو خبر دهید مرا اگر هلاک سازد مرا خدا و آنکه بامنست یا ببخشد مرا

فَمَنْ يُجِيْرُ الْكَافِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ قُلْ هُوَ

پس کیست که پناه دهد کافرانرا از عذاب دردناک بگو اوست

الرَّحْمٰنُ اٰمَنَّا بِهٖ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُوْنَ

خدا که گرویدیم باو و براو توکل کردیم پس زود میدانید

مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِيْنٍ قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ

کیست او در گمراهی ظاهر است بگو خبر دهید مرا اگر

اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَاْتِيْكُمْ بِمَاءٍ

گردد آب شما فرو رفته پس که میدهد شما را آب

طریقه ختم معین قاموس است

خادی

برای قضاء حوائج خصوصا برای دفع دشمن

باید مکان خلوتی اختیار کند و قبل از خواندن

دعا هفتصد و هفتاد و شش مرتبه بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم و یکصد و سی دو مرتبه

صلوات بفرستد و شروع بدعا نماید و ختم این دعا

بعدد صغیر نه مرتبه و بعدد وسیط نوزده مرتبه

و بعدد کبیر نود و نه مرتبه است و خواص او اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی قد تلاطمت امواج قاموس قدرتک فظهر

فی کل مقدور آثار قدرة عجیبة غریبة لا

يبلغ كنهها عقول العقلاء وفهوم العلماء و
اوهام الحكماء فكل شيء في قبضة قدرتك
اسير وان ذلك عليك سهل يسير وانت على
كل شيء قدير يا شديد ذو القوة والبطش الشديد
اسئلك مددا من قدرتك واسئلك مددا
من سلطانك واسئلك مددا من حكمتك
واسئلك مددا منك لتسخير وتضجير كل متكبر
وتكسير كل متجبر وتليين كل صعب واذلال
كل منيع واخفاض كل رفيع وقهر كل عدو

وَمحق كلّ خصيم واذهاق كلّ منافق ذي شقاق

من الجنّ والأنس والهوام والسّباع فلا يبقى شيء

من المكوّنات الّا ولينت لي بيدي عريكته وكسرت

شدّة شكيمته وفرط عتوّه وتفرعنه بعزّ تك

يا عزيز يا عزيز يا عزيز يا معزّ يا معزّ يا معزّ

يا مذلّ يا مذلّ يا مذلّ يا مقدّم يا مؤخّر اللّهمّ

وصلّ على محمّد سيّد الاوّلين والآخرين وعترته

الطّاهرين وصحبه المرضيّين